



بیتنا

سالِ ظہور
یا علامہ محمد قیام

سال ظهور یا علائم حتمی قیام

نویسنده: سیدحسین نجفی یزدی

ویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار

ناشر: انتشارات ناظرین

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۵

چاپ: چاپخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

تلفن: ۶۶۶۴۷۶۶۷ - ۰۲۱

شابک: ۹۶۴-۹۴۴۸۴-۵-۴

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قم - صفا شهر، ۱۵ متری اول، پلاک ۳۶

تلفن: ۲۸۵۱۱۲۷ - ۰۲۵۱

تهران

انتشارات آرام دل، انقلاب، کارگر جنوبی، خیابان شهدای زاندار مری

مجتمع ناشران و کتابفروشان کوثر

تلفن: ۶۶۹۷۱۶۹۷

سال ظهور

یا علائم حتمی قیام

تألیف:

سید حسین نجفی یزدی

فهرست

۱۳ مقدمه
۱۴ نقلِ نشانه‌های ظهور، چه فایده‌ای دارد؟
۱۷ نشانه‌های غیر حتمی ظهور
۱۷ علایم غیر حتمی و دگرگونی عالم
۱۷ روایت اول
۲۰ منکر معروف و معروف منکر می‌شود
۲۰ روایت دوم
۲۱ مردم خراب و دجال ظاهر می‌شوند
۲۱ روایت سوم
۲۴ وقتی دیدی ...
۲۴ روایت چهارم
۳۷ نشانه‌های حتمی ظهور
۳۷ روایت اول
۳۸ روایت دوم
۴۰ روایت سوم
۴۰ روایت چهارم

- نشانه اول: خروج سفیانی ۴۱
- ویژگی های سفیانی ۴۲
- سفیانی کیست ۴۲
- سفیانی در خطبه البیان ۴۳
- سفیانی در دوره هفتم ۴۴
- حتمی بودن خروج سفیانی ۴۵
- همزمانی قیام حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی ۴۹
- همزمانی خروج خراسانی، سفیانی و یمانی ۴۹
- قیام های قبل از خروج سفیانی ۵۰
- قبل از خروج سفیانی، خروج مردی تکریتی ۵۰
- خروج شیصبانی قبل از سفیانی ۵۱
- مکان و زمان خروج سفیانی ۵۱
- خروج سفیانی از شام ۵۱
- تفرقه کلمه و خروج سفیانی ۵۴
- اوضاع شهرها در زمان خروج سفیانی ۵۵
- سفیانی و کوفه ۵۵
- بغداد و مرد سفاک ۵۵
- جنگ در قرقیسا ۵۸
- سفیانی، مکه و مدینه را نمی بیند ۵۸
- مدت حکومت سفیانی ۵۹
- تصرف پنج شهر و حکومت نه ماهه سفیانی ۵۹

- سفیانی آمد، نه ماه بشمارید ۶۰
- هنگام قیام و ظهور امام مهدی (عج) ۶۰
- عدم پیروزی اهل بیت قبل از سفیانی ۶۰
- مدعی دیدار امام زمان قبل از سفیانی، دروغ گو است ۶۱
- روز ابدال ۶۲
- تمام فرج در مرگ شخصی از عباسیان است ۶۶
- تراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۶۷
- دعوت امام به کتاب، سنت و ولایت ۶۸
- رویارویی حضرت مهدی (عج) با سفیانی ۶۹
- سفیانی؛ دشمن مهدی علیه السلام ۶۹
- برخورد حضرت با سفیانی در نجف ۶۹
- دو شب مانده به قیام ۷۰
- عزیمت مهدی علیه السلام از مدینه به مکه ۷۳
- حضرت مهدی علیه السلام و عملکرد سفیانی ۷۶
- درخت سبز ۷۸
- وظایف شیعیان در هنگام خروج سفیانی ۷۸
- با ظهور سفیانی خود را به ما برسان ۷۸
- خود را به ما برسانید ۷۹
- کناره گیری کن ۷۹
- مردها مخفی شوند برزن ها با کی نیست ۸۰
- مرگ سفیانی ۸۰

- ۸۰ امام زمان سفیانی را خواهد کشت
- ۸۱ علامت مرگ سفیانی
- ۸۱ شکست سفیانی از مهدی (عج)
- ۸۲ سفیانی در کوفه و مدینه چه می کند
- ۸۲ پرچم سفیانی
- ۸۳ سفیانی خبیث است
- ۸۴ اختلاف بنی عباس و خروج سفیانی
- ۸۴ پنج علامت حتم ظهور
- ۸۵ ابن آكلة الاکباد
- ۸۶ دو نوع غیبت امام علیه السلام
- ۸۶ بلند شدن سه پرچم در شام
- ۸۷ خروج فردی از اولاد شیخ در نجف
- ۸۷ خلاصه

- ۹۵ نشانه دوم: ندای آسمانی
- ۹۵ اطاعت او واجب است
- ۹۶ سه ندا در ماه رجب
- ۹۸ ندا در شب بیست و سوم ماه رمضان
- ۹۹ آرام باش تا زمین و آسمان آرام است
- ۹۹ دو ندا در صبح و عصر
- ۱۰۰ ای اهل حق و باطل جدا شوید

- ۱۰۱ /فزع در ماه رمضان
- ۱۰۲ ندا حق است
- ۱۰۲ اعتقاد شیعه به ندای آسمانی
- ۱۰۳ ندا و خضوع گردن‌ها
- ۱۰۴ آذربایجان، ندا و خسف
- ۱۰۴ پس از ندا و خسف
- ۱۰۴ گمراهی از کجاست؟
- ۱۰۵ شناخت حق از باطل
- ۱۰۶ شیعه علی علیه السلام رستگار است
- ۱۰۷ فریاد منادی: این مهدی علیه السلام آل محمد علیهم السلام است
- ۱۰۸ مهدی علیه السلام خلیفه الله
- ۱۰۸ فتنه در شام و ندای منادی
- ۱۰۸ فرج در ندایی است که از دمشق می آید
- ۱۰۹ شنیدن ندا در مشرق و مغرب عالم
- ۱۰۹ جنگ بس است
- ۱۰۹ پایان حکومت ظالمین
- ۱۱۰ دعوت ندا، به بیعت با مهدی علیه السلام
- ۱۱۱ او مهدی خلیفه الله است
- ۱۱۲ هنگامه برخاستن صدا
- ۱۱۳ شک نکنید که صدای اول مربوط به جبرئیل است
- ۱۱۶ شیطان آخر روز از زمین ندا می کند
- ۱۱۶ خلاصه

- نشانه سوم: خسف ۱۲۳
- خسف عذاب از زیر پا ۱۲۳
- خسف در بادیه‌ای از دمشق ۱۲۴
- خسف در بغداد و بصره ۱۲۵
- خسف در بیداء ۱۲۵
- خسف در بیداء مدینه ۱۲۷
- خسف در حرشای دمشق ۱۲۷
- باقی ماندن دو نفر از حادثه خسف ۱۲۸
- حتمی بودن خسف در بیداء ۱۲۹
- هنگامه فرورفتن لشکر سفیانی ۱۲۹
- خلاصه ۱۳۰
- نشانه چهارم: قتل نفس زکیه (سید حسنی) ۱۳۳
- شخصیت نفس زکیه و علت قتل ۱۳۳
- پانزده روز فاصله بین قتل و قیام ۱۳۴
- بهترین جهادها در آخر زمان است ۱۳۴
- نفس زکیه یکی از یاران مهدی علیه السلام می باشد ۱۳۵
- خلاصه ۱۳۶
- نشانه پنجم: خروج یمانی ۱۳۹
- دوستی اهل یمن دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله است ۱۳۹
- یمانی از یمن ۱۳۹

- ۱۴۰ پرچم یمانی به حق نزدیک تر است
- ۱۴۰ یاری یمانی واجب و فروش اسلحه حرام
- ۱۴۱ خروج ملکی از صنعاى یمن، سفیدرو و اسم او حسن یا حسین است
- ۱۴۳ یمانی از دوستان حضرت علی علیه السلام است
- ۱۴۴ خروج پرچم‌های سیاه از خراسان و خروج یمانی
- ۱۴۴ قبل از قیام امام، خروج یمانی
- ۱۴۴ حسنی خبر از ظهور می‌دهد، او را کشته و سر او را برای سفیانی می‌فرستند
- ۱۴۵ یمانی همان منصور است
- ۱۴۸ خراسانی
- ۱۴۹ خروج آنها در یک سال است
- ۱۴۹ خراسانی و سفیانی
- ۱۴۹ یمانی و خراسانی
- ۱۵۱ انقلاب اسلامی ایران و قیام امام زمان (عج)
- ۱۵۵ شهر قم
- ۱۵۷ قبل از سفیانی کسی خروج می‌کند و مردم را به اهل بیت می‌خواند
- ۱۵۸ قبل از سفیانی هر کس از اهل بیت قیام کند شکست می‌خورد
- ۱۵۸ قیام قبل از امام زمان علیه السلام

مقدمه

حضرت مهدی (عج) چه هنگام ظهور خواهد کرد؟ نشانه‌های ظهورش چیست؟ بی‌تردید این دو سؤال و امثال آن، در ذهن هر انسان مسلمان و منتظری وجود دارد؛ به ویژه شیعه - که مکتب انتظار نام گرفته است - قرن‌هاست که در انتظار این موعود مبارک به سر می‌برد و همه رفتارها و کردارهای خویش را در جهت این ظهور، سامان‌دهی کرده است.

در آغاز برای آمادگی ذهنی، در خصوص «وقت ظهور» باید بگوییم: گردش ماه و خورشید و گذشت شب و روز را وقت و تاریخ می‌گویند به این معنا، چنین وقتی برای ظهور امام نخواهد بود. اما اگر وقت به معنای علامت و موقعیت باشد، یعنی مردم از نظر عقیده و اخلاق و روش و جامعه و نظام‌های اجتماعی به گونه‌ای خاص شوند، در آن وقت امام خواهد آمد.

به این معنا، قیام حضرت وقت و علامت دارد.

روایاتی که می‌فرماید برای ظهور حضرت وقت و تاریخی نیست ولی علائم هست به همین نکته اشاره می‌فرمایند.

زمان و مکان نمی توانند ظرف برای معنا باشند بلکه به آن دو انسان معنا می دهد. هر چیزی موقعیت خاص خود را می طلبد و هر حادثه ای در ظرف، موقعیت خود پیدا می شود.

آمدن حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و پیامبر خاتم محمد ﷺ و همه واقعیات و حوادث عالم و آمدن دجال و سفیانی و ظهور وجود مقدس امام زمان ﷺ همه و همه در موقعیت خاص خود بوده و خواهد بود و نشانه این است که پشت سر آن، حادثه ای خواهد بود، منتظر آن باشید. از این رو فرموده اند اگر دیدی که چه شد، منتظر باش که مطلبی که پشت سر آن خواهد آمد، نزدیک است.

تأخیر و تعجیل یک حادثه، مربوط به حال بشر است؛ مثلاً ظهور امام زمان اگر مؤمنین دعا و تضرع کنند زودتر فرامی رسد، اما اگر دعا نکنند تا آخر موقعیت خود، به تأخیر می افتد.

در حدیث است که دعای مؤمنین باعث شد که مدت طول ظهور حضرت عیسی ﷺ نزدیک شود، که اگر دعا نمی کردند عقب می افتاد. برخی می پرسند:

نقل نشانه های ظهور، چه فایده ای دارد؟

در پاسخ به این فواید اشاره می کنیم:

۱. انتظار و امید را در دل ها زنده نگه می دارد و باعث صبر و تحمل می گردد.

۲. رهبران با پیش گویی خود ایمان پیروان را به خود زیاد می کنند.

۳. دانستن وقایع آینده سبب جلوگیری از گمراهی می شود.

۴. شناخت حوادث آینده انسان را دوربین و آینده نگر می کند.

۵. موجب آمادگی برای مقابله با آنها و یا درصدد پیدا کردن راه کنار آمدن با آنها می گردد و با مسئله‌ای ناشناخته مواجه نمی شوند.

همین جا باید بگوییم که علائم ظهور دو دسته است: حتمی و غیر حتمی، علائم حتمی، نشانه‌هایی است که حتماً باید واقع شود و محدود و معدود است و وقوع آنها مخصوص به زمان خودش می باشد و آن علایم در سال ظهور حضرت مهدی (عج) واقع می شود.

علائم غیر حتمی، نشانه‌های عام و همگانی است که وقت معینی ندارد و در بسیاری از روایات وارده خبر از وضع دگرگون شدن عالم می دهد.

ما در این اثر با توجه به فواید ظهور، به بررسی نشانه‌های حتمی و غیر حتمی ظهور پرداخته‌ایم و چنان که پیداست، بیشتر حجم کتاب درباره نشانه‌های حتمی است. امید که منتظران حضرت حجت (عج) را مفید افتد و سبب خشنودی آن وجود مبارک گردد.

تهران - سید حسین نجفی یزدی

۱۳۸۴

نشانه‌های غیر حتمی ظهور

علایم غیر حتمی و دگرگونی عالم

ما چهار روایت در این مورد می‌آوریم:

روایت اول:

شیخ صدوق در کتاب اکمال‌الدین از ابن عباس نقل می‌کند که: رسول اکرم ﷺ فرمودند: به معراج پروردگارم بودم که خدا فرمود: ای محمد! گفت و گو عالم بالا چه بود؟ عرض کردم: نمی‌دانم. خدا فرمود: آیا از میان انسان‌ها کسی را وزیر و برادر خود گرفته‌ای که خلیفه و وصی بعد از تو باشد؟ عرض کردم: پروردگارا شما انتخاب بفرمایید.

خدا فرمود: من علی را انتخاب کردم، عرض کردم: پسر عمویم علی؟ فرمود: بلی، علی وارث تو و وارث علم تو است و در روز قیامت پرچم‌دار لوای تو و صاحب حوض کوثر توست و از حوض کوثر نمی‌نوشد، مگر مؤمن. ای محمد! من به خود قسم یاد کرده‌ام کسی که از دشمنانت و دشمن اهل بیت طیب و طاهر تو باشد از آن حوض ننوشد و خدا فرمود: حتماً من تمام امت تو را به بهشت خواهم برد، مگر کسی که خود نخواهد، عرض کردم: پروردگارا، مگر می‌شود کسی نخواهد به بهشت برود؟ خدا فرمود:

بلی، عرض کردم: چگونه؟ خدا فرمود: تو را من از میان خلق، به پیامبری انتخاب کردم و برای تو خلیفه و وصی قرار دادم و او را نسبت به تو مثل هارون نسبت به موسی قرار دادم؛ مگر این که هارون خود نبی بود و بعد از تو نبی نخواهد آمد و محبت او را در دل تو انداخته‌ام و او را پدر فرزندان تو قرار دادم. بنابراین هر کس حق او را انکار کند، حق تو را انکار کرده است و هر کس او را دوست نداشته باشد، تو را دوست نداشته است و کسی که تو را دوست نداشته باشد بهشت نخواهد رفت و معنای این که خود بهشت نمی‌رود همین است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: من به سجده افتادم و خدا را بر این نعمت شکر کردم که منادی صدا زد: ای محمد! سر بردار و هر چه می‌خواهی طلب نما که دعای تو مستجاب است.

به خدا عرض کردم: الهی! خواسته من این است که همه امت مرا تا روز قیامت بعد از من بر محبت علی ابن ابی طالب جمع بفرمایی تا همه در کنار حوض کوثر جمع شوند.

خدا وحی فرمود: ای محمد! قبل از این که خلق را بیافرینم به اراده خود هدایت و هلاکت هر کس را در قضا و قدر نوشتم و اراده کردم که علم تو را به علی داده، او را وزیر تو و خلیفه بعد از تو قرار دهم و دشمن و منکر ولایت او را به بهشت نمی‌برم. دشمن او، دشمن تو و دشمن تو، دشمن من است. دوستی او، دوستی تو و دوستی تو، دوستی من است و تمام این فضائل را خود به علی داده‌ام و از صلب او یازده مهدی^۱ خلق کرده‌ام که

۱. همه ائمه علیهم‌السلام مهدی؛ یعنی هدایت شده از طرف خدا هستند و مهدی قائم (عج) لقب مخصوص امام دوازدهم، حجة ابن الحسن علیه‌السلام است.

همه از نسل تو و فاطمه بتول می‌باشند که پشت سر آخرین آنها عیسی بن مریم نماز خواهد خواند و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که پُر از ظلم و جور شده باشد.

و به ظهور مهدی - حجة بن الحسن علیه السلام - آنها که هلاک شده‌اند را نجات و گمراهان را هدایت و کوران را بینا و بیماران را شفا می‌دهم.

عرض کردم: خدایا! مهدی قائم چه وقت ظهور خواهد کرد؟ خداوند فرمود: وقتی علم برداشته شود و جهل ظاهر گردد، گوینده زیاد و عمل کننده کم شود. کشتار زیاد شود. فقهای هدایتگر کم و فقهای گمراه کننده و خائن زیاد گردند و شاعر زیاد گردد و امت قبرها را مسجد کنند و قرآن‌ها را زینت کنند و مساجد را تزیین نمایند. جور و فساد زیاد گردد. زشتی ظاهر شود و امت به منکر امر کنند و از معروف نهی نمایند. مردها به مردها و زنان به زنان اکتفا کنند. حاکمین کافر باشند. نزدیکانشان فاجر و کمک کارانشان ظالم و مشاورانشان فاسق شوند.

در آن وقت سه خسف روی می‌دهد: خسف در مشرق، خسف در مغرب و خسف^۱ در جزیره العرب. بصره به دست مردی از اولاد تو به همدستی زنجی‌ها^۲ خراب می‌شود و مردی از اولاد حسین بن علی علیه السلام خروج می‌کند و دجال از مشرق و از سجستان^۳ خروج می‌کند و شیصبانی^۴ ظاهر می‌شود.

۱. خسف؛ یعنی زمین شکافته شده و مردم را در خود فرو برد.

۲. زنج همان آفریقا است.

۳. سیستان.

۴. بنی عباس را گویند.

عرض کردم: خدایا! بعد از من چه فتنه و فسادهایی خواهد آمد؟! خدا از فتنه بنی امیه و فساد بنی عباس و آن چه که تا روز قیامت واقع خواهد شد را به من خبر داد.

از معراج که بازگشتم همه را به علی گفتم و او را وصی خود قرار داده و رسالتم را ایفا کردم و بر تمام این خبرها، خدا را سپاس گفتم، همان گونه که انبیا خدا را شکر کردند.^۱

منکر معروف و معروف منکر می شود

روایت دوم:

ابن صدقه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شما چه خواهید کرد وقتی که زن ها فاسد شوند و جوان ها فاسق و امر به معروف و نهی از منکر از میان برداشته شود، سؤال شد آیا این شدنی است؟! حضرت فرمود: بلی و بدتر از آن، چه خواهید کرد وقتی برعکس شود امر به منکر و نهی از معروف شوید، سؤال شد آیا این شدنی است؟! حضرت فرمود: بلی و بدتر از آن چه خواهید کرد وقتی معروف منکر شود و منکر معروف شود.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸، حدیث ۱۱.

۲. همان، ص ۱۸۱، حدیث ۲.

مردم خراب و دجال ظاهر می‌شوند

روایت سوم:

یکی از اصحاب علی علیه السلام می‌گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام برای ما خطبه خواند و بعد از حمد و ثنای الهی، فرمود: قبل از آن که مرا از دست بدهید هر چه می‌خواهید برسید و سه بار این جمله را تکرار فرمود. صعصعة بن صوحان از جا بلند شده گفت: یا امیرالمؤمنین، دجال چه وقت ظاهر می‌شود؟ حضرت فرمود: بنشین که خدا حرف تو را شنید و دانست که چه اراده کرده‌ای. به خدا قسم در این مورد من از تو داناتر نیستم؛ ولی برای آن نشانه‌هایی است و آن شکل و شمایلی دارد که قدم به قدم ظاهر خواهد شد، اگر بخواهی به تو می‌گویم، عرض کردم: بلی یا امیرالمؤمنین بفرمایید، حضرت فرمود: آن چه به تو می‌گویم حفظ کن. وقتی مردم نماز را ترک کردند و نخواندند، امانت را ضایع کردند، دروغ را حلال شمردند، ربا خوردند، رشوه گرفتند، بناها را محکم ساختند، دین را به دنیا فروختند، نابخردان را به کار گماشتند، با زنان مشاوری کردند، قطع رحم کردند، پیرو خواسته‌های نفسانی خود شدند، خون ریختن را آسان شمردند، اگر کسی حلم و صبوری کرد او را ضعیف شمردند، به ظلم کردن فخر کردند، اُمرا فاجر و وزرا ظالم و بزرگان قوم خائن و گویندگان فاسق شدند، شهادت دادن به زور و ناحق ظاهر شد، فجور و گناه علنی شد، بهتان و گناه و سرکشی زیاد شد. قرآن‌ها را زینت و مساجد آرایش شد، مناره‌ها را طولانی کردند، اشرار را اکرام کردند، اجتماعات پرجمعیت و دل‌ها متفرق

شد، عهدشکنی کردند و عده‌ها نزدیک شد^۱ و برای حرص در دنیا زنان در تجارت با شوهرانشان شریک شدند.

صدای فاسقین و بدکاران بلند شده و شنونده داشت،^۲ بزرگ قوم، پست‌ترین آنها بود، فاجر را از ترس شرش احترام کنند، دروغ‌گو را صادق دانند و به خائن اعتماد کنند، ساز و آواز همگانی و رسمی شد. آخر این امت اول آن را لعنت کند و خروج بر سروج سوار شوند، زنان به زین دوچرخه و اسب سوار شوند، زنان خود را مانند مردها و مردها خود را مانند زنان کنند، بدون دیدن شهادت دهند، دیگری شهادت - در امور قضایی - بدهد بدون آن‌که حق را بداند، در راه غیر دین علم می‌آموزند و کار دنیا را مقدم بر کار آخرت بدانند، لباس گوسفند بر دل‌های گرگ صفت می‌پوشانند و دل آنها گندیده‌تر از مُردار و تلخ‌تر از زهرمار است. در آن هنگام، وای وای عجله کنید، عجله کنید. بهترین سرزمین‌ها در آن روز بیت‌المقدس است زمانی به مردم برسد که آرزو کنند ای کاش از ساکنین آن جا باشند.^۳

۱. زمان برای انسان‌ها زودگذر شد. در روایتی آمده که زمانی می‌رسد که سال به اندازه ماه و ماه به اندازه هفته و هفته به اندازه روز و روز به اندازه ساعت کوتاه می‌شود. توضیح این که: معنویت از زندگی مردم بیرون می‌رود و کارها تکراری و روزمرگی می‌گردد و تکرار امور دنیا زمان را برای آنها بی‌محتوا و کم‌ارزش می‌کند.

۲. با ساز و آواز، خوانندگی می‌کنند و طرف‌دار پیدا می‌کنند.

۳. در امروز که صهیونیسم و یهود به آن‌جا مسلط هستند و امنیت را از مردم آن‌جا برده‌اند نمی‌دانیم مقصود در این روایت چیست، آیا زمانی خواهد رسید که امن‌ترین جاها آن سرزمین خواهد بود یا معنی دیگر دارد. خدا داناتر است.

اصبغ بن نباته ایستاده عرض کرد: یا امیرالمؤمنین علیه السلام، دجال کیست؟ حضرت فرمودند دجال صائد فرزند صائد^۱ می‌باشد. شقی، کسی است که او را تصدیق کند و سعید کسی است که او را تکذیب کند.

از شهری به نام اصفهان و از محله یهودی نشین خروج می‌کند چشم راستش ممسوح و چشم دیگرش روی پیشانی،^۲ مانند ستاره صبح می‌درخشد. در چشمش لکه‌ای مانند خون و میان دو چشم او نوشته شده کافر؛ که هر با سواد و بی‌سوادی آن را می‌خواند. در دریاها فرو می‌رود با آفتاب می‌چرخد، مقابل او کوهی از ذرود است و پشت سرش کوه سفیدی است که مردم خیال می‌کنند آن نان خوراکی است. خروج او در زمان قحطی سخت است. بر او اقمر^۳ سوار است که هر قدمش یک فرسخ زمین زیر پای او به تندی رد می‌شود، به هیچ آبی نمی‌رسد، مگر آن که روز قیامت آن آب خشک می‌شود. با بالاترین صدا فریاد می‌زند که جن و انس و شیاطین بین مشرق و مغرب عالم همه می‌شنوند، می‌گویند: به سوی من بیایید، ای دوستانم، من خلق کردم و برپا داشتم، من اندازه‌گیری کردم و درست کردم، منم پروردگار بلند مرتبه شما! امام فرمودند: دشمن خدا دروغ می‌گوید؛ زیرا او اعور و یک چشمی است و غذا می‌خورد و در

۱. صائد به معنی شکارچی است او را بر این صفت و نام خوانده‌اند شاید از آن جهت باشد که او گول زن است؛ یعنی مردم را گول زده و از راه حق منحرف می‌کند. و این خود معنی شکار کردن و صید کردن است.

۲. ممسوح یعنی حتی جای چشم هم ندارد.

۳. اقمر: رنگ متمایل به سبز است.

کوچه و خیابان راه می رود در حالی که خدای شما یک چشمی نیست، غذا نمی خورد، در کوچه و بازار راه نمی رود و هرگز از بین نمی رود: ^۱
 ﴿تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً﴾ بدانید اکثر پیروان آن، ولدزنا و طیالسه خضر^۲ هستند.

خدا او را در عقبه شام که معروف به دره افیق است سه ساعت مانده به غروب روز جمعه به دست کسی که عیسی مسیح پشت سر او نماز می خواند می کشد و بدانید که بعد از آن قیامت کبری می باشد.^۳

وقتی دیدی...

روایت چهارم:

حمران می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که از حکومت بنی عباس صحبت به میان آمد و این که چقدر بر شیعیان سخت می گذرد، حضرت فرمود: من همراه منصور عباسی، هارون الرشید با گروهی از درباریان دولت وقت بودم، همه سوار اسب بودند، مرا سوار الاغ کرد و کنار خود قرار داده بود، در این حال رو به من کرد و گفت: ای اباعبدالله! تو باید خوش حال باشی که خدا به ما این قدرت، قوت، پیروزی و عزت را

۱. اگر روایاتی که درباره دجال آمده است باید تأویل شود به نظر می رسد که دجال که لغتی است به معنای «بسیار گول زن» همان تکنولوژی و صنعت باشد که انسان ها را گول زده و به دنیا مطمئن کرده است و همه را به تباه انداخته و گمان کرده اند که این کمال انسان است و لذا اصفهان، یهودی مسوح بودن چشم، در پیشانی بودن چشم، یک چشمی بودن، درخشش آن، نوشته روی پیشانی او، در دریاها فرو رفتن، با خورشید چرخیدن، و... هر کدام را با تکنولوژی می شود تطبیق داد. «خدا داناتر است».

۲. زیبارویان خوش رفتار - زنان تناز.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، حدیث ۲۶.

عنایت کرده است و نباید نزد مردم بروی و بگویی که تو لایق‌تر از ما به این حکومت هستی و باعث شوی که ما از تو و اطرافیانت عصبانی شویم.
حضرت فرمود: من به او گفتم: هر کس این اخبار را برای شما آورده دروغ گفته است.

منصور گفت: قسم می‌خوری؟

حضرت فرمود: مردم ساحرند، یعنی دوست دارند که دلت را نسبت به من خراب کنند. به حرف آنها گوش نده ما به تو محتاج‌تریم تا تو به ما.
منصور به من گفت: یادت می‌آید روزی که از تو سؤال کردم: آیا ما به حکومت می‌رسیم و تو گفتی: بله حکومتان طولانی و وسیع و قوی خواهد بود تا زمانی که خون حرامی در سرزمین حرام و ماه حرام نریخته باشید، و تا در دنیا نصیب شما حکومت و قدرت باشد، مهلت داده می‌شوید.

حضرت فرمودند: دیدم حدیثی را که به او گفته بودم، خوب حفظ کرده است.

به او گفتم: این خبر را من از خودم برایت نگفتم، بلکه حدیثی است که از پیامبر ﷺ رسیده و شاید ریختن خون حرام به عهده فرد دیگری از خاندان تو گذاشته شده باشد.

در این جا بود که ساکت شد و چیزی نگفت.

وقتی به منزل رسیدم بعضی از دوستان ما به منزل آمده گفتند: فدایت شوم، به خدا وقتی شما را در کنار درباریان منصور با آن وضع که شما را بر الاغ سوار کرده و خود و همراهان بر اسب سوار بودند و از بالای سر مسلط

بر شما با شما صحبت می‌کرد؛ مثل این که شما زیر سلطه او بودید؛ با خودم گفتم: این حجت خدا بر خلق و صاحب حقیقی ولایت است که همه باید تحت ولایت او باشند آن وقت آن آدم ظالمی که اولاد انبیا را می‌کشد و خون ناحق می‌ریزد، باید با چنین شوکتی روی اسب و با خدم و حشم باشد و شما بر الاغی سوار و در شمار یکی از نوکران او دیده شوید. خلاصه دلم چرکین شده و بدگمان شده بر دین خود ترسان هستم.

حضرت فرمود: به او گفتم: اگر شوکتی را که من داشتم، می‌دیدید و می‌دیدید چگونه ملائکه از جلو، عقب، چپ و راست با کمال احترام و عزت مرا همراهی می‌کردند، آن وقت او و تمام شوکت او را حقیر و ناچیز می‌دیدید.

او گفت: اکنون دلم آرام گرفت و خیالم راحت شد.

حضرت فرمود: بعد او به من گفت: حکومت ظاهری آنها تا چه وقت ادامه خواهد داشت؟ و ما چه وقت از دست آنها راحت خواهیم شد؟ به او گفتم: آیا نمی‌دانی برای هر چیزی وقت و مدتی است که حضرت فرمود: باید مدت و مهلت آن تمام شود. او گفت: چرا، به او گفتم: چه فایده دارد که تو بدانی چه وقت از بین می‌روند؟ همین قدر که بدانی وقتی مدت آنها به سر آمد به یک چشم به هم زدنی از بین می‌روند و اگر بدانی که آنها برای چند روز حکومت کردن ظاهری، چه گرفتاری و عذاب‌هایی باید تحمل کنند، اگر تو و همه افراد روی زمین بخواهید آنها را به بدترین شکل، عذاب کنید نمی‌توانید مثل آن عذابی را که خدا برای آنها تهیه دیده است، مجازات کنید.

مواظب باش، شیطان تو را گمراه نکند. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِن الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱.

آیا نمی‌دانی کسی که منتظر امر ما باشد و بر اذیت و ترس از آنها صبر کند، در روز قیامت در زمره ما خواهد بود؛ اما وقتی:
دیدنی حق مرده است و اهل حق رفته‌اند
و دیدنی که جور، همه جایی شده است
و دیدنی که احکام قرآن کهنه شده و قرآن را گونه‌ای دیگر معنا می‌کنند
و با خواسته و هوس‌های نفسانی آن را توجیه می‌کنند.
و دیدنی که دین مانند، کاسه سرنگون شده و هر چه در آن بود تهی شده است.

و دیدنی که اهل باطل بر اهل حق چیره شده‌اند.
و دیدنی شرّ ظاهر شده و کسی از آن نهی نمی‌کند و برای اهل شرّ عذر می‌تراشند.
و دیدنی که فسق ظاهر و مردها به مردها و زنها به زنها اکتفا می‌کنند.
و دیدنی که مؤمن ساکت است و کسی حرف او را قبول نمی‌کند.
و دیدنی فاسق رسماً دروغ می‌گوید، اما کسی دروغ او را ردّ نمی‌کند.
و دیدنی کوچک‌تر، بزرگ را تحقیر می‌کند.
و دیدنی که ارحام و اقوام باهم قطع رابطه کرده‌اند.
و اگر دیدنی فاسقی را مدح کردند و خوش حال شدند و کسی عیب ندانست.

۱. سوره منافقون، آیه ۸

و دیدی نوجوان کار زنان را می‌کند؛ یعنی خودفروشی می‌کند.
و دیدی که زنان با زنان ازدواج کردند.
و دیدی که از هم تعریف کردن بی‌مورد زیاد شده است.
و دیدی که مردم در راه غیر طاعت خدا خرج می‌کنند و کسی آنها را
نهی نمی‌کند و از آن کار جلوگیری نمی‌کند.
و دیدی که به خدا پناه می‌برند وقتی می‌بینند مؤمن خدا را عبادت
می‌کند و در آن راه زحمت می‌کشد.
و همسایه همسایه‌اش را اذیت می‌کند و کسی مانع نمی‌شود.
و دیدی که کافر وقتی می‌بیند مؤمن به زحمت افتاده و از فسادی که
همه جایی شده است، خوش حالی می‌کند.
و دیدی که علنی شراب می‌خورند و برای شراب‌خواری مجلس
می‌گیرند و از خدا نمی‌ترسند.
و دیدی کسی که امر به معروف کند دلیل است.
و دیدی فاسق در کاری که خدا دوست ندارد قوی و مورد پسند است.
و دیدی کسانی که از روی دلیل شرعی عمل می‌کنند حقیرند و کسی که
آنها را دوست داشته باشد تحقیقش می‌کنند.
و دیدی که راه خیر بسته و راه شرّ رونده دارد.
و دیدی که رفتن به خانه خدا تعطیل شده و به نرفتن تشویق می‌کنند.
و دیدی که بر آن چه می‌گویند عمل نمی‌کنند.
و دیدی که مرد خود را برای این که مردها از او لذت جنسی ببرند خود
را چاق و سر حال می‌کند.

و دیدی که زنان خود را برای زن زینت و آماده می‌کنند.
و دیدی که درآمد مرد از پشتش است [درآمد مرد از لواط دادن شده]
و دیدی که درآمد زن از فرجش شده.
و دیدی که زمانی را مجلس می‌گیرند، همان‌گونه که مردان مجلس
می‌گیرند.^۱

و دیدی که زنانی در بنی عباس پیدا شده و خود را زینت و آرایش
می‌کنند، همان‌گونه که زن خودش را برای شوهرش آرایش می‌کند و برای
این که از آنها لذت ببرند، پول خرج می‌کنند.
و در این راه باهم رقابت می‌کنند و مردها هم بر آنها حسادت می‌کنند و
دیدی ثروتمند عزیزتر از مؤمن است.
و دیدی ربا رسمی شده و کسی آن را عیب نمی‌داند.
و دیدی زن را به زنا دادن تعریف می‌کنند و زن شوهر خود را به
ازدواج با مردها تشویق می‌کند.^۲

و دیدی که بهترین خانه‌ها خانه‌ای است که زنان به فسق و گناه تشویق
می‌شوند و این کار اکثر مردم شده است.
و دیدی که مؤمن محزون و تحقیر شده و ذلیل است.
و دیدی که زنا و بدعت ظاهر شده.
و دیدی که مردم به شهادت دادن به دروغ عادت کرده‌اند.
و دیدی که حرام، حلال شمرده شده.

۱. مجالس مردان طبیعتاً در اسلام مصالح و مفاسد اجتماعی می‌باشد؛ بر خلاف مجلس زنان که طبیعتاً
در اطراف زینت خود و دیگران گفت‌وگو می‌کنند.

۲. تا این که خود آزاد باشد و بتواند با مردها معاشرت داشته زنا دهد.

و دیدی که حلال، حرام شمرده می شود.
و دیدی که به خواسته و رأی و نظر خود دین داری می کنند و قرآن و احکام آن تعطیل شده است.

و دیدی که شب را برای گناه انتخاب نمی کنند [برای گناه کردن تاریکی و مخفی بودن را لازم نمی دانند] زیرا بر خدا جرأت پیدا کرده اند.
و دیدی که مؤمن نمی تواند زشتی و گناه را انکار کند؛ مگر در دلش.
و دیدی که مال های زیاد در راه غضب خدا مصرف می شود.
و دیدی که حکام خود را به اهل کفر چسبانیده و اهل خیر را می فروشند.

و دیدی قاضی ها در حکم دادن رشوه می گیرند.
و دیدی که حکومت به کسی می رسد که زیادتر خرج کرده باشد.
و دیدی که با محارم ازدواج می کنند و به همان ها اکتفا می کنند.
و دیدی که به تهمت و احتمال و بدون بررسی فرد را می کشند.
و دیدی که برای به دست آوردن مرد باهم رقابت کرده و در آن راه مال و جان خرج می کنند.

و دیدی که مرد را سرزنش می کنند که با زن جمع شده است.
و دیدی که کسب مرد از فرج همسرش شده است و می داند زنش چه کار می کند و جلوگیری که نمی کند بلکه کمک هم می کند.
و دیدی که زن شوهرش را به کارهای زشت خود راضی می کند و درآمد آن کار را خرج شوهرش می کند.

و دیدی که مرد زن خود را اجاره می‌دهد و به کمترین خوردنی و نوشیدنی رضایت می‌دهد.

و دیدی که اکثر کسانی که به خدا ایمان دارند به اجبار و از روی ریا و ترس است.

و دیدی که قمار آشکار شده است.

و دیدی که زنان خود را به اهل کفر می‌بخشند.

و دیدی که آشکارا باهم رابطه نامشروع دارند و کسی مانع آنها نمی‌شود و جرأت ممانعت ندارند.

و دیدی انسان شریف را به خاطرش ذلیل می‌کنند، برای کسی که از قدرتش می‌ترسند.

و دیدی که نزدیک‌ترین مردم به حاکمان کسی است که به دشمنی ما اهل بیت افتخار می‌کند.

و دیدی که دوست‌داران ما را خراب می‌دانند و شهادت آنها را قبول نمی‌کنند.

و دیدی که حرف‌های غلط مورد قبول و گفتن آن حرف‌ها باعث شخصیت انسان می‌شود.

و دیدی که شنیدن قرآن بر مردم سنگین و شنیدن باطل سبک شده.

و دیدی که همسایه، از ترس زبان همسایه او را احترام می‌کند.

و دیدی که حدود الهی تعطیل شده و هر گونه که دلشان می‌خواهد به آن عمل می‌کنند.

و دیدی که مساجد زینت شده است.

و دیدی که گزافه‌گوترین و دروغ‌گوترین مردم، راست‌گوترین شده است.

و دیدی که شتر آشکار شده و در سخن چینی و خراب کردن یک دیگر
کوشش می شود.

و دیدی که جنایت همه جایی شده است.

و دیدی که غیبت، نمک مجالس و به زشتی دیگران یک دیگر را
بشارت می دهند.

و دیدی که حج و جهاد در راه غیر خدا انجام می شود.

و دیدی که شاه مؤمن را برای رضای کافر ذلیل می کنند.

و دیدی که خراب کردن دایرتر از درست کردن است.

و دیدی که درآمد مرد به کم فروشی شده است.

و دیدی که خون ریختن آسان و سبک شده است.

و دیدی که ریاست برای رسیدن به دنیا شده و افراد خود را مشهور به

بد زبانی می کنند تا مردم از آنها حساب برده و کارهایشان را به خوبی پیش
ببرند.

و دیدی به نماز بی اعتنایی می شود.

و دیدی فرد مال بسیار دارد؛ اما زکات نمی دهد.

و دیدی که مُرده را از قبر بیرون آورده آزار می دهند و کفن او را

می فروشند.

و دیدی که هرج و مرج بسیار شده است.

و دیدی که مرد شب را در حال نشنگی و مستی صبح می کند و با کسی

ندارد که مردم درباره او چه بگویند.

و دیدی که با حیوانات ازدواج می کنند.

و دیدی که مثل حیوانات هم دیگر را پاره پاره می کنند.

و دیدی که مردی برای نماز به مسجد می‌رود وقتی برمی‌گردد هیچ کدام از لباس‌هایش را در بر ندارد (دزدیده‌اند).

و دیدی دل مردم از رحم خالی و قسی‌القلب شده است و چشم آنها از اشک خشک شده و یاد خدا بر آنها سنگین شده است.

و دیدی حرام خوری همه جایی و ارزش شده است.

و دیدی نماز می‌خوانند که به دیگران نشان بدهند.

و دیدی فقیه تحقیق می‌کند برای غیر دین و دانشمند شدنش برای رسیدن به دنیا و ریاست آن می‌باشد.

و دیدی مردم طرف‌دار کسی هستند که غالب آمده است.

و دیدی کسی را که دنبال مال حلال باشد نکوهش می‌کنند و از کسی تعریف می‌کنند که دنبال مال حرام باشد و او را مهم می‌شمارند.

و دیدی که در مکه و مدینه کارها و ساختمان‌هایی می‌سازند که مورد رضای خدا نیست و کسی مانع کارهای زشت آنها نمی‌شود.

و دیدی ساز و آواز در مکه و مدینه آشکار شده است.

و دیدی اگر کسی حق بگوید و امر به معروف و نهی از منکر کند نزد او رفته‌او را نصیحت می‌کنند و می‌گویند چه کار داری اینها مربوط به تو نیست.

و دیدی مردم به یک‌دیگر نگاه کرده، کار زشت را از هم یاد می‌گیرند و به آن عمل می‌کنند.

و دیدی که راه و روش خیر خالی از رونده است و هیچ کس به آن راه نمی‌رود.

و دیدی که مُرده را مسخره کرده و دست می‌اندازند و کسی از آن عمل ناراحت نمی‌شود.

و دیدی هر سال که می آید، بدعت و شرّ زیادتری پیدا می شود.

و دیدی که مردم ثروت مند به غیر از ثروت مندان کس دیگری را پیروی نمی کنند.

و دیدی که به فقیر می خندند و اگر چیزی به او می دهند برای غیر خدا رحم می کنند.

و دیدی از آیات آسمانی حساب نمی برند.

و دیدی که مردم باهم شهوت رانی کرده و روی هم می افتند؛ مثل حیوانات و از ترس، کسی آنها را باز نمی دارد.

و دیدی که مال بسیاری در راه غیر طاعت خدا مصرف می کنند و در راه اطاعت خدا مقدار کمی هم خرج نمی کنند.

و دیدی که پدر و مادر از فرزند خود آشکارا بیزاری می جویند و دیدی که حق پدر و مادر را کوچک شمرده و بی مقدارترین کس در نزد فرزندان، پدر و مادرها هستند و اگر کسی به پدر و مادرش تهمت زده و از آنها بد بگوید، خوش حالی می کند.

و دیدی زنان در دستگاه حکومتی غالب آمده اند و بر هر امری حرف آنها مقدم شده و هیچ کاری عمل نمی شود، مگر خواسته زنان در آن باشد.

و دیدی فرزند بر پدر خود دروغ می بندد و پدر و مادر را نفرین می کند و از مرگ آنها خوش حال می شود.

و دیدی که اگر بر فرد روزی بگذرد که در آن گناه بزرگی از فجور و کم فروشی و شهوت رانی و شراب خواری انجام نداده باشد ناراحت است و خیال می کند که آن روزش حرام شده است و عمرش بی فایده گذشته است.

و دیدی حاکم ارزاق مردم را احتکار می کند.

و دیدی مردم مال اقوام خود را به ناحق بین خود تقسیم کردند و با آن قمار کرده شراب خوردند.

و دیدی شراب را دارو دانسته برای مریض توصیه و با آن استشفا کردند. و دیدی مردم امر به معروف و نهی از منکر را باهم ترک کرده و روش آنها شده است.

و دیدی که هر وضعیتی که پیش می‌آید به نفع منافق و اهل نفاق تمام می‌شود و به نفع اهل حق نخواهد بود.

و دیدی که برای اذان و نماز مزد می‌گیرند.

و دیدی مساجد از کسانی که از خدا نمی‌ترسند شلوغ است و برای غیبت کردن و خوردن گوشت اهل حق و توصیف شراب و عرق جمع شده‌اند.

و دیدی که آدم مست و بی‌عقل، پیش نماز مردم شده و کسی او را بر مستی‌اش سرزنش نمی‌کند، بلکه او را بر مستی‌اش احترام می‌کنند و از شر او می‌ترسند و کاری به کار او ندارند و عذر مستی او را می‌پذیرند. و دیدی کسی که مال بیچه یتیم را می‌خورد، او را به نیکویی یاد می‌کنند.

و دیدی که قضات به خلاف امر خدا حکم می‌کنند.

و دیدی حاکمان، خائنین را از روی طمع مورد اطمینان خود قرار می‌دهند.

و دیدی حاکمان، ارث مردم را از ورثه گرفته و به حرام خوری‌ها یا به هر کس که می‌خواهند می‌دهند.

و دیدی که بالای منبرها امر به تقوا می‌شود؛ اما خود آنها عمل

نمی‌کنند.

و دیدی که وقت‌های نسا را سبک می‌شمارند.
 و دیدی صدقه را نه برای خدا بلکه به خاطر این و آن می‌دهند.
 و دیدی که همت مردم شکم و شهوتشان شده و با کسی ندارند چه
 می‌خورند و با چه کسی شهوت‌رانی می‌کنند.
 و دیدی که دنیا به مردم رو آورده است.
 و دیدی که نشانه‌های حق پوسیده شده‌اند؛^۱ در آن وقت بر حذر
 باشید، از خدا طلب نجات کنید و بدانید که مردم در غضب الهی هستند و
 علت مهلت آنها - حکمتی است که بعداً معلوم می‌شود - امری است که
 باید واقع شود و مراقب خود باش و کوشش کن که خدا تو را در خلاف
 جهت حرکت مردم آن زمان ببیند، که اگر خدا عذاب نازل فرماید و تو در
 میان آنها باشی و مرگ تو با آنها رسیده باشد تو به رحمت خدا خواهی
 رفت و آنها به عذاب الهی گرفتار می‌شوند.
 و اگر مرگ تو نرسیده باشد تو به زندگی خود ادامه خواهی داد و در
 زمره گنه کارانی که بر خدا جرأت پیدا کرده‌اند نمی‌باشی و بدان که خدا
 ﴿لَا يَضِيعُ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ﴾ «رحمت الله قریب من المحسنين»^۲
 یعنی: خدا اجر نیکان را ضایع نمی‌کند و رحمت خدا به نیکان نزدیک
 است.^۳

۱. امید است که این مسائل مربوط به اجتماع ما شیعیان نباشد.

۲. سوره هود، آیه ۱۵۵ و سوره اعراف، آیه ۵۶.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴، حدیث ۱۴۷.

نشانه‌های حتمی ظهور

علایم حتمی، نشانه‌هایی است که حتماً باید واقع شود و محدود و معدود است و وقوع آنها، مخصوص به زمان خودش می‌باشد و آن علایم در سال ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) واقع می‌شود و پنج نشانه است: ۱. خروج سفیانی ۲. نداء ۳. قتل نفس زکیه (سید حسنی) ۴. خسف (فرورفتن) ۵. خروج یمانی یا خراسانی.

آیا واقعاً نشانه‌های حتمی ظهور، این پنج علامت است؟ دیدگاه امامان معصوم علیهم‌السلام در این باره چیست؟ در این جا این دو سؤال را براساس روایات پاسخ می‌گوییم:

روایت اول:

در غیبت نعمانی، ابن بصیر می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: فدایت شوم، قیام امام زمان علیه‌السلام چه وقت خواهد رسید؟ حضرت فرمود: ما اهل بیت وقت برای ظهور تعیین نمی‌کنیم، و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده کسانی که وقت تعیین می‌کنند دروغ‌گو هستند.

ولی ای ابی بصیر قبل از ظهور پنج علامت است: اول آنها ندا در ماه رمضان، دوم خروج سفیانی، سوم خروج خراسانی، چهارم قتل نفس زکیه

و پنجم خسف در بیداء می باشد، بعد حضرت فرمود: حتماً قبل از ظهور دو طاعون می آید: سفید و قرمز. از حضرت سؤال کردیم: معنای آن دو طاعون چیست؟ فرمود: طاعون سفید، قحطی و گرسنگی است و طاعون قرمز، جنگ و خونریزی می باشد.

و حضرت مهدی علیه السلام قیام نمی فرماید تا این که شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان از آسمان به اسم او فریاد زده شود. گفتم: آن فریاد چگونه صدایی است؟ حضرت فرمود: او را به اسم خود و پدرش می خوانند و می گوید: فلانی پسر فلانی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، حرف او را گوش کنید و اطاعت کنید. هیچ صاحب روحی نیست مگر این که آن صدا را می شنوند.

از خواب بیدار شده و به حیاط منزل می دوند و زنان سر برهنه بانگرانی از منزل بیرون می دوند و خود امام هم آن صدا را می شنود و قیام می کند و آن صدای جبرائیل است.^۱

روایت دوم:

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: قائم ما یاری می شود و به کمک خدا پیروز می شود و زمین زیر پای او پیچیده می شود و زمین گنج ها و نعمت های خود را برای او ظاهر می کند و سلطنت و قدرت او شرق و غرب عالم را می گیرد و خدا به واسطه او دینش را زنده می کند، اگر چه مشرکان او را دوست نداشته باشند. هیچ کجای زمین آباد

۱. نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۹، حدیث ۶.

نمی‌ماند تا این‌که مهدی علیه السلام آبادش کند و عیسی مسیح علیه السلام از آسمان نازل شده پشت سر او نماز می‌خواند. عرض کردم: یابن رسول الله، چه وقت قائم شما خروج می‌کند؟ حضرت فرمود: زمانی که مردان خود را شبیه زنان کنند و زن‌ها خود را شبیه مردان کنند و مرد به مرد اکتفا کند و زن به زن اکتفا کند - همجنس‌بازی رواج پیدا کند - و زن‌ها بر زین و اسب سوار شوند و شهادت دروغ و ناحق پذیرفته شود و شهادت درست و حق پذیرفته نشود و خون ریختن نزد مردم آسان گردد و مرتکب زنا شوند و ربا بخورند و اشرار را از ترس احترام کنند.

سفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن خروج کند و در بیداء خسف واقع شود و جوانی از آل محمد را بین رکن و مقام بکشند که اسم او محمد بن حسن معروف به نفس زکیه باشد. صیحه از آسمان بلند شود و بگوید که حق با مهدی و شیعیان علی است. در آن وقت است که قائم ما خروج می‌کند و پشت خود را به کعبه داده سیصد و سیزده نفر از یارانش در اطراف او جمع شده اولین کلامی که می‌گوید این آیه را تلاوت می‌فرماید: «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ و بعد می‌فرماید: من بقية الله در زمین هستم. وقتی لشکریان او به ده هزار نفر رسیدند قیام می‌فرماید و هیچ معبودی در روی زمین غیر از خدا نمی‌ماند که در آن آتش افتاده می‌سوزد و این امر بعد از غیبتی طولانی واقع می‌شود؛ برای این که خدا خلق را امتحان کند و ببیند چه کسی او را در غیبت اطاعت کرده و ایمان می‌آورد.^۲

۱. سوره هود، آیه ۸۶

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

روایت سوم:

امام صادق علیه السلام فرمودند: قبل از قیام امام زمان پنج علامت است:
 ۱. یمانی ۲. سفیانی ۳. منادی که از آسمان نداء می کند ۴. خسف در بیداء
 ۵. قتل نفس زکیه.^۱

روایت چهارم:

عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: قبل از
 قیام امام زمان پنج علامت است که حتماً باید واقع شود: ۱. یمانی
 ۲. سفیانی ۳. صیحه ۴. قتل نفس زکیه ۵. خسف در بیداء.^۲

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹، حدیث ۱.

۲. همان، ص ۶۵۰، حدیث ۷.

نشانه اول: خروج سفیانی

سفیانی شخصی است که قبل از قیام امام، خروج می‌کند و خروج او حتمی است. وی از اولاد ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار است و چون از اولاد ابوسفیان می‌باشد او را «سفیانی» می‌خوانند. در روایات بسیاری از او به «ابن آکله الاکباد» نام برده می‌شود. نام او عثمان، پدرش عنبسه از اولاد معاویه و از طرف مادر اردنی است.

سفیانی از وادی «یابس» - اردن - می‌آید و در شام قیام می‌کند و در آن زمان شام درگیر است و سه گروه باهم می‌جنگند که یکی از آنها همین سفیانی است. سفیانی بر آنها غالب می‌آید، قدرت را به دست می‌گیرد و علت شلوغی و درگیری در شام فتنه و جنگی است که در عالم درگرفته و شرق و غرب باهم درستیزند. جنگ جهانی برپا شده است و سفیانی در شام قدرت را به دست گرفته کار او بالا می‌گیرد و دولت قدرت‌مند جهان اسلام تشکیل می‌شود، از این رو تمام فرقه‌های اسلامی با او بیعت کرده هم پیمان می‌شوند و از اسلام و مسلمین دفاع می‌کنند؛ ولی او باطنی کافر و غیر مسلمان دارد، هر چند ظاهرش مسلمان است و مسلمین را فریب می‌دهد، ولی شیعه گول نمی‌خورد و با او بیعت نمی‌کند. در آن موقع تنها همت او

تسلیم کردن شیعه می باشد و عمده شیعیان در آن زمان در عراق و ایران هستند لذا لشکری تهیه دیده به عراق می فرستد. در آن جا کشتار می کند و اسیر می گیرد؛ ولی گروهی از شیعیان که در نظرها ناچیز می آیند با آنها درگیر شده اسیران را نجات می دهند.

وی لشکری به مدینه و مکه می فرستد، زیرا می داند که امام زمان علیه السلام در آن ناحیه است. (در آن وقت، امام ظهور فرموده و مأموریت به غیبت ندارد) هر کس را که نامش حسن و حسین و علی و از نام های شیعه باشد به زندان می افکند و برای ایجاد ترس و وحشت، سیدی را در دروازه مدینه به دار می آویزد تا این که امام را شناسایی می کند و می خواهد ایشان را بگیرد، امام از مدینه به طرف مکه می رود، لشکر سفیانی حضرت را تعقیب می کند. لشکر به بیابانی بین مدینه و مکه می رسد.

در این هنگام جبرئیل فریاد زده به زمین لگد می کوبد، زمین دهان باز می کند و همه لشکر در زمین فرو می ریزند (این است معنای خسف در بیداء) دو نفر از خسف نجات پیدا می کنند: یکی به طرف شام فرار می کند خبر فرو رفتن لشکر را به سفیانی می دهد و دیگری به مکه می رود و خبر لشکر را به امام زمان علیه السلام می رساند. در این هنگام، حضرت در مکه اعلام قیام می فرماید.

ویژگی های سفیانی

سفیانی کیست

ابن اذینه می گوید امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده اند: سفیانی فرزند هند جگرخوار، از وادی یابس - اردن - خروج می کند و

مردی زشت‌رو، سرش بزرگ و آبله روست. می‌پنداری چشم او چپ است نام او عثمان و پدرش عنسه و از اولاد ابی سفیان می‌باشد و می‌آید تا بر تخت قدرت در سرزمین‌های قرار معین - که شام باشد - جا می‌گیرد.^۱

سفیانی در خطبة البیان

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای می‌فرمایند: ... اولاد زنا زیاد می‌شود و پدران از زشت‌کاری‌های فرزندان‌شان خوششان می‌آید و مرد از زن خود فجور و بدکاری می‌بیند، او را نهی نمی‌کند و از کار زشت او را باز نمی‌دارد و آنچه از راه خود فروشی آورده می‌گیرد و همسرش هرگونه فحشا و منکری انجام دهد او را نهی نمی‌کند و آنچه در باره همسر خود از بدی می‌شنود، خود را به کبری می‌زند. این آدم را «دیوث» می‌گویند که خدا در باره او هیچ قول، عدل و عذری را نمی‌پذیرد. غذا دادن و ازدواج با او حرام و در شرع اسلام قتل او واجب و رسوا کردنش لازم است و در روز قیامت خدا او را به جهنم می‌افکند.

در آن زمان به پدر و مادرها فحش می‌دهند و بدگویی می‌کنند، سادات در نظر آنها ذلیل و بی‌مقدار می‌باشد و گنجی و دیوانگی زیاد می‌شود و چقدر در آن زمان برادری در راه خدا کم خواهد بود و مال حلال کم به دست می‌آید و مردم بدترین حالت‌ها را دارند. در آن هنگام دولت شیاطین برپا گردیده و به جان ضعفا و مساکین می‌افتند، مالیات‌های زیادی به زور از ضعفا می‌گیرند و شیر بر شکار خود دست می‌یابد و توانگر به

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

ثروت خود می چسبد و بخل می ورزد و فقیر آخرت خود را به دنیا می فروشد. پس رای بر فقیران در آن زمان که چقدر خسران می کنند و ذلت و پستی می کشند [زیرا هم دین خود را می دهد و هم به دنیا نمی رسد و ذلت و خواری برای خود جمع می کند] و در طلب چیزی هستند که بر آنها حلال نیست. به عفاف و کفاف راضی نیستند، می خواهند مثل ثروت مندان، زندگی کنند.

وقتی مرتکب آن کارها شدند فتنه‌ای به آنها رو می کند که نه می توان آن را تحمل کرد و نه برطرف نمود که اول آن فتنه‌ها، دوری از هم و پراکندگی است و آخر آنها سفیانی از شام می باشد.^۱

سفیانی در دوره هفتم

شما هفت دوره خواهید داشت:

اول: دوره زهد و پرهیزکاری است، تا سال هفتاد هجری.

دوم: دوره مهربانی و بخشش خواهد بود، تا سال دویست و سی هجری.

سوم: دوره تزویر و دورویی و از هم بریدن، تا سال پانصد و سی هجری.

چهارم: دوره زیاده‌خواهی و حسد ورزیدن به هم‌دیگر، تا سال هفتصد هجری.

پنجم: دوره فخرفروشی و تهمت زدن به هم‌دیگر است، تا سال هشتصد و بیست هجری.

ششم: دوره زن سالاری^۱ و خوردن هم‌دیگر است،^۲ و این دوره سال نهصد و بیست هجری می‌باشد.

و هفتم: دوره خدعه، جنگ، نامردی، حيله گری، فسق، خیانت، از هم بریدگی و دشمنی با یک دیگر است. در این دوره شهوت‌رانی خارج از حدود الهی و بی‌حیایی می‌باشد و اموری دیگر که تحمل آن بسیار سخت و دشوار می‌باشد و شهوت‌ران شدن مردم، خراب شدن شهرها، خانه‌ها، انهدام قصرها و عمارت‌ها در این دوره است. و در این دوره است که ملعون سفیانی از وادی شام (اردن) خروج می‌کند و در این دوره است که پرده‌ها دریده و زنا علنی می‌شود و این‌گونه خواهد بود تا حضرت مهدی، قائم آل محمد علیه السلام ظاهر شود.^۳

حتمی بودن خروج سفیانی

ابن اسباط می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: ثعلبه از امام مجاد علیه السلام نقل می‌کند که: امام، یک دفعه و ناگهانی ظاهر می‌شود بدون این که سفیانی خروج کرده باشد، آیا درست است؟ حضرت فرمودند: یعنی می‌خواهی بگویی امام قیام کند بدون سفیانی؟! بدان که قیام امام و امر

۱. انسان وقتی از معنا تهی شد و به طبیعت و غرائز رو آورد، مهم‌ترین لذت طبیعی شهوت است و مظهر آن زن است، از این رو زن پرست می‌شوند که در روایت دیگر است که زنان «قبله» آنها می‌شوند.

۲. علت این که هم‌دیگر را می‌خورند آن است که ایثارگری و خود را به زحمت انداختن تا دیگران راحت باشند در وقتی است که انسان‌ها فطری و دارای معنویت باشند، اما وقتی از معنویت تهی شدند. برای رسیدن به لذایذ طبیعی به هر کاری دست می‌زنند.

۳. خطبة البيان امیر المؤمنین علیه السلام.

سفیانی از طرف خدا حتمی است و قائم علیه السلام نمی آید، مگر بعد از سفیانی. عرض کردم: در امسال واقع می شود؟ حضرت فرمودند: آنچه خدا بخواهد می شود، گفتم: سال دیگر می شود؟ حضرت فرمود: يفعل الله ما يشاء.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: امر سفیانی حتمی است و خروج او در ماه رجب می باشد.^۲

ابو حمزه ثمالی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام باقر علیه السلام می فرمودند: خروج سفیانی از امور حتمی است. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: بله، اختلاف بنی عباس و قتل نفس زکیه و نیز قیام امام زمان علیه السلام هم حتمی است. عرض کردم: صیحه آسمانی چگونه است؟ حضرت فرمود: اول صبح از آسمان صدا بلند می شود که حق با علی و شیعیان اوست و در آخر همان روز شیطان فریاد می زند که حق با سفیانی و شیعیان او می باشد. در این هنگام هر که دلش مریض باشد و ایمان محکم نداشته باشد منحرف خواهد شد.^۳

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: ندای آسمانی، خروج سفیانی، قتل نفس زکیه، نمایان شدن کف دستی از آسمان نشانه کشته شدن سفیانی (حتمی است). بعد حضرت فرمود: صدا در ماه رمضان به گونه ای است که خواب را بیدار و بیدار را سرپا و زنها را بدون حجاب از منزل بیرون می دواند.^۴

۱. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۲۰۴.

۳. همان، ص ۲۰۱، ح ۴۰.

۴. همان، ص ۲۳۳، ح ۹۸.

● امام صادق علیه السلام فرمود: خروج سفیانی از امور حتمی است و از ابتدای خروج او تا آخر امرش، پانزده ماه خواهد بود. شش ماه جنگ می‌کند و وقتی پنج شهر را گرفت فقط نه ماه حکومت می‌کند؛ حتی یک روز هم بر حکومتش اضافه نمی‌شود.^۱

● امام صادق علیه السلام فرمود: امور دو گونه است: حتمی و غیر حتمی و از امور حتمی خروج سفیانی در ماه رجب است.^۲

● حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه: «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ» سؤال کردم، حضرت فرمود: ما دو گونه اجل و مرگ داریم: حتمی و موقوف، حمران گفت: از حضرت سؤال کردم محتوم چه معنا دارد؟ فرمود: محتوم آن است که حتماً واقع می‌شود و غیر آن صورت نمی‌پذیرد. از حضرت سؤال کردم: موقوف چیست؟ فرمود: امری است که در آن تا مشیت و اراده خدا به چه تعلق گرفته باشد؛ یعنی امکان دارد واقع شود و امکان دارد واقع نشود.

حمران می‌گوید: به حضرت عرض کردم: امیدوارم که آمدن سفیانی از امور موقوفه باشد، فرمود: نه، به خدا قسم امر سفیانی حتمی است.^۳

● امام باقر علیه السلام فرمود: امور دو گونه است: موقوفه و محتومه و امر سفیانی از امور حتمی است که باید واقع شود.^۴

● امام صادق علیه السلام فرمود: ناچاراً سفیانی می‌آید و در ماه رجب می‌آید.

۱. همان، ص ۲۴۸، ح ۱۳۰.

۲. همان، ح ۱۳۱.

۳. همان، ص ۲۴۹، ح ۱۳۳.

۴. همان، ص ۲۴۹، ح ۱۳۴.

راوی سؤال کرد: اگر سفیانی خروج کرد ما باید چه کنیم؟ فرمود: به طرف ما بیاید.^۱

از این روایت، برمی آید که در آن زمان، حضرت شناخته شده و روشن است.

● بطائنی می گوید: من از مکه تا مدینه همراه امام کاظم علیه السلام بودم. روزی حضرت رو به من کرد و فرمود: اگر همه آسمان و زمین علیه بنی عباس قیام کنند، نمی توانند آنها را از بین ببرند تا سفیانی خروج کند. از حضرت سؤال کردم: آقای من! آیا امر سفیانی حتمی است؟ فرمود: حتمی است، سپس به فکر فرو رفت، بعد سر مبارک را بلند کرد و فرمود: حکومت بنی عباس مکر و حيله است و از بین می رود و چیزی از آن باقی نمی ماند؛ اما دوباره برپا می شود؛ به گونه ای که هرگز چیزی از آن کم نشده است.^۲

● داود ابن ابی قاسم می گوید: ما خدمت امام جواد علیه السلام نشستیم بودیم، از سفیانی حرف به میان آمد و گفته شد امر سفیانی حتمی است، من به حضرت عرض کردم: آیا در امر حتمی بدا حاصل می شود؟ فرمود: بله، عرض کردیم: می ترسیم که در امر قیام امام زمان علیه السلام هم بدا حاصل شود، فرمود: نه، امر قیام حضرت حجت علیه السلام از میعاد است.^۳

از این روایت معلوم می شود که حتمی و میعاد باهم فرق دارد. قیام امام زمان علیه السلام از میعاد است و در قرآن می فرماید: ﴿ان الله لا یخلف المیعاد﴾^۴ یعنی خدا خلاف میعاد [و وعده داده شده] انجام نمی دهد.

۱. همان، ص ۲۰۴، ح ۳۲.

۲. همان، ص ۲۵۰، ح ۱۲۷.

۳. همان، ص ۲۵۱، ح ۱۳۸.

۴. سوره آل عمران، آیه ۹.

● امام صادق علیه السلام فرمودند: از امور حتمی که تخلف نخواهد شد و قبل از قیام امام زمان واقع می‌شود، خروج سفیانی و خسف در بیداء و قتل نفس زکیه و صدای آسمانی است.^۱

همزمانی قیام حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی

● محمد بن مسلم می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: خروج سفیانی و قیام حضرت قائم علیه السلام در یک سال می‌باشد.^۲

● عبید بن زراره می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که از خروج سفیانی صحبت به میان آمد، حضرت فرمود: کوتا خروج سفیانی که هنوز نیامده است کسی که در صنعا چشمش را از کاسه درمی‌آورند.^۳

● عیسی بن اعین می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آمدن سفیانی حتمی است و اول تا آخر خروج او پانزده ماه است، شش ماه جنگ می‌کند وقتی به پنج شهر شام مسلط شد، نه ماه حکومت می‌کند حتی یک روز هم بر این مدت زیاد نمی‌شود.^۴

همزمانی خروج خراسانی، سفیانی و یمانی

● امام صادق علیه السلام فرمود: خروج سه دسته، خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود و هیچ پرچمی و گروهی هدایت شده‌تر از یمانی نیست که به حق هدایت می‌کند.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، ح ۲۴.

۲. همان، ص ۲۴۵.

۳. همان، ص ۲۴۵.

۴. همان، ص ۲۴۸.

۵. همان، ص ۲۱۰، ح ۵۲.

● قبل از سفیانی، مصری و یمانی قیام می‌کنند.

اولین زمین که خراب می‌شود شام است که در او سه گروه باهم جنگ می‌کنند: اصبهب، ابقع و سفیانی.^۱

قیام‌های قبل از خروج سفیانی

قبل از خروج سفیانی، خروج مردی تکریتی

در کتاب غیبت شیخ طوسی آمده است که حدلم بن بشیر می‌گوید: به امام سجاد علیه السلام عرض کردم: خروج امام مهدی علیه السلام را برایم توصیف و دلایل و علائم ظهور را بفرمایید.

حضرت فرمود: قبل از خروج سفیانی کسی در زمین جزیره قیام می‌کند که نام او عوف سلمی از اهل تکریت می‌باشد. او را در مسجد دمشق می‌کشند، بعد شعیب بن صالح از سمرقند می‌آید، آن‌گاه سفیانی ملعون از وادی یابس [که در اردن واقع است] قیام می‌کند.

سفیانی از اولاد عنبسه پسر ابوسفیان است. وقتی سفیانی پیدا شد، حضرت مهدی علیه السلام مخفی می‌شود، بعد قیام می‌فرماید.^۲

از این روایت معلوم می‌شود امام قبل از قیام ظهوری دارد که در وقت ظهور خود مخفی می‌شود.

۱. همان، ص ۲۱۲، ح ۶۲.

۲. همان، ص ۹۱، ح ۶۵.

خروج شیصبانی قبل از سفیانی

● جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد سفیانی سؤال کردم، حضرت فرمود: کو تا سفیانی، باید قبل از سفیانی شیصبانی^۱ خروج کند که او در سرزمین کوفه می‌جوشد؛ مثل جوشیدن آب از چشمه و مهمان شما را می‌کشد، بعد از او منتظر سفیانی و قیام مهدی علیه السلام باشید.^۲

مکان و زمان خروج سفیانی

خروج سفیانی از شام

● محمد بن مسلم می‌گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و خواستم از قائم آل محمد علیه السلام سؤال کنم، قبل از این که من چیزی بگویم فرمود: ای محمد بن مسلم در قائم آل محمد شباهت پنج نفر از پیامبران می‌باشد:

یونس بن متی، یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی، محمد علیه السلام؛ اما شباهت او به یونس این است که بعد از غیبت طولانی و زیادی سن، به صورت جوان ظاهر می‌شود؛ اما شباهت او به یوسف بن یعقوب این است که از نزدیکان و برادران و غیره، خاص و عام غایب می‌شود، حتی پدرش درباره او شک می‌کند با این که جای دوری نبود و بین او و پدر و اقوام و پیروان او فاصله‌ای نبود و اما شباهتش با حضرت موسی، طولانی شدن ترسش از فرعونیان و طول غیبتش و مخفی بودن تولدش و سختی شیعیانش است، زیرا بعد از او پیروانش بسیار اذیت شدند و کسی برای آنها ارزش قائل نبود تا این که خدا اذن داده ظاهر شد و او را بر دشمنش

۱. مقصود بنی عباس هستند.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

پیروزش کرد و اما شباهت او به حضرت عیسی علیه السلام اختلاف پیروانش در مورد اوست بعضی گفتند: متولد نشده، برخی گفتند: مُرده است، عده‌ای گفتند: او را به دار زده کشته‌اند و اما شباهت او به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جد بزرگوارش، قیام او به شمشیر است که دشمنان خود و دشمنان خدا و ستمگران و طغیان‌کنندگان را به شمشیر و رعب از پا در می‌آورد و هیچ پرچمی در مقابل او برپا نمی‌ماند.

از نشانه‌های قیام مهدی علیه السلام خروج سفیانی از شام است و خروج یمانی است و صیحه آسمانی در ماه رمضان که مهدی را به نام و نام پدر صدا می‌زند.^۱

● حذیفه یمانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله از فتنه‌ای که بین اهل مشرق و مغرب واقع می‌شود یاد فرموده و گفت: در آن درگیری عالم در آتش جنگ می‌سوزد که سفیانی از وادی یابس - اردن - پیدا می‌شود و به دمشق آمده دو لشکر تهینه می‌بیند: یکی را به مشرق - عراق و ایران - گسیل می‌دارد و دیگری را به مدینه می‌فرستد. لشکری که به مشرق می‌فرستد آمده تا در بابل، نزدیک بغداد ملعون فرود می‌آیند و در آنجا بیش از سه هزار آدم می‌کشند و بیش از صد زن را رسوا می‌کنند و در آنجا سیصد نفر از بنی عباس را می‌کشند، بعد به طرف کوفه رفته هر چه در آنجا هست خراب می‌کنند و مال و زن و بچه مردم را برداشته همین که می‌خواهند به طرف شام برگردند، پرچم هدایت شده از میان مردم کوفه پیدا می‌شود به لشکر سفیانی‌ها حمله کرده همه آنها را می‌کشند و مال‌ها را پس گرفته، اسرا را آزاد می‌کنند.

اما لشکر دومی که به مدینه فرستاده است سه شبانه روز در آن جا قتل و غارت می کنند، بعد از مدینه بیرون آمده به طرف مکه می روند که تا به پیداء که بیابانی بین مکه و مدینه است می رسند، خدا جبرائیل را مبعوث می فرماید که برو و همه آنها را در زمین فرو ببر، می آید و به زمین لگد زده زمین دهان باز می کند و همه در آن فرو می روند و هیچ کدام از آنها نجات پیدا نمی کنند، مگر دو نفر که یکی به شام رفته خبر لشکر را به سفیانی می گوید و دیگری به مکه رفته خبر را برای حضرت مهدی علیه السلام می برد و معنای عبارتی که می گویند خبر درست و حقیقتی در نزد^۱ جهینه است، [نام فرد یا نام قومی می باشد] همین می باشد.^۲

● محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: حضرت قائم به رعب یاری و برای پیروزی کمک می شود، زمین در اختیار او می چرخد و گنج های زمین برای او رو می آید و سلطنت او به مشرق و مغرب عالم می رسد و خدا به واسطه او دینش را در زمین گسترش می دهد «ولو کره المشرکون» روی زمین هیچ کجا خراب نیست، مگر این که مهدی علیه السلام آبادش می کند و حضرت عیسی بن مریم از آسمان نازل شده پشت سر او نماز می خواند.

از حضرت سؤال کردم: چه وقت قائم شما خروج خواهد کرد؟ حضرت فرمود: زمانی که مردها شبیه به زنها و زنها شبیه به مردان شوند و زنها بر زین [دو چرخه و اسب] سوار شوند، شهادت دروغ و زور قبول

۱. مرد و وقتی او را می بینند از آن جهت که منتظر خبری هستند می گویند آن فرد خبر مهمی را آورده است.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

شود و شهادت عدل و راست قبول نمی شود، خون ریختن، زنا کردن و ربا خوردن نزد مردم آسان شود و اشرار را از ترس زبانشان احترام کنند. در آن هنگام سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می کنند و در بیداء خسف واقع می شود و جوانی از آل محمد را بین رکن و مقام می کشند که اسم او محمد بن حسن، نفس زکیه است و از آسمان صیحه ای می آید که حق با او - علی علیه السلام - و با شیعیان او می باشد. در آن وقت است که قائم ما خروج می کند و پشت مبارک به کعبه داده سیصد و سیزده نفر از یارانش دور او جمع می شوند و اولین کلامی را که می فرماید این آیه است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»^۱. بعد می فرماید: من بقیة الله روی زمین هستم، وقتی لشکر او به ده هزار نفر رسید حرکت می کند و هیچ معبودی روی زمین غیر خدا نمی ماند مگر این که آتش گرفته می سوزند؟ و این قیام بعد از غیبت طولانی واقع خواهد شد و طول غیبت برای این است که خدا بداند چه کسی به غیبت ایمان آورده و او را در غیبت اطاعت می کند.^۲

تفرقه کلمه و خروج سفیانی

اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: آنچه را دوست دارید [قیام امام زمان] نمی بینید تا بنی عباس برای قدرت بین خود اختلاف پیدا کنند، وقتی اختلاف نمودند دیگران در حکومت آنها طمع می کنند و طمع باعث تفرقه کلمه بین آنها می شود، آن وقت است که سفیانی خروج می کند.^۳

۱. سوره هود، آیه ۸۶

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۳. همان، ص ۲۶۶.

اوضاع شهرها در زمان خروج سفیانی سفیانی و کوفه

عمر بن ابان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: مثل این که سفیانی یا لشکر سفیانی را می بینم که بساط خود را در کوفه پهن کرده است و منادی فرستاده صدا بزند که هر کس سر یک شیعه علی علیه السلام را بیاورد هزار سکه به او می دهم و همسایه، همسایه خود را گرفته می گوید: این شیعه علی علیه السلام است تا آنها گردن او را برای به دست آوردن هزار سکه بزنند. بدانید که حکومت در آن روز مگر برای اولاد زنا نمی باشد؛ مثل این که شخصی را که صورت خود را پوشانده می بینم، سؤال شد: آن کیست؟ فرمود: فردی از شماست که هم عقیده با شما می نماید، خود را پوشانده تا او را شناسید ولی او شما را خوب می شناسد، یکی شما را معرفی می کند، بدانید او از اولاد زنا می باشد.^۱

بغداد و مرد سفاک

انس ابن مالک، خادم پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید: وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ با اهل نهروان برمی گشت در «برائنا» استراحت کرد، در آن جا عبادت گاهی بود، راهبی در آن زندگی می کرد. وقتی راهب صدای مهممه لشکر را شنید، سر را بیرون آورده به لشکر نگاه کرد، زود پایین آمده سؤال کرد: امیر لشکر شما کجاست؟ به او گفتند: این امیرالمؤمنین است که از جنگ نهروان برمی گردد. به حضرت سلام کرد و گفت: شما

۱. همان، ص ۲۱۵، ح ۷۲.

امیرالمؤمنین حقیقی هستید. حضرت پرسید: از کجا دانستی؟ گفت: علما و رهبانان به ما خبر داده‌اند. حضرت فرمود: تو حباب هستی، او پرسید شما از کجا اسم مرا دانستید؟ فرمود: حبیب من رسول اکرم ﷺ به من خبر داد. حباب گفت: دست خود را بده تا با شما بیعت کنم، دست حضرت را گرفته، گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله و انک علی ابن ابی طالب وصی رسول الله».

امیرالمؤمنین ﷺ به او فرمود: کجا می‌نشینی؟ گفت: در این عبادت‌گاه، فرمود: از این به بعد در آن جا نشین و در این جا مسجدی بنا کن و اسم آن را به اسم بانی آن «براثا» بگذار، زیرا این جا را فردی به نام براثا ساخته است.

بعد حضرت پرسید: از کجا آب می‌خوری؟ گفت از این دجله آب می‌آورم، حضرت فرمود: چرا در این جا چاه حفر نمی‌کنی؟ گفت: یا امیرالمؤمنین ﷺ هر چه در این جا چاه حفر کردیم، آب شور درآمده و این جا آب شیرین ندارد. حضرت به جایی اشاره فرموده و گفت: این جا را حفر کن، وقتی کند به سنگی بزرگ رسیدند که نمی‌توانستند آن را تکان دهند. حضرت قدم به پیش گذاشته سنگ را از جا کند. ناگهان آب فوران کرد، آبی شیرین‌تر از عسل و لذیذتر از کره، و بعد فرمود: ای حباب از حالا به بعد از این آب بنوش و بدان که به زودی در کنار این مسجد تو شهری ساخته می‌شود که جبارین زیادی در آن خواهند آمد و فتنه و بلایی عظیم خواهد داشت. در آن شهر در هر شب جمعه هفتاد هزار زنا واقع می‌شود.

وقتی بلاد در آن زیاد و عظیم شد این مسجد به ضربه‌ای خراب می‌شود، بعد دو باره ساخته می‌شود و دیگر خرابش نمی‌کند مگر کافر، بعد خانه می‌سازند، وقتی این کار را کردند سه سال از رفتن به حج جلوگیری می‌شود و سرسبزی آن شهر سوخته می‌شود و خدا بر آنها مردی را مسلط می‌کند که بسیار خونریز است، به هیچ شهری وارد نمی‌شود مگر آن‌جا را خراب و اهلش را هلاک می‌کند، تا همین که از بین رفتن او نزدیک می‌شود دوباره برمی‌گردد، بعد سه سال قحطی و گرانی می‌آید تا آنها را به زحمت زیاد می‌اندازد بعد دوباره برمی‌گردد، این دفعه وارد بصره می‌شود. هیچ چیز سرپایی نیست مگر خراب می‌کند و از بین می‌برد و آن وقتی است که خرابی‌های آن را ساخته باشند و مسجد جامع در آن بنا کرده باشند. از بین رفتن بصره آن وقت خواهد بود، بعد به شهری می‌رود که حجاج آن را ساخته است به نام واسط و همان کارها را آن‌جا انجام می‌دهد، بعد به طرف بغداد می‌رود، همه را عفو می‌کند، مردم به کوفه پناه می‌برند، از کوفه شهری باقی نمانده امر او در کوفه مشوش است، بعد او از آن‌جا خارج شده با کسی که داخل بغداد شده هر دو به طرف قبر من می‌روند تا آن را بشکافند که سفیانی به آنها برخورد می‌کند و آنها را شکست می‌دهد و همه آنها را می‌کشد، بعد لشکری به طرف کوفه فرستاده بعضی از مردم آن‌جا را به عبودیت می‌گیرند، مردی از اهل کوفه کنار دیوار آمده همه را پناه می‌دهد و هر کس در پناه او در بیاید در امان خواهد بود و لشکر سفیانی به کوفه که رسید، هیچ کس را نمی‌خواند مگر می‌کشد و فردی دُرّ و جواهر پر قیمتی را می‌بیند جرأت برداشتن آن را ندارد و کودکی می‌رود آن را بردارد کشته می‌شود.

ای حباب، در آن وقت است که گرفتاری‌های فراوان پیدا می‌شود. بلاهای عظیم رخ می‌دهد و فتنه‌هایی مثل شب تاریک می‌آید. آن‌چه به تو گفتم حفظ کن ای حباب.^۱

جنگ در قرقیسا

ابن ابی‌یعفور می‌گوید: امام باقر علیه السلام به ما خبر دادند که بین بنی‌عباس و مروانی جنگی در قرقیسا [شهر تجارتهی در مرز بین عراق و سوریه می‌باشد] واقع می‌شود که نوجوان در آن جنگ پیر می‌شود و خدا یاری را از میان آنها برمی‌دارد و به پرنندگان آسمان و درندگان زمین وحی می‌شود که از گوشت مُرده این جبارین خود را سیر کنید بعد از این سفیانی خروج می‌کند.^۲

سفیانی، مکه و مدینه را نمی‌بیند

● محمد بن مسلم می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: سفیانی احمر اشقر ازرق [سرخ و سفید و آبی] است خدا را هرگز عبادت نکرده است مکه و مدینه را ندیده و نمی‌بیند می‌گوید: یا رب انتقام! خون و آتش به پا می‌کند.^۳

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲. همان، ص ۲۵۱.

۳. همان، ص ۲۵۳.

مدت حکومت سفیانی

امام صادق علیه السلام فرمود: سفیانی بعد از آن که قدرت را به دست گرفت، پنج شهر را تصرف می کند و به اندازه حمل زن (نه ماه) حکومت می کند. فرمودند: استغفرالله به اندازه حمل شتر حکومت می کند و امر سفیانی از اموری است که باید واقع شود.^۱

تصرف پنج شهر و حکومت نه ماهه سفیانی

● ابن ابی منصور می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: اسم سفیانی چیست؟ حضرت فرمود: بشبه اسم او چه کارداری، وقتی پنج شهر شام را تصرف شد دمشق، حمص، فلسطین، اردن و حلب در آن وقت منتظر فرج باشید. سؤال کردم: نه ماه حکومت می کند، حضرت فرمود: نه ماه حکومت می کند و یک روز زیادتر نمی شود.^۲

● محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سفیانی بعد از ظهور به پنج شهر به مدت حمل زن (نه ماه) مسلط می شود بعد حضرت فرمود: استغفرالله، حمل شتر، [کمتر از نه ماه می باشد] و آن امری است حتمی که ناچاراً واقع می شود.^۳

● امام باقر علیه السلام به مردی کوفی فرمود: مدت حکومت سفیانی در نزد شما چقدر است؟ راوی گفت: به اندازه حمل زن - نه ماه - حضرت

۱. همان، ص ۲۱۵، ح ۷۱.

۲. همان، ص ۲۰۶، ح ۳۸.

۳. همان، ص ۲۱۵، ح ۷۱.

فرمود: از کجا دانستید ای اهل کوفه؟^۱ [یعنی اطلاع شما درست است].
 امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی سفیانی بر پنج شهر شام چیره شد
 روز شماری، کنید نه ماه که گذشت امام زمان قیام می فرماید. [یعنی ظهور و
 قیام حضرت مهدی علیه السلام را از آن زمان تعقیب کنید و قبل از آن یا از حادثه
 دیگر یا به گفته این و آن گوش ندهید] هشام می گوید: گمان می کنم
 مقصود از پنج شهر دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب باشد.^۲

سفیانی آمد، نه ماه بشمارید

هشام بن سالم می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی سفیانی به پنج
 شهر مسلط شد، نه ماه بشمارید [یعنی نه ماه دیگر امام زمان علیه السلام ظهور
 می فرماید و اگر بخواهید قیام امام را بدانید از آن زمان روز شماری کنید]
 هشام می گوید: من مقصود از پنج شهر را؛ دمشق، فلسطین، اردن، حمص و
 حلب فهمیدم.^۳

هنگام قیام و ظهور امام مهدی (عج)

عدم پیروزی اهل بیت قبل از سفیانی

حسن بن راشد می گوید: نزد امام صادق علیه السلام از زید بن علی بن حسین علیه السلام
 بدگویی کردم، حضرت فرمود: از او بد نگو خدا رحمت کند عمویم زید را

۱. همان، ص ۲۱۶، ح ۷۴.

۲. همان، ص ۲۵۲، ح ۱۴۱.

۳. همان، ص ۲۵۳.

نزد پدرم امام باقر علیه السلام آمده و عرض کرد: می خواهم علیه این ظالم زورگو قیام کنم، به او فرمود: این کار را نکن که می ترسم تو را گرفته بکشد و پشت کوفه به دار بیاویزند. ای زید! آیا نمی دانی که هیچ کس از فرزندان فاطمه علیها السلام بر سلاطین زمان خود قبل از خروج سفیانی قیام نمی کند، مگر این که کشته می شود. بعد امام صادق علیه السلام رو کرده به حسن راشد و فرمود: ای حسن! چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خود را از گناه محفوظ داشت، خدا آتش را بر فرزندان او حرام کرده است و این آیه در شأن دودمان فاطمه علیها السلام نازل شده است: ﴿ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا...﴾.^۱

مقصود از ظالم به نفس، کسی است که امام را شناسد و مقصود از مقتصد، کسی است که امام را بشناسد و مقصود از معصوم سابق در خیرات، خود امام است و بعد فرمودند: ای حسن! هیچ کس از ما اهل بیت از دنیا نمی رود مگر بعد از اقرار به حق و امامت معصوم^۲ [یعنی اقرار به امامت ائمه معصومین علیهم السلام باعث نجات می شود].

مدعی دیدار امام زمان قبل از سفیانی، دروغ گو است

محمد سمری نائب خاص امام زمان، چند روز قبل از وفاتش نامه ای را به شیعیان نشان داد که امام زمان علیه السلام در آن نامه نوشته بودند:

بسم الله الرحمن الرحيم، خدا به برادران دینی تو در مصیبت و فقدان تو اجر عنایت فرماید. تو شش روز دیگر از دنیا خواهی

۱. سوره فاطر، آیه ۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۵۶.

رفت، کارهای خود را جمع و جور کن، و کسی را وصی خود قرار نده تا قائم مقام تو بعد از تو باشد.
 وقتی غیبت تامه و کبرا شروع شد، دیگر ظهوری نخواهد بود مگر خداوند عزوجل اجازه دهد و این ظهور بعد از زمانی طولانی که قلب‌ها قسی و زمین پُر از ظلم و جور شود واقع خواهد شد و زمانی می‌آید که شیعیان ما ادعای دیدن می‌کنند. متوجه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و ندای آسمانی ادعای دیدن کند دروغ‌گو و دروغ‌زن است. مدعی دیدار را تکذیب کنید. لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

مؤلف گوید: از این روایت معلوم می‌شود از خروج سفیانی تا قیام امام زمان علیه السلام که نه ماه طول می‌کشد در این مدت کوتاه می‌توان امام را دید در آن زمان اگر کسی مدعی دیدار نشد تکذیب نکنید.

روز ابدال

جابر جعفی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: روی زمین بنشینید و هیچ حرکتی نکنید تا علائمی را که می‌گویم در یک سال واقع شود و منادی از دمشق صدا بزند و محله‌ای از محل‌های دمشق فرو رود و قسمتی از مسجد آن جا خراب شود. وقتی دیدی ترک به آن جا تجاوز کرده و ترک آمده و در جزیره نشسته است و روم [اروپا و آمریکا] آمده و در رمله نزول کرده و آن سالی است که در سراسر مناطق عرب‌نشین درگیری واقع می‌شود و اهل شام سه گروه می‌شوند و زیر سه پرچم می‌روند: اصهب، ابقع و سفیانی.

سفیانی‌ها بنی‌ذنب حمار هستند و پسر دایی‌های ابوسفیان که از طایفه بنی‌کلب هستند، همراه او می‌باشند.

سفیانی با بنی‌ذنب حمار ظاهر شده کشتاری می‌کنند که هیچ‌کس نکرده باشد. مردی در دمشق حاضر می‌شود، او یارانش را به گونه‌ای می‌کشد که کسی را آن‌گونه نکشته باشند و او از بنی‌ذنب حمار است. آیه «فاختلف الاحزاب من بینهم فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم»^۱.

سفیانی و یارانش ظاهر می‌شوند و هیچ‌همتی مگر از بین بردن آل‌محمد علیهم‌السلام و شیعیان او ندارند. او لشکری به کوفه می‌فرستد، در آن‌جا مردمانی از شیعیان آل‌محمد علیهم‌السلام را گرفته می‌کشد و دار می‌زند. پرچمی از طرف خراسان آمده و در ساحل دجله فرود می‌آید و فردی ایرانی که ضعیف است و یارانش کم با آنها درگیر می‌شوند و لشکر به مدینه می‌فرستد، مردی را کشته حضرت مهدی علیه‌السلام و [که یکی از یاران حضرت است] از مدینه فرار می‌کنند و تمام آل‌محمد علیهم‌السلام را از کوچک و بزرگ گرفته زندان کرده حتی یکی را هم رها نمی‌کند و لشکر در تعقیب آن دو نفر که فرار کرده‌اند از مدینه به طرف مکه می‌رود و مهدی علیه‌السلام مثل حضرت موسی با ترس و مخفیانه می‌رود تا وارد مکه می‌شود؛ اما لشکر به بیابان بین مدینه و مکه که می‌رسد در زمین فرو می‌روند و لشکر «سفیانی» همه خسف می‌شوند و نجات پیدا نمی‌کنند، مگر کسی که خبر از بین رفتن لشکر را ببرد و امام بین رکن و مقام نماز می‌خواند و وزیرش با اوست، نماز

۱. سوره مریم، آیه ۲۷: گروه‌ها باهم اختلاف کردند پس وای به حال کسانی که کفر ورزیده‌اند از روزی بزرگی را که شاهد خواهند بود.

که تمام شد می فرماید: ای مردم! ما از خدا بر کسانی که بر ما ظلم کرده و حق را از ما گرفته اند یاری می خواهیم.

هر کس ما را به خدا بخواند ما از همه به خدا نزدیک تر هستیم و هر کس ما را به آدم، نوح، ابراهیم، محمد ﷺ، کتاب خدا و انبیا بخواند ما از همه به آنها نزدیک تریم و همه مسلمان های جهان شاهد هستند که به ما ظلم کرده طردمان کرده علیه ما توطئه کرده اند، از شهر و خانه هایمان ما را بیرون کرده اند، مال و اهل ما را غصب کردند و بر ما چیره شدند و امروز ما از خدا و مسلمانان یاری می طلبیم. به خدا قسم سیصد و سیزده نفر مرد که پنجاه زن با آنهاست در مکه بدون خبر قبلی به ما ملحق می شوند؛ مثل گیاه پشت سر هم سبز می شوند. و این آیه اشاره به آن دارد «این ما تکنونویات بکم الله جميعاً إن الله على كل شيء قدير»^۱ و این آیه را مردی از آل محمد ﷺ قرائت می کند و آن قریه ای که اهل آن ظالم هستند، مکه است.

مهدی ﷺ در مکه قیام کرده و سیصد و سیزده نفر از یارانش در مکه قیام بین رکن و مقام با او بیعت می کنند، عهد پیامبر و پرچم و اسلحه رسول اکرم ﷺ همراه او و وزیرش در کنار اوست و منادی به نام او در مکه فریاد می زند و آن صدا از آسمان به گونه ای است که همه اهل روی زمین می شنوند.

اسم او اسم پیامبر است، و شما شك نکنید و نخواهید کرد در این که او صاحب امر ﷺ می باشد، زیرا پیش نمی آید در حالی که عهد، پرچم و اسلحه پیامبر ﷺ را همراه دارد و نفس زکیه که از اولاد امام حسین ﷺ است

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

با او می‌باشد و اگر باز نگرانی باقی باشد با صدایی که از آسمان بلند می‌شود و او را با اسم می‌خواند و امر او را معرفی می‌کند، آن نگرانی را برطرف خواهد کرد. مواظب باشید گول سادات آل محمد علیهم‌السلام را نخورید؛^۱ زیرا برای آل محمد علیهم‌السلام و علی علیه‌السلام یک پرچم است؛ ولی برای غیر آنها پرچم‌های گوناگون خواهد بود، در آن هنگام به زمین بنشین و از هیچ کدام از آنها پیروی نکن، تا مردی از اولاد امام حسین علیه‌السلام که عهد، پرچم و اسلحه پیامبر نزد او باشد را بینی، زیرا عهد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به علی بن حسین رسید و بعد از آن به محمد بن علی می‌رسد و «یفعل ما یشاء» همیشه با ائمه معصومین علیهم‌السلام باش. آن چه را برای تو گفتم دقت کن وقتی دیدی مردی که سیصد و سیزده نفر با او قیام کرده پرچم رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با او بودند و قصد داشت به مدینه برود، در بین راه به بیداء که رسید می‌گوید: این مکانی است که خدا قومی را در آن فرو خواهد برد ﴿أَفَأَمِّنَ الَّذِينَ مَكُرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُوَ بِمُعْجِزِينَ﴾.^۲

وقتی به مدینه رسید، محمد بن شجری، مثل حضرت یوسف خارج می‌شود. بعد به کوفه می‌رود و در آن جا تا هر وقت خدا بخواهد می‌ماند تا از خدا بر او ظاهر شود، بعد او با همراهان خود می‌رود تا می‌رسد به عذرا و مردم بسیاری به او ملحق می‌شوند.^۳

۱. معلوم می‌شود سادات دست به قیام می‌زنند و خود را صاحب امر معرفی می‌کنند از این رو است که حضرت تذکر می‌دهند که گمراهی پیش نیاید.

۲. سوره نحل، آیه ۴۶.

۳. (عذرا) شهری در عراق می‌باشد.

سفیانی در آن زمان در وادی رمله می‌باشد تا لشکر او و لشکر امام به هم می‌رسند و آن روز ابدال است؛ یعنی روزی که شیعیان لشکر سفیانی از میان آنها درآمده به لشکر آل محمد علیهم‌السلام ملحق می‌شوند و سفیانی‌هایی که در لشکر آل محمد علیهم‌السلام هستند به سفیانی‌ها ملحق می‌شوند و هر کس زیر پرچم خود می‌رود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: در آن روز همه سفیانی‌ها کشته می‌شوند، حتی یک نفر برای خبر هم زنده نمی‌ماند.

زیان کار است کسی که از غنیمت طایفه بنی‌کلب^۱ چیزی به او نرسیده باشد، بعد حضرت مهدی علیه‌السلام به طرف کوفه می‌آید و منزل حضرت در آن جا خواهد بود. هیچ بنده مسلمانی نیست، مگر او را خریده آزاد می‌کند و هیچ قرض داری، نیست مگر قرض او را ادا می‌فرماید و هیچ مظلومه‌ای از مردم نیست، مگر ردّ می‌کند و هیچ بنده‌ای از آنها کشته نشده مگر دیه خون او را می‌پردازد و هیچ کس را نمی‌کشد، مگر قرض او را داده باشد و خرج زن و بچه‌اش را به عهده می‌گیرد تا این که روی زمین را پُر از عدل و داد، می‌کند همان‌گونه که پُر از ظلم و جور شده باشد و خود و اهل بیتش در «رحبه» کوفه منزل می‌گیرند و رحبه قبلاً منزلگاه حضرت نوح بوده و آن زمین پاکیزه است، زیرا هیچ مردی از آل محمد نیست، مگر این که منزل و مقتلش باید پاکیزه باشد، چون آنها اوصیا و بزرگان پاک طینت می‌باشند.^۲

تمام فرج در مرگ شخصی از عباسیان است

۱. همان سفیانی‌ها می‌باشند.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

● ابن ابی یعفور می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: دست نگه دار و اقدامی نکن تا هلاک فلانی را ببینی و سفیانی خروج کند و قتل نفس زکیه واقع شود و لشکر به زمین فرو رود و صدای آسمانی بلند شود. پرسیدم: صدای آسمانی همان منادی است؟ فرمود: بله و به آن صدا، مهدی علیه السلام صاحب این امر شناخته می شود، بعد فرمود: تمام فرج و رهایی در هلاکت فلانی از بنی عباس می باشد.^۱

حضرمی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: ناچاراً بنی عباس به قدرت می رسند وقتی حاکم شدند باهم اختلاف کرده در نتیجه، پراکنده شده و خراسانی و سفیانی بر آنها حمله می آورند. یکی از مشرق و دیگری از مغرب باهم مسابقه می گذارند تا به کوفه می رسند، یکی از آن جا و دیگری از این جا تا این که هلاکت بنی عباس به دست خراسانی و یمانی واقع شود. بدانید که هیچ کس از بنی عباس را باقی نمی گذارند.^۲

تراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

یعقوب بن سراج می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شیعه در چه وقت خواهد بود؟ حضرت فرمود: وقتی بنی عباس در حکومت خود اختلاف پیدا کردند و کسانی که در قدرت طمع نداشتند پیدا کردند و عرب افسار گسیخته شد و هر دارودسته ای قد علم کرد، سفیانی و یمانی ظاهر

۱. همان، ص ۲۳۴، ح ۱۰۰.

۲. همان، ص ۲۳۴، ح ۱۰۱.

می شوند و حسنی حرکت می کند. صاحب این امر از مدینه به طرف مکه با تراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می رود، پرسیده شد، تراث پیامبر چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، پیراهن، چوب دستی، اسب، افسار و زین است.^۱

دعوت امام به کتاب، سنت و ولایت

● کابلی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: امام زمان در مکه به کتاب خدا و سنت پیامبر با مردم بیعت می کند و کسی را جانشین خود در مکه می گذارد و خود به طرف مدینه حرکت می کند. خبر می رسد که عامل او را در مکه کشته اند، حضرت به مکه برگشته همان کسانی که او را کشته اند می کشد و حتی یک نفر زیادتر هم نمی کشد، بعد مردم را بین دو مسجد جمع کرده آنها را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ولایت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام دعوت می کند و از آنان می خواهد از دشمنان علی علیه السلام بیزاری جویند.

لشکر سفیانی می آید تا به بیداء بیداء می رسد. خدا آنها را در زمین فرو می برد. در خبری دیگر است که حضرت به طرف مدینه می رود و در آن جا هر چه خدا می خواهد می ماند، بعد از مدینه خارج شده به طرف کوفه می رود و مردی از اصحاب خود را حاکم مدینه می کند.

وقتی به «شفیره» می رسد، نامه سفیانی به اهل مدینه می رسد که اگر عامل حضرت را نکشید شما را خواهم کشت و زن و بچه شما را اسیر خواهم گرفت. مردم ترسیده، می ریزند و عامل حضرت را می کشند. خبر به حضرت می رسد، به مدینه برمی گردد قاتلین را هر چند از افراد قریشی

باشند، می‌گشود و کسی از آنها باقی نمی‌گذارد، مگر به اندازه اگله کبش [یعنی عددی کم که آنها هم خواهند بود] مردی از اصحاب خود را بر آنها می‌گمارد و بعد خارج شده به طرف کوفه می‌رود و بعد به نجف رفته در آن جا می‌ماند.^۱

رویارویی حضرت مهدی (عج) با سفیانی

سفیانی؛ دشمن مهدی علیه السلام

● امام صادق علیه السلام فرمود: ما و آل ابی سفیان دو خاندانی هستیم که در راه خدا باهم دشمن می‌باشیم. ما می‌گوییم خدا راست است و آنها می‌گویند خدا دروغ است، ابوشقیان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، معاویه با امیرالمؤمنین علیه السلام و یزید بن معاویه با امام حسین علیه السلام جنگ کردند و سفیانی هم با حضرت مهدی علیه السلام جنگ خواهد کرد.^۲

● امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: سفیانی ملعون از وادی یابس پیدا می‌شود و او فرزند عتبه پسر ابوسفیان است. وقتی خروج کرد، مهدی علیه السلام مخفی می‌شود.^۳

برخورد حضرت با سفیانی در نجف

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام به نجف که می‌رسد از طرف کوفه، لشکر سفیانی به سمت حضرت حرکت می‌کند و مردم زیادی با سفیانی هستند و آن روز چهارشنبه است. حضرت آنها را به طرف خود

۱. همان، ص ۳۰۸، ح ۸۳.

۲. همان، ص ۱۹۰، ح ۱۸.

۳. همان، ص ۲۱۳، ح ۶۵.

دعوت کرده و حق خود را به آنها گوشزد می‌کند و می‌گوید: به حق من ظلم و ستم شده است و خود و نسبتش را به خدا و رسول معرفی می‌کند. و جواب می‌شنود که از هر کجا آمده‌ای برگرد که ما احتیاجی به تو نداریم. حضرت می‌فرماید: می‌خواستم شما را آگاه کنم و بعد بدون خونریزی از هم جدا شده و روز جمعه دوباره باهم جمع می‌شوند، تیری از لشکر سفیانی رها شده یکی از مسلمین را می‌کشد، گزارش به حضرت می‌دهند. در این وقت است که حضرت پرچم پیامبر اکرم ﷺ را باز می‌کند، وقتی پرچم باز می‌شود، ملائکه‌ای که در جنگ بدر بودند به سرعت خود را می‌رسانند، اذان ظهر که شد طوفانی علیه سفیانیان برخاسته، آنها را فراری می‌دهد. حضرت آنها را تعقیب کرده همه را از دم شمشیر می‌گذراند و آنها فرار کرده وارد خانه‌های کوفه می‌شوند، حضرت اعلام می‌فرماید: کاری به آنها نداشته باشید و زخمی‌ها را نکشید و مثل امیرالمؤمنین ﷺ در جنگ جمل عمل می‌فرماید.^۱

دو شب مانده به قیام

عبدالله علی حلبی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: برای صاحب این امر غیبتی است در میان این دره‌ها - و با دست اشاره فرمود به کوه ذی طوی - تا وقتی که دو شب مانده به خروجش، یکی از دوستان امام زمان که در خدمت حضرت است نزدیکی قیام را می‌فهمد، می‌رود دوستان خود که حدود چهل نفر هستند، به آنها می‌گوید: اگر امام زمان خود را ببینید چه خواهید کرد؟ آنها می‌گویند: به خدا قسم اگر او را ببینیم هر چه به ما بگویند

۱. همان، ص ۲۸۷، ح ۲۰۵.

انجام خواهیم داد، اگر بگوید از کوه بالا روید می‌رویم. [اشاره به این که هر امر که بفرماید انجام خواهیم داد]

فردای آن روز دوباره نزد دوستان خود رفته به آنها می‌گوید: ده نفر از پیرمردها و عاقل‌های خود را انتخاب کنید و به من نشان دهید و آنها هم گروهی را از میان خود به او معرفی می‌کنند. او وعده می‌دهد که فردا شب همه را خدمت حضرت ببرد.

بعد امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، دارم می‌بینم که حضرت مهدی علیه السلام چگونه به حجر الاسود تکیه داده و مردم را به خدا، قسم می‌دهد و حق خود را طلب می‌کند و می‌گویند: ای مردم! هر کس رابطه مرا با خدا می‌خواهد از همه به او نزدیک‌تر هستم و هر کس رابطه مرا با آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد صلی الله علیه و آله و قرآن کتاب خدا می‌خواهد بداند، من از همه به آنها اولی‌تر و نزدیک‌تر هستم، بعد می‌رود پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز می‌خواند و دوباره مردم را به خدا قسم داده حق خود را معرفی می‌کند.

بعد امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم مضطری که در قرآن آمده ﴿أَمِنْ يَجِبُ الْمَضْطَرُ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۱ [خدایا چه کسی غیر از تو به فریاد بیچاره و درمانده خواهد رسید و بدی گرفتاری را از او دور خواهد کرد و چه کسی شما را خلیفه روی زمین قرار می‌دهد] حضرت مهدی می‌باشد و جبرائیل کنار ناودان خانه خدا کعبه به صورت

۱. سوره نمل، آیه ۶۲: چه کسی به جز از خدا گرفتاری انسان را برطرف می‌کند در هنگامی که تضرع می‌کند و گرفتاری را از او برطرف می‌فرماید و آنها را جایگزین در روی زمین می‌گرداند.

سفیدی نشسته است و اولین خلق خدا که با او بیعت می‌کند، جبرئیل است و بعد ۳۱۳ نفر با او بیعت می‌کنند.

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کدام از آنها که در راه باشند به زودی به او می‌رسند و هر کس در راه نیست و در خانه خوابیده است از خانه خود گم می‌شود و به خدا قسم گروهی که امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام می‌فرمایند: آنها از خانه خود گم می‌شوند، همین گروه هستند «فاستبقوا الخیرات این ما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً»^۱ که جزو اصحاب امام زمان و سیصد و اندی نفر مرد هستند.

به خدا قسم آنها امت معدودی هستند که در قرآن آمده: «لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابِ الی اُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ»^۲ خدا آنها را جمع می‌کند در یک ساعت و کنار هم سبز می‌کند و آنها صبح می‌کنند در حالی که خود را در مکه می‌بینند و مردم را به کتاب خدا و سنت رسول دعوت می‌کنند و افراد کمی قبول می‌کنند. امام عامل خود را بر مکه گذاشته بیرون می‌رود، خبر می‌رسد که عامل را کشته‌اند. حضرت برگشته همان کسانی که عامل را کشته است را می‌کشد و با دیگران کار ندارد؛ یعنی اسیر و زندان نمی‌کند و بعد مردم را نصیحت می‌کند و به کتاب خدا و سنت پیامبر و ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری جستن از دشمنان او دعوت می‌کند و دیگر نام کسی را نمی‌برد، خارج شده به بیداء که می‌رسد لشکر سفیانی به طرف آنها

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸: همیشه در خوبی‌ها جلو افتید، زیرا شما خوبان هر کجا که باشید خدا شما را کنار هم جمع خواهد کرد.

۲. سوره هود، آیه ۸

می‌رود که خدا امر می‌کند آنها را به زمین فرو برد و آنها را از زیر پایشان می‌گیرد «و لو ترى اذ فزعوا فلا فوت و أخذوا من مکان قریب و قالوا آمنا به»^۱ یعنی ایمان به قائم آل محمد علیه السلام آوردند «و قد كفروا...» در حالی که کافر به مهدی علیه السلام هستند و کسی از آن لشکر سفیانی باقی نمی‌ماند، مگر دو نفر که به آنها و تر و تیره گفته می‌شود که صورت‌های آنها به پشت برگشته است و از پشت راه می‌روند و به مردم خبر می‌دهند که همراهان آنها - لشکر سفیانی - چه شده‌اند.^۲

عزیمت مهدی علیه السلام از مدینه به مکه

جابر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جابر، به زمین نشین و دست و پایی حرکت نده تا علائمی که می‌گویم ببینی، اگر تا آن وقت عمر تو باقی باشد، اول علامت اختلاف بنی عباس است و بعید می‌دانم تو آن زمان را درک کنی؛ ولی به تو می‌گویم تا به دیگران برسانی، منادی از آسمان صدا زند و صدایی از طرف دمشق به گوش می‌رسد که پیروز شدیم و قریه‌ای در شام به نام جابیه فرو می‌رود، مقداری از دیوار مسجد دمشق فرو می‌ریزد و از ناحیه ترک، فردی سرکشی و طغیان می‌کند، بعد از آن روم به هرج و مرج می‌افتد و نزدیک است که برادران ترک در جزیره وارد شوند^۳ و نزدیک است که طغیانگر و سرکشی از روم در رمله اُردو زند. ای

۱. سوره احزاب، آیه ۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱، ح ۹۱.

۳. برادران ترک یعنی مسلمانان ترک زبان که شامل ترکیه و ترکمنستان می‌شود. قسمتی از عراق که

جابر! آن سال، سال پراختلاف در سراسر زمین می باشد و آن اختلاف و فتنه از مملکت غرب [شاید آمریکا] است. سرزمینی که اختلاف و درگیری می شود، شام است که سه پرچم در آن بلند می شود: پرچم اصهب، پرچم ابقع و پرچم سفیانی. سفیانی با ابقع درگیر شده او را از بین می برد و بعد با اصهب جنگ می کند او را هم می کشد. بعد که قدرت کامل در دست او قرار گرفت، فکری ندارد مگر به طرف عراق برود، لشکرش از قرقیسا می گذرد. در آن جا صد هزار از جبارین کشته می شوند، بعد سفیانی لشکر را به کوفه می فرستد، عدد لشکر هفتاد هزار نفر است، اهل کوفه را می کشد، به دار می زند، اسیر می کند، در این آشوب گروهی با پرچم از طرف خراسان به تندی سر می رسند که چند نفری از اصحاب امام زمان با آنها می باشند و فردی ایرانی از اهل کوفه با گروه کمی از شیعیان قیام می کنند که همه به دست امیر لشکر سفیانی بین حیره و کوفه کشته می شوند.

سفیانی لشکری تهیه دیده به طرف مدینه می فرستد. حضرت مهدی علیه السلام از مدینه فرار کرده به طرف مکه می رود. لشکر سفیانی متوجه می شود که حضرت به طرف مکه فرار کرده است، لشکر را به تعقیب او می فرستد؛ اما آنها دسترسی به حضرت مهدی علیه السلام پیدا نکرده تا وارد مکه می شود - با نگرانی و ترس - مثل فرار حضرت موسی از فرعونیان.

→ بین النهرین است و جزیره می گویند یا جزیره العرب باشد و روم همان اروپا است که در رمله (همان اردن باشد) به کمک سفیانی آمده باشند.

امیر لشکر سفیانی به بیداء رسیده منادی از آسمان ندا می‌کند که ای بیداء همه را در خود فرو ببر، همه در زمین فرو می‌روند، مگر سه نفر که خدا صورت آنها را به پشت برمی‌گرداند. آنها از طایفه بنی‌کلب هستند که این آیه در باره آنها نازل شده است: ﴿يا ايها الذين اوتوا الكتاب آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معكم من قبل ان نطمس وجوهاً فنزدها على ادبارها﴾.^۱

حضرت فرمود: در آن روز قائم علیه السلام در مکه است. پشت خود را به خانه خدا داده و به آن جا پناه برده و صدا می‌زند: ای مردم، ما از خدا کمک می‌طلبیم، کیست که ما را یاری کند؟ ما اهل بیت پیامبر شما، محمد صلی الله علیه و آله هستیم و از همه به خدا و محمد نزدیک‌تریم. هر کس از ما پرسد که من کیستم، می‌گویم: نزدیک‌ترین کس به آدم، نوح، ابراهیم، محمد صلی الله علیه و آله و انبیا هستم، آیا خدا نمی‌فرماید: ﴿ان الله اصطفى آدم ونوح و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم﴾^۲ من از ذریه آدم و ذخیره نوح و منتخب ابراهیم و خلاصه محمد صلی الله علیه و آله می‌باشم و هر کس از قرآن درباره من بخواهد، نزدیک‌ترین کس به قرآن می‌باشم و هر کس از من در باره سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کند، من از همه به سنت او آگاه‌تر و لایق‌ترم، شما را به خدا قسم می‌دهم هر کس کلام مرا در امروز شنید به غایبین برساند و به حق خدا و رسول خدا و به حق خودم بر شما - حق من

۱. سوره نساء آیه ۴۷: ای کسانی که کتاب برای شما آورده شده [یهود و نصارا] ایمان بیاورید به آنچه ما نازل کرده‌ایم، و دلیل درستی آن را می‌دانید، قبل از آن که در اثر عذاب، صورت‌ها از بین برود و به پشت برگردد.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۲: خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را از میان جهانیان انتخاب کرد که گروهی فرزند گروه دیگر هستند و خدا شنوا و دانا می‌باشند.

بر شما حق اقربای پیامبر بر شماست - که ما را یاری کنید و مانع شوید که بر ما ظلم روا دارند که ما کسانی هستیم که مورد آزار و ظلم و تبعید واقع شده‌ایم و ما را از حقمان بازداشته‌اند و اهل باطل بر ما چیره شده‌اند. خدا را، خدا را به یاد شما می‌آورم که نگذارید ما تنها بمانیم، ما را یاری کنید. تا خدا شما را یاری کند، در این وقت است که خدا ۳۱۳ نفر از اصحاب مهدی علیه السلام را جمع می‌کند بدون این که از قبل خبری داشته باشند کنار هم سبز می‌شوند؛ مثل شکوفه در بهار و این آیه در قرآن شاهد این مطلب است: «أین ما تكونوا یأت بکم الله جمیعاً ان الله علی کل شیء قدیر». پس کنار کعبه بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله با اوست که از پدرانش به او ارث رسیده است و قائم علیه السلام مردی از اولاد امام حسین علیه السلام می‌باشد که در یک شب امر او به سامان می‌رسد.

شک و اشکالی برای مردم در این امر نمی‌ماند، زیرا او از اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وراثت او از امامان، امامی بعد از امام است و اگر باز اشکالی و شبهه‌ای بماند به واسطه صدایی که از آسمان بلند می‌شود که او را به نام و نام پدر و مادرش می‌خوانند، برطرف خواهد شد.^۱

حضرت مهدی علیه السلام و عملکرد سفیانی

مفضل می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ...مردی که صورتش به پشت برگشته خدمت امام مهدی علیه السلام می‌رسد و می‌گوید: ای آقا! من بشارت دهنده هستم، ملکی مرا امر کرد خدمت شما برسم و هلاکت لشکر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵.

سفیانی را در «بیداء» به شما بشارت دهم، حضرت می فرمایند: داستان خود و برادرت را برای ما شرح بده. آن مرد می گوید: من و برادرم از سپاهیان لشکر سفیانی بودیم و ما همه جا، از دمشق تا زورا (بغداد) را خراب کردیم و همان گونه خراب گذاشتیم، کوفه و مدینه را خراب کردیم، منبر مدینه را شکستیم، با اسب های خود وارد حرم پیامبر ﷺ شدیم، حیوانات ما آن جا را آلوده کردند، از مدینه خارج شدیم و عدد لشکر ما سیصد هزار نفر بود که قصد داشتیم به مکه آمده آن جا را خراب کنیم و

مردمش را بکشیم، وقتی به بیداء رسیدیم، آن جا اردو زدیم که ناگهان صدایی بلند شد که: «ای بیداء! همه قوم ظالمین را در خود فرو ببر». زمین شکافته شد و همه لشکر را بلعید. به خدا قسم کسی از آنها حتی افسار ناکه و امثال آنها باقی نماند، مگر من و برادرم که مواجه شدیم با فرشته ای که ما را زد و صورت های ما به پشت برگشت، همین گونه که ملاحظه می فرمایید.

به برادرم گفت: وای بر تو که ترساننده هستی، برو به دمشق نزد سفیانی ملعون و او را از ظهور مهدی ﷺ آل محمد بترسان و به او بگو: خدا لشکر تو را در بیداء هلاک کرد و آن فرشته به من گفت: ای بشارت دهنده! به حضرت مهدی ﷺ در مکه ملحق شده بشارت هلاکت ظالمین را به او بده و به دست او توبه کن که او توبه تو را قبول خواهد کرد. حضرت قائم دست مبارک را به سر او کشید و صورتش سالم شد و با حضرت بیعت کرد و خدمتش ماند.

مفضل می گوید: گفتم: ای آقای من! بعد حضرت مهدی علیه السلام چه می کند؟ فرمود: حضرت مهدی علیه السلام لشکری به دمشق به طرف سفیانی می فرستد، او را گرفته روی سنگی سر می برند، بعد امام حسین علیه السلام با دوازده هزار یاران صدیق و هفتاد و دو نفری که با او در کربلا شهید شدند زنده می شوند و رجعت می کنند، در آن وقت است که حضرت زهرا علیها السلام برگشته و از خدا می خواهد صحنه عاشورا را دوباره نشان دهد و بعد صدیق اکبر، امیرالمؤمنین رجعت می فرماید^۱....

درخت سبز

● کابلی می گوید: امام سجاد علیه السلام می فرماید: حضرت قائم علیه السلام اهل مدینه را به اجفر می برد و دچار قحطی و گرسنگی شدید می شوند، بعد آنها خدمت حضرت مهدی علیه السلام آمده شکایت کرده ضجه می زنند. حضرت برای آنها درختی سبز می کند که از میوه آن می خورند و زیادی آن را انبار می کنند و این آیه به آن اشاره دارد: «و آیه لهم الارض المیتة احییناها و اخرجنا منها حثاً فمینه یا کلون»^۲ بعد حضرت راه افتاده به قادسیه، می رسد در آن وقت مردم در کوفه جمع شده با سفیانی بیعت می کنند.^۳

وظایف شیعیان در هنگام خروج سفیانی

۱. همان، ج ۵۳، ص ۹.

۲. سوره یس، آیه ۳۳: خدا می فرماید که یکی از آیات من این است که زمین را بعد از مردن زنده می کنیم سبز کرده دانه می رویانیم و از آن دانه ها شما تغذیه می کنید.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۲۸۷، ح ۲۰۴.

با ظهور سفیانی خود را به ما برسان

● امام صادق علیه السلام فرمودند: ابن سدید در منزلت بنشین. مثل فرش، در خانه خود بمان و آرام باش تا آسمان و زمین آرام است، وقتی شنیدی سفیانی خروج کرده، خودت را به ما برسان هر چند پای پیاده باشد.^۱

● ابن هاشم می گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم نامه ای که ابو مسلم خراسانی به امام نوشته بود، رسید. حضرت رو به نامه رسان ها کرده فرمودند: جوابی برای نامه شما نیست از منزل ما خارج شوید، ما در گشایش و راحتی به سر می بریم، فضل می پرسد: ما در چه آسایشی هستیم؟ حضرت می فرماید: ای فضل! متوجه باش خدا به عجله بندگانش عجله نمی کند. جابه جا کردن کوه آسان تر است تا از بین بردن حکومتی که وقتش تمام نشده باشد و بعد حضرت اسماء حاکمین را تا هفت نسل می برد. فضل می گوید: از حضرت سؤال کردم: علامت بین ما و شما چیست؟ حضرت فرمود: زمان زیادی نمی گذرد، مگر این که سفیانی خروج می کند، وقتی سفیانی خروج کرد به طرف ما بیاید و حضرت این جمله را سه دفعه تکرار فرمود.^۲

خود را به ما برسانید

● یونس بن یعقوب می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: وقتی سفیانی خروج کرد، لشکری به طرف ما می فرستد [مدینه] و لشکری

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۷۴.

به سوی شما می فرستد [عراق] وقتی این واقع شد به هر سختی و آسانی که شده خود را به ما برسانید.^۱

کناره گیری کن

● برید می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: ای برید! از اصهب کناره گیری کن. گفتم: اصهب کیست؟ فرمود: از ابقع کناره گیری کن عرض کردم: ابقع کیست؟ فرمود: کناره گیری کن از سفیانی و کناره گیری کن از فراریان بنی عباس که به مکه آمده مال پخش می کنند و خود را شبیه حضرت مهدی علیه السلام می کنند و کناره گیری کن از تکروان آل محمد علیهم السلام [که مقصود زیدی مذهبها هستند]، زیرا دلیل قیام آنها سست و ضعیف است و آنها را از جهتی که سادات و از اولاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشند، آل محمد می گویند.^۲

مردها مخفی شوند بر زن ها با کی نیست

● حضر می می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: سفیانی آمد ما چه بکنیم؟ فرمود: مردها خود را مخفی کنند و بر زن و بچه آنها با کی نیست، وقتی بر پنج شهر مسلط شد، فرار کرده به طرف ما بیاید.^۳

● هشام بن سالم می گوید: امام صادق علیه السلام بعد از ذکر سفیانی فرمود: مردها خود را مخفی کنند اما زن ها با کی بر آنها نیست و با آنها کاری

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲.

۲. همان، ص ۲۶۹، ح ۱۶۰.

۳. همان، ص ۲۷۳، ح ۱۶۶.

ندارد.^۱

مرگ سفیانی

امام زمان سفیانی را خواهد کشت

معلى بن خنيس مى گويد: نامه هاى عبدالسلام بن نعيم و سدیر و کسان ديگر را در زمان قيام ابومسلم خراسانى قبل از اين که بنى عباس حکومت را به دست بگيرند خدمت امام صادق عليه السلام بردم و به حضرت عرض کردم: اميدوارم که در اين حرکت ها امر به دست شما بيفتد، شما وضع را چگونه مى بينيد؟ حضرت نامه ها را به زمين زده بعد فرمود: أف اف، يعنى اظهار تأسف کرده فرمود: من امام اينها نيستم، آيا نمى دانيد امام قائم عليه السلام سفیانی را خواهد کشت^۲ [سفیانی بعد از قدرت پيدا کردن بنى عباس و از بين رفتن آنها پيدا خواهد شد و هنوز سفیانی نيامده تا امام زمان قيام کند].

علامت مرگ سفیانی

ابى بصير مى گويد: از امام باقر عليه السلام شنيدم که مى فرمود: آيه ﴿ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين﴾^۳ خدا به آنها آيه را نشان خواهد داد، گفتم: به چه کسانى؟ فرمود: به بنى اميه و پيروان آنها، گفتم: چه آيه اى؟ فرمود: ايستادن خورشيد از اول ظهر تا وقت عصر و پيدا شدن

۱. همان، ص ۲۷۵، ح ۱۷۰.

۲. کافى، ج ۸، ص ۲۳۱.

۳. سورة شعرا، آيه ۴: اگر بخواهيم از آسمان آيتى را بر آنها فرود مى آوريم تا همه گردن ها به تواضع فروافتد.

صورت و سینه در قرص خورشید که او را به حسب و نسب می شناسند و این واقعه در زمان سفیانی واقع خواهد شد و در آن وقت است که سفیانی و دارودسته اش از بین خواهند رفت.^۱

شکست سفیانی از مهدی (عج)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: حضرت مهدی (عج) زیر درختی که شاخه های

آن سرگردان و طولانی است، سفیانی را می کشد.^۲

سفیانی در کوفه و مدینه چه می کند

خدیفه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: وقتی فتنه بین اهل مشرق و مغرب عالم واقع شد، سفیانی از وادی یابس به طرف دمشق رفته قدرت را به دست می گیرد و لشکری به مشرق و لشکری به مدینه اعزام می دارد. لشکری که به مشرق می فرستد در وقت رسیدن به سرزمین بابل - بغداد - بیش از سه هزار نفر را می کشد و بیش از صد زن را بی آبرو می کند و در همان جا سیصد نفر از بنی عباس را می کشد، بعد به طرف کوفه رفته هر چه در آن جاست خراب می کند. وقتی می خواهد به شام برگردد، پرچم هدایت از کوفه می رسد و خود را به آن لشکر رسانده همه لشکریان سفیانی را می کشند، حتی یک نفر نمی تواند فرار کند. اسیرانی که از کوفه گرفته اند از دست آنها رها می کنند و غنائم را پس می گیرند.

لشکری که سفیانی به مدینه فرستاده سه شبانه روز در آن شهر قتل و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱، ح ۸۴

۲. همان، ص ۳۸۶، ح ۱۹۹.

غارت می‌کنند و بعد به طرف مکه می‌روند. وقتی به بیداء می‌رسند، خدا جبرئیل را گسیل می‌دارد تا به بیداء برود و آنها را از بین ببرد. جبرئیل به زمین لگد می‌کوبد، زمین دهان باز کرده تمام آنها را در خود فرو می‌برد و کسی به غیر از دو نفر از اقوام جهینه نمی‌ماند.^۱

پرچم سفیانی

امام باقر علیه السلام فرمود: روی زمین بنشین و دست و پای تکان مده تا نشانه‌هایی که گفتم ظاهر شود و نمی‌بینم که عمرت تا آن زمان کفاف دهد، نشانه‌ها اینهاست: اختلاف بنی عباس، ندای آسمانی، صدایی که از طرف دمشق بلند می‌شود که فتح و پیروزی رسید و خسف در دهی از دهات شام که نامش «جایه» است. به زودی برادران ترک به جزیره و سرکشان روم به رمل فرود می‌آیند، و آن سالی است که درگیری و اختلاف از طرف غربی‌ها در جهان بسیار می‌شود و اولین زمین که خراب می‌شود شام است و در آن جا پس از درگیری، سه پرچم بلند می‌شود: پرچم اصهب، پرچم ابقع^۲ و پرچم سفیانی.^۳

سفیانی خبیث است

● محمد بن یزید می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: اگر سفیانی را

۱. همان، ص ۱۸۶، ح ۱۱.

۲. ابقع مصری‌ها هستند اصهب یهودی‌ها.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲، ح ۶۲.

بینی، خبیث‌ترین مردم را دیده‌ای. رنگ صورت او بور و قرمز و آبی [احتمال دارد چشم او آبی باشد] می‌گوید: یا رب یا رب و آتش به پا می‌کند و پستی او به جایی می‌رسد که مادرِ فرزندِ خود را زنده به گور می‌کند، تا او را لو ندهد.^۱ ترس او از رسوایی باطنی‌اش و وابستگی او با استکبار جهانی است.

● بشیر بن غالب می‌گوید: سفیانی از مملکت روم می‌آید و صلیب به خود بسته و همان رهبر مسلمین می‌شود.^۲

● امام باقر علیه السلام فرمود: رنگ سفیانی قرمز و بور و آبی است. هرگز خدا را عبادت نکرده است و هرگز مکه و مدینه را ندیده است و می‌گوید: یا رب خونم و آتش می‌زند یا رب خونم و آتش به پا می‌کند.^۳ [انتقام خون خود را طلب کرده هر چه را می‌بیند به آتش می‌کشد]

اختلاف بنی عباس و خروج سفیانی

ظهور و قیام امام را نمی‌بینید، مگر وقتی که بنی عباس باهم اختلاف پیدا کنند و دیگران طمع می‌کنند و اختلاف کلمه پیدا کرده با هم دیگر درگیر می‌شوند، در آن وقت است که سفیانی خروج می‌کند.^۴

پنج علامت حتم ظهور

۱. همان، ص ۲۰۵، ح ۳۷.

۲. همان، ص ۲۱۶، ح ۷۵.

۳. همان، ص ۲۵۳، ح ۱۴۶.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۰۹.

محمد بن حنظله می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: پنج علامت قبل از قیام امام زمان علیه السلام واقع می شود: صیحه، سفیانی، خسف در بیداء، قتل نفس زکیه و یمان.

از حضرت سؤال کردم: فدایت شوم اگر قبل از این نشانه ها که فرمودی، فردی از شما اهل بیت قیام کرد با او قیام کنیم؟ حضرت فرمود: نه. فردای آن روز خدمت حضرت رسیدم و این آیه را تلاوت کردم: ﴿ان نشأ نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین﴾ و عرض کردم: مقصود از آیه که همه سرها را به زیر می اندازند، صیحه آسمانی می باشد؟ حضرت فرمود: اگر آن آیه واقع شود همه گردن کشان و دشمنان خدا خاضع خواهند شد.^۱

ابن اکلة الاکباد

معاویه بن سعید می گوید امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرمایند: وقتی سرنیزه ها در شام به هم رسیدند، آن آیه ای از نشانه های حق است. سؤال شد بعد از آن چه؟ فرمود: زلزله ای در شام واقع می شود که صد هزار نفر کشته می شوند و خدا آن را رحمت برای مؤمنین و عذاب بر کافران قرار داده، وقتی آن واقعه اتفاق افتاد نگاه کنید به کسانی که با سواری های شهاب گونه^۲ - که پرچم آنها زرد رنگ است از طرف مغرب [آمریکا و اروپا] - سر می رسند تا در شام اردو می زنند در آن هنگام منتظر باشید که یکی از روستاهای شام به نام حرشافرو می رود، بعد از آن منتظر

۱. همان، ص ۳۶۰.

۲. آیا هواپیما است یا تانک یا وسایل جنگی به رنگ خاصی.

ظهور و قیام ابن آكلة الاكباد - سفیانی - [از وادی یابس - اردن -] باشید.^۱

● مغیره بن سعد می گوید امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمودند: وقتی سرنیزه‌ها در شام به هم رسیدند، بدانید که از روی یکی از آیات حق پرده برداشته شده است سؤال شد آن آیه چیست؟ فرمود: زلزله‌ای است که در شام واقع می‌شود و بیش از صد هزار نفر کشته می‌شوند و خدا آن را رحمت برای مؤمنین و عذاب برای کافران قرار داده است در آن هنگام ببینید که چگونه لشکری که با هواپیماهای سریع و پرچم‌های زرد از طرف مغرب - [آمریکا و اروپا] - می‌آیند و در شام پیاده می‌شوند و آن هنگام فزع و نگرانی بزرگ و مرگ سُرخ می‌باشد، وقتی آنها آمدند منتظر باشید که قریه‌ای در شام در زمین فرو می‌رود که به آن «حرشا» می‌گویند. در آن وقت است که ابن آكلة الاكباد از وادی یابس خروج کرده در منبر شام جا می‌گیرد وقتی آن واقعه اتفاق افتاد منتظر قیام حضرت مهدی علیه السلام باشید.^۲

دو نوع غیبت امام علیه السلام

● ابوبصیر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم امام باقر علیه السلام می فرمود که قائم آل محمد علیه السلام دو غیبت دارد یکی بلندتر از دیگری، حضرت فرمود: بله ظهور واقع نمی‌شود تا این که بنی عباس باهم جنگ کنند آن وقت دایره تنگ می‌شود و سفیانی ظاهر می‌گردد و بلا شدید شده مردم

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶.

۲. همان، ص ۲۵۳.

دچار مرگ و قتل می شوند و پناه به حرم خدا و حرم رسول می برند.^۱

بلند شدن سه پرچم در شام

● سدیر می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: ای سدیر! در منزل بنشین و مثل فرش ساکن و ساکت باش و ساکن باش تا شب و روز ساکن است، وقتی فهمیدی سفیانی خروج کرده به سوی ما بیا، هر چند با پای پیاده، عرض کردم: قبل از سفیانی علامتی هست؟ فرمود: بله و با سه انگشت به شام اشاره کرده فرمود: سه پرچم در آن جا بلند می شود، پرچم حسنیه و پرچم آمویه و پرچم قیسیه در وقتی که باهم درگیر هستند سفیانی خروج می کند و همه را مانند علف درو می کند که مثل او دیده نشده است.^۲

خروج فردی از اولاد شیخ در نجف

● در روایتی طولانی از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: این امر واقع نمی شود تا از آل ابی سفیان فردی خروج کند و به مدت حمل زن حکومت کند و آن واقع نمی شود تا فردی از فرزندان شیخ خروج کند و او را در وسط نجف بکشند. به خدا قسم مثل این که سرنیزه ها و شمشیرها و اموال آنها را در میان یکی از منزل های نجف دارم می بینم که روز دوشنبه خروج می کنند و روز چهارشنبه کشته می شوند.^۳

۱. همان، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۲۷۰.

۳. همان، ص ۱۶۳، ح ۲۷۱.

خلاصه:

۱. خروج سفیانی از شام است.
۲. قبل از خروج سفیانی کسی که ادعای دیدار امام زمان را دارد تکذیب کنید.
۳. بنی عباس بعد از انقراض، دوباره به روی کار خواهند آمد؛ ولی بر سر قدرت باهم اختلاف می کنند و پراکنده می شدند. قدرت آنها ضعیف شده دیگران بر آنها چیره می شوند. در آن وقت است که سفیانی ظاهر می شود.
۴. سفیانی یکی از علایم پنج گانه حتمی ظهور امام است.
۵. درگیری بین دو مسجد مربوط به سفیانی رخ می دهد [مسجد مدینه و کوفه یا مسجد مکه و مدینه یا دو گروه مؤمنین که در روایات ما آمده است و یکی از علائم بسیار نزدیک ظهور می باشد،]
۶. جوانی را به ناحق در مدینه می کشند که بعضی به اشتباه می پندارند که نفس زکیه است.
۷. امر سفیانی حتمی است و باید واقع شود.
۸. فتنه ای بین اهل مشرق و مغرب واقع می شود، در آن هنگام سفیانی ظاهر می شود [به نظر می رسد ظهور نزدیک باشد. امروز می بینیم چگونه امریکا خود را به شرق رسانده و ایجاد تنش کرده است.]
۹. سفیانی با امام زمان در جنگ است.
۱۰. سفیانی در ماه رجب خروج می کند.
۱۱. سفیانی خبیث ترین مردم است.
۱۲. سفیانی اشقر، احمر و ازرق است. [رنگ صورت او سرخ و سفید و

چشم او آبی می باشد]

۱۳. از ترس سفیانی، مادر فرزند خود را زنده به گور می کند.
۱۴. سفیانی پنج شهر شامات را می گیرد: فلسطین، اردن، قنسرین، دمشق و حمص.
۱۵. هرگاه غربی ها وارد مصر شدند، یکی از نشانه های خروج سفیانی است.
۱۶. سفیانی، خراسانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می کنند.
۱۷. قبل از سفیانی، یمانی خروج می کند.
۱۸. در شام سه پرچم برافراشته می شود که یکی از آنها مربوط به سفیانی است.
۱۹. سفیانی از وادی یابس (اردن) می آید.
۲۰. سفیانی از اولاد عتبه فرزند ابوسفیان است.
۲۱. سفیانی که ظاهر شد، مهدی علیه السلام مخفی می شود.
۲۲. لشکر سفیانی در کوفه اردو می زند.
۲۳. سفیانی نه ماه یا هشت ماه حکومت می کند.
۲۴. سفیانی از مملکت روم - اروپا - می آید و اروپا او را کمک می کند.
- [غربی ها که امروز پرچم دار استکبار و استعمار هستند او را می فرستند.]
۲۵. سفیانی در گردن صلیب می آویزد.
۲۶. گروهی به نجف آمده می خواهند قبر امیرالمؤمنین را نبش کنند که

۱. (قنسرین) را در روایات دیگر به (حلب که یکی از شهرهای سوریه است نام برده اند)

سفیانی می‌رسد.

۲۷. مرگ او وقتی است که صورت و سینه در خورشید پیدا شود.
۲۸. سفیانی با کمک بنی ذنب الحمار (قبیله‌ای در اردن که از طرف مادر با سفیانی نسبت دارند. و آنها فرزند دایی او هستند) قیام می‌کند.
۲۹. سفیانی قبل از قیام در وادی رمله [اردن] می‌باشد.
۳۰. تعدادی از شیعیان آل محمد علیهم‌السلام، همراه سفیانی‌اند. [زیرا حرکت او شبیه به حق و گمراه کننده می‌باشد]
۳۱. بغداد فرو می‌رود و سفیانی خروج می‌کند.
۳۲. در میان بنی عباس اختلاف پیش می‌آید و خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب بر آنها خروج می‌کنند.
۳۳. قبل از قیام امام؛ قیام سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح می‌باشد.
۳۴. هلاکت عباسی، همزمان با خروج سفیانی است.
۳۵. خروج سفیانی و قیام قائم علیه‌السلام در یک سال است.
۳۶. وقتی تمام گروه‌ها و احزاب به صدا آمده و اظهار وجود کردند، سفیانی و یمانی ظاهر می‌شوند و حسنی به حرکت می‌افتد.
۳۷. قبل از سفیانی کسی است که در صنعا از بین می‌رود.
۳۸. اول تا آخر امر سفیانی پانزده ماه است.
۳۹. امر سفیانی موقوفه نیست؛ یعنی شاید واقع نشود.
۴۰. قبل از سفیانی، شیصبانی^۱ در کوفه سبز می‌شود و مهمان شما را

۱. شیصبانی یعنی بنی عباس

می‌کشد.

۴۱. سفیانی هنوز نیامده، زیرا بنی عباس باید دوباره بیایند و سفیانی بعد از آنهاست.

۴۲. جنگ سختی در قرقیسا^۱ واقع می‌شود که جوان پیر می‌شود و کشتار زیادی می‌شود، بعد سفیانی می‌آید.

۴۳. یمانی و سفیانی باهم خود را به کوفه می‌رسانند.

۴۴. سفیانی دو لشکر آماده می‌کند: یکی را به عراق و دیگری را به مدینه می‌فرستد.

۴۵. سفیانی خدا را عبادت نمی‌کند و مکه و مدینه را هم نخواهد دید.

۴۶. امام زمان کسی است که با سفیانی می‌جنگد.

۴۷. هم مواظب خود باش از دست سفیانی، هم مواظب کسانی که به مکه می‌آیند و خود را شبیه به مهدی علیه السلام می‌کنند تا تو را گمراه نکنند.

۴۸. وقتی شنیدید سفیانی خروج کرده خود را به ما برسانید.

۴۹. سفیانی که خروج کرد، مردها خود را مخفی کنند؛ ولی زنها ترسی نداشته باشند.

۵۰. وقتی سفیانی پنج شهر را گرفت به طرف مهدی علیه السلام فرار کنید.

۵۱. سفیانی با پرچم سرخ خروج می‌کند.

۵۲. فرمانده سپاه سفیانی مردی از قبیله بنی کلب^۲ می‌باشد.

۵۳. سفیانی دوازده هزار لشکر سواره تهیه می‌بیند و به طرف مدینه و

۱. مرز بین سوریه و عراق است.

۲. بنی کلب از قبائل عرب کوفه هستند «سفینه البحار».

مکه می فرستد.

۵۴. دجال از سجستان، مشرق ظهور می کند بعد سفیانی ظاهر می شود.

۵۵. خسف لشکر سفیانی وقتی است که حضرت قائم در مکه است.

۵۶. نایب امام در مکه مردم را دعوت به حق می کند، هنگام عزیمت به

سوی مدینه، در بیداء لشکر سفیانی را می بیند در آن هنگام لشکر سفیانی

خسف می شوند.

۵۷. امام زمان در کوفه فردی را به نیابت می گذارد، در این هنگام از

طرف سفیانی نامه می رسد اگر او را نکشید شما را خواهم کشت و اسیر

خواهم کرد.

۵۸. یاران مهدی علیه السلام کنار حضرت جمع هستند که لشکر سفیانی به بیداء

می رسد و خسف می شود.

۵۹. سفیانی در کوفه با حضرت جنگ می کند، او را در سوریه گرفته سر

می برند.

۶۰. حضرت مهدی علیه السلام لشکر سفیانی را فراری می دهد.

۶۱. مردم در کوفه جمع می شوند و با سفیانی بیعت می کنند.

۶۲. امام در نجف می باشند که سفیانی از کوفه با لشکرش راه می افتد.

۶۳. سرلشکر سفیانی در کوفه با امام زمان به طور خصوصی، ملاقات و

بیعت می کند؛ ولی بعداً بیعت را می شکنند و با امام جنگ می کند و خود و

همراهانش همه کشته می شوند.

۶۴. فردی که از لشکر سفیانی نجات یافته در مکه خود را به حضرت

مهدی علیه السلام معرفی می کند و فردی دیگر از لشکر سفیانی که از خسف نجات

یافته، خود را در شام به سفیانی می‌رساند و خبر از بین رفتن لشکر را به او می‌دهد.

۶۵. امام به دمشق لشکر فرستاده سفیانی را گرفته سرش را روی سنگ می‌برند، بعد امام حسین علیه السلام رجعت می‌کند.

۶۶. سفیانی با پرچم سبز و صلیب طلا خروج می‌کند.

۶۷. سفیانی یکصد و سی هزار لشکر به کوفه می‌فرستد.

۶۸. وقتی چین و شوروی از بین رفتند، حکومت عباسی هم از بین می‌رود و با سفیانی بیعت خواهند کرد. خدا به حضرت مهدی علیه السلام اذن می‌دهد که قیام کند. ندایی شیطانی از زمین بلند می‌شود که حق با عثمان - سفیانی - و یارانش است.

۶۹. قبل از سفیانی هر کس قیام کند شکست می‌خورد.

۷۰. سفیانی بیشتر از بیست هزار لشکر تهیه دیده که آنها می‌گویند ما احتیاجی به فرزندان علی علیه السلام نداریم.

۷۱. امام رضا علیه السلام فرمود: قیام حق واقع نمی‌شود مگر بعد از وقوع جنگ میان اهل حرمین و آمدن پرچم‌های سیاه از مشرق و خروج سفیانی.

۷۲. ابن آكلة الاکباد^۱ (سفیانی) مردی است که از وادی یابس (اردن) می‌آید. صورتی درشت و خشن دارد، چانه‌اش بزرگ و صورتش به گونه‌ای است که وقتی او را می‌بینی خیال می‌کنی چشم او چپ است. اسم او عثمان و اسم پدرش عنبسه و از اولاد ابوسفیان می‌باشد. حرکت می‌کند

۱. یعنی فرزند جگرخوار و این نام را از آن رو به او داده‌اند که سفیانی از فرزندان «هند» همسر ابوسفیان می‌باشد و هند جگر حضرت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله را از سینه درآورده و خورد.

تا به سرزمین قرار و معین که شام باشد می آید و بر اریکه قدرت تکیه می زند.

نشانه دوم: ندای آسمانی

منظور از ندا و صیحه آسمانی، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان شنیده می شود. در روایات، تعبیرهای «نداء»، «فزع» و «صوت» نیز به کار رفته که به نظر می رسد تعبیرهای گوناگون از یک حادثه و یا دست کم، اشکال گوناگون یک حادثه باشند.^۱ یعنی به اعتبار این که صدای عظیم بیدار باشی است که همه را متوجه خود می کند و نیز موجب وحشت عمومی و ایجاد دلهره و اضطراب می گردد به آن صیحه، فزع، صوت و ندا می گویند که هر یک بیانگر ویژگی خاصی از آن حادثه است.

اطاعت او واجب است

● روایت شده که صدایی از آسمان می آید که اسم مهدی علیه السلام را می برد و می گوید: اطاعت از او واجب است.^۲

۱. ر. ک: نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۲، حدیث ۷۰.

سه ندا در ماه رجب

● محمد بن حنفیه می گوید از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: خدا می فرماید: «لا تحزبن کل رعبه و انت بطاعة امام لیس منی و ان کانت...».

«عذاب خواهم کرد هر کسی را که از رهبری اطاعت کند که از طرف من معرفی نشده باشد؛ هر چند او نیکوکار و پرهیزکار باشد و رحم خواهد کرد بر هر کسی که بر خود لازم بداند اطاعت رهبر عادل را که از طرف من معرفی شده باشد؛ هر چند نیکوکار و پرهیزگار نباشد»
و بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من فرمود:

یا علی رهبری و جانشینی من بعد از من از آن تو خواهد بود جنگ با تو جنگ با من و صلح با تو صلح با من است، تو پدر دو فرزند من و شوهر دختر من و ائمه و رهبران طاهر و معصوم است، همه از فرزندان تو هستند، من سید انبیا و تو سید اوصیا هستی من و تو از یک درخت هستیم [و یک ریشه داریم] اگر ما نبودیم خدا بهشت و جهنم و انبیا و ملائکه را خلق نمی کرد. به پیامبر عرض کردم: آیا ما افضل از ملائکه هستیم؟! فرمود: بله، ما از ملائکه افضلیم و فرمود یا علی ما بهترین خلق خدا بر روی زمینیم و از ملائکه مقرب خدا هم بهتریم، چگونه ما بهتر از آنها نباشیم در حالی که ما در معرفت خدا و توحید او از همه مقدم بوده ایم و همه مخلوقات خدا، به واسطه ما راه به معرفت خدا پیدا کردند، یا علی، تو از من هستی و من از تو و تو برادر و وزیر من می باشی؛ ولی وقتی من از دنیا رفتم کینه و دشمنی که از تو در دل دارند ظاهر می شود و بعد از من فتنه ای مبهم که پناهگاه و راه فراری برای آن نیست رُخ می دهد و آن در وقتی است که پنجمین از

هفتمین فرزند تو غائب شود، آسمان و زمین از غیبت او محزون می شوند و تمام زن و مرد مؤمن از غیبت او در رنج و گرفتاری و حیرت می باشند، بعد از این که حضرت سر مبارک را به زیر انداخته سر را بلند فرمودند و گفتند: پدر و مادرم فدایش باد که اسم او اسم من، و صورتش شبیه به صورت من و بسیار شبیه به موسی بن عمران می باشد، او معدن نور است و نورانیت او از عالم قدس است.

و می بینم وقتی که همه مایوس شده اند، ندایی از آسمان بلند می شود که دور و نزدیک، یکسان می شنوند و آن صدا رحمت برای مؤمنین و عذاب برای منافقین است، امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: سؤال کردم: آن صدا چگونه است؟ حضرت فرمود: سه ندا در ماه رجب می آید، اولی می گوید: «الا لعنة الله على الظالمين»^۱ صدای دوم می گوید: «ازفت الازفه»^۲ و صدای سوم در حالی که بدنی در قرص خورشید نمایان شده می گوید: متوجه باشید که خداوند تبارک و تعالی، فلانی فرزند فلانی را مبعوث فرمود - یعنی مهدی علیه السلام را نام می برد و نام پدران او را می برد تا امیرالمؤمنین علیه السلام - که در آن صدا هلاکت ظالمین می باشد. در آن وقت است که فرج می رسد و خدا دل های مؤمن را شفا می دهد و می فرماید: «یذهب غیظ قلوبهم».

حضرت علی علیه السلام می گوید: عرض کردم: یا رسول الله! امام بعد از من چند نفرند؟ فرمود: بعد از حسین علیه السلام نه نفرند که نُه می آنها قائم خواهد بود.^۳

۱. سوره هود، آیه ۶۸.

۲. سوره نجم، آیه ۵۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱؛ کتاب طرائف، ج ۱، ص ۲۱۱.

ندا در شب بیست و سوم ماه رمضان

● ابی بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، چه وقت امام زمان خروج می فرمایند؟ فرمود: ای ابابصیر! ما اهل بیتی هستیم که وقت تعیین نمی کنیم؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس وقت معین کند دروغگو است؛ ولی بدان که قبل از قیام قائم علیه السلام پنج علامت است: اول آنها صدایی است که در ماه رمضان بلند می شود، دوم خروج سفیانی، سوم خروج خراسانی، چهارم قتل نفس زکیه و پنجم خسف در بیداء است.

بدان که قبل از قیام، دو گونه طاعون و مرگ در میان خلق واقع می شود: مرگ سفید و مرگ سرخ، سؤال کردم مرگ سفید و سرخ کدام است؟ فرمودند: مرگ سفید، گرسنگی و قحطی و مرگ سرخ، جنگ و کشتار می باشد.

و امام زمان قیام نمی کند، مگر این که از میان آسمان در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان او را به اسم و اسم پدرش فریاد بزنند و بگویند: فلانی فرزند فلانی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است بشنوید و اطاعت کنید. هیچ صاحب روحی نمی ماند، مگر این که آن صدا را می شنود. اگر خواب باشد، بیدار می شود، اگر نشسته باشد، می ایستد و از منزل بیرون می آید و از رعب آن صدا زنان از منزل بدون حجاب بیرون می دوند - تا ببینند چه خبر شده است و آن صدای جبرائیل است، امام زمان آن صدا را که می شنود قیام می فرماید.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸.

آرام باش تا زمین و آسمان آرام است

● حسین بن خالد می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: روایتی از عبدالله بن بکیر شنیده‌ام، دوست دارم به شما بگویم و بدانم شما تصدیق می فرمایید؟ حضرت فرمودند: بگو بشنوم، عرض کردم: ابن بکیر گفت: عبید بن زراره به من گفته است: من خدمت امام صادق علیه السلام بودم، در زمانی که محمد بن عبدالله بن حسن علیه السلام قیام کرده بود که یکی از شیعیان وارد مجلس شد و گفت: فدایت شوم، محمد بن عبدالله خروج کرده و مردم دور او را گرفته‌اند که شما چه می فرمایید؟ آیا او را یاری کنیم؟ حضرت فرمود: آرام باشید تا آسمان و زمین آرام است. عبدالله بکیر بعد از نقل آن روایت می گوید: اگر آرام باشیم تا آسمان و زمین آرام است، چون همیشه آسمان و زمین آرام خواهد بود دیگر هرگز قیامی نخواهد بود و قائمی نمی باشد؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: امام صادق علیه السلام درست فرموده‌اند و عبدالله بکیر غلط معنا می کند. امام صادق علیه السلام می فرمایند: آرام باش تا آسمان از ندا و زمین از خسف آرام است؛ یعنی قیام نکنید تا امام قائم ظهور کند.^۱

دو ندا در صبح و عصر

● ابن محبوب از ثمالی نقل می کند که می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام باقر علیه السلام می فرمودند: خروج سفیانی حتمی است، شما چه می فرمایید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: بله درست است و اختلاف بنی عباس

هم حتمی است، قتل نفس زکیه هم حتمی است، خروج امام قائم علیه السلام هم حتمی است، سؤال کردم: ندا چگونه است؟ فرمود: اول صبح از آسمان صدا بلند می شود که حق با علی و شیعیان علی علیه السلام است و در آخر روز، ابلیس فریاد می زند که حق با سفیانی و پیروان اوست، در آن وقت است که هر کس که اهل باطل باشد گمراه می شود.^۱

● زراره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: منادی به اسم امام زمان علیه السلام فریاد می کند، سؤال کردم: آیا آن صدا عام است و همه می شنوند؟ فرمود: بله، عام است، همگی می شنوند و هر کس به زبان خود می شنود. سؤال کردم: پس دیگر نباید کسی با امام زمان مخالفت کند؛ زیرا همه آن معجزه را که نامش را از آسمان برده اند می بینند، فرمود: شیطان آنها را رها نمی کند تا این که در آخر شب فریاد می زند و نام دیگری را می برد، در آن هنگام است که مردم به شک افتاده گمراه می شوند.^۲

ای اهل حق و باطل جدا شوید

عجلان ابی صالح می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: زمانی می رسد که منادی از آسمان فریاد می زند: ای اهل حق و ای اهل باطل از هم دیگر جدا و ممتاز شوید و در آن وقت هر اهل حقی که در میان لشکر و جمعیت باطل باشد، بیرون می آید و هر اهل باطلی که در میان لشکر حق باشد، بیرون می آید.

۱. همان، ص ۳۰۶، ح ۴۰.

۲. همان، ص ۲۰۵، ح ۳۵.

سؤال کردم: آیا باز هم بعد از آن صدای معجزه آسا، مخلوط می مانند؟ فرمود: نه؛ زیرا در قرآن آمده است: ﴿ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب﴾^۱ خدا شما را همین گونه رها نمی کند تا این که خبیث را از پاکیزه جدا کند.^۲

● ابان بن تغلب می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: عمر دنیا تمام نمی شود تا این که فریادی از آسمان بلند شود: ای اهل حق جمع شوید و همه در جایگاه صاف جمع می شوند و فریادی دوباره بلند می شود که: ای اهل باطل جمع شوید و همه آنها در جایگاهی صاف جمع می شوند، سؤال کردم: آیا این گروه می تواند داخل آن گروه شود؟ حضرت فرمود: نه، به خدا قسم و این معنای این آیه است که می فرماید: ﴿ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب﴾^۳

فزع در ماه رمضان

● عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: ندا حتمی است، سفیانی حتمی است، قتل نفس زکیه حتمی است، پیدا شدن کف دست از آسمان حتمی است و فزعی در ماه رمضان ایجاد می شود که هر خوابی را بیدار و بیداری را هراسان و زنان از منزل بدون حجاب بیرون خواهند دوید.^۴

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲، ح ۸۶.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، ح ۹۸.

ندا حق است

● زراره می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ندای آسمانی درست است؟ فرمود: آری، به خدا قسم آن صدا به گونه‌ای است که هر کس به زبان خود آن را می‌شنود.

حضرت فرمود: آن واقع نمی‌شود، مگر این که هشت دهم مردم از میان بروند.^۱

اعتقاد شیعه به ندای آسمانی

● ابن محبوب از عبدالله بن سنان نقل می‌کند: نزد امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان همدان گفت: اهل سنت ما را سرزنش می‌کنند و می‌گویند شما شیعیان خیال می‌کنید که منادی از آسمان به اسم صاحب این امر صدا می‌زند.

امام صادق علیه السلام تکیه داده بودند، ناراحت شده و نشستند و فرمودند: این روایت را از من نگویند، بلکه از پدرم نقل کنید. من خودم از پدرم شنیدم که می‌فرمود: به خدا قسم در قرآن آمده است: ان نشأ نزل... در آن وقت هیچ کس روی زمین نیست، مگر این که خاضع می‌شود و آن صدا او را سر به زیر می‌کند و همه روی زمین به آن صدا مؤمن می‌شوند و آن صدا می‌گوید: آگاه باشید که حق با علی بن ابی طالب و شیعیان اوست و فردای آن روز شیطان در میان هوا مخفی شده فریاد می‌زند: متوجه باشید که حق با عثمان بن عفان و شیعیان او است، او مظلوم کشته شده است، خون او را

۱. همان، ص ۲۴۴، ح ۱۲۰.

طلب کنید. در آن وقت است که «یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت»؛ یعنی خدا کسانی که ایمان آورده‌اند ثابت قدم می‌دارد به صدای اول و خدا گمراه می‌کند «الذین فی قلوبهم مرض» کسانی را که دل آنها مریض است به صدای دوم، به خدا قسم مرضی که در قرآن آمده است، همان دشمنی ما اهل بیت می‌باشد.

در صدای دوم از ما تبرئه و بیزاری می‌جویند و می‌گویند: صدای اول سحری از سحرهای اهل بیت نبوت می‌باشد و حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «وان یرو آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر»^۱.

ندا و خضوع گردن‌ها

● فضیل بن محمد می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: ندای اول که از آسمان به اسم قائم می‌آید در قرآن است. عرض کردم: کدام آیه می‌باشد؟ فرمودند: آیه «طسم تلك آیات الكتاب المبین» تا این که «ان نشأ نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین»^۲.

یعنی: هر وقت بخواهیم آیه‌ای از آسمان نازل می‌کنیم تا گردن‌های آنها را در مقابل آن خاضع کنیم.

بعد فرمود: وقتی مردم عالم، صدا را می‌شنوند؛ مثل کسی که مرغ بر سرش نشسته باشد دیگر نمی‌توانند حرکتی بکنند.^۳

۱. همان، ص ۲۹۲، ح ۴۰.

۲. سوره شعراء، آیه ۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۳، ح ۴۱.

آذربایجان، ندا و خسف

● ابی بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی عباسی بر منبر مروانی بالا رفت، حکومت بنی عباس شروع شده است.
 پدرم، امام باقر علیه السلام به من فرمود: حتماً آذربایجان به دامن ما برمی گردد. چیزی جلوگیری آن نیست اگر آذربایجان هم برای ما شد، مثل زیلو در منزل خود آرام باشید تا نشسته ایم، نشسته باشید و مواظب ندای آسمانی و خسف در بیداء باشید.

دو علامت، دلیل حرکت حضرت مهدی علیه السلام است و وقتی او حرکت کرد، شما هم حرکت کرده بطرف او بروید؛ هر چند با پای پیاده مثل این که دارم او را می بینم که بین رکن و مقام با مردم به کتاب جدید بیعت می کند و آن روز بر عرب بسیار سخت و دشوار است، وای بر عرب از شری که به آنها نزدیک شده است.^۱

پس از ندا و خسف

گمراهی از کجاست؟!

● زراره می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ندای آسمانی و خسف در بیداء معجزه ای روشن است، چرا مردم با دیدن آن تسلیم نمی شوند و امام با آنها می جنگد؟ یعنی آن نشانه ها باید باعث تسلیم شدن مردم گردد و احتیاجی به جنگ نباشد.

حضرت فرمود: شیطان رها نمی کند تا این که صدا می زند و ایجاد

شک

کرده، مردم را گمراه می‌کند، همان‌گونه که در پیمان عقبه شیطان فریاد زد و مردم را گمراه کرد.^۱

● راوی می‌گوید: زیر خیمه خدمت امام باقر علیه السلام نشسته بودیم که حضرت پرده خیمه را به کناری زده آفتاب به داخل خیمه تابید، حضرت فرمود: امر ما روشن‌تر از این آفتاب است، بعد حضرت فرمود: منادی از آسمان فریاد می‌زند و می‌گوید: فلانی پسر فلانی، (نام او و پدرش را می‌برد) امام است و ابلیس از زمین فریاد می‌زند؛ همان‌گونه که شیطان در عقبه بر خلاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صدا زد.^۲

شناخت حق از باطل

هشام می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حریر برادر اسحاق می‌گوید: شما که می‌گویید دو صدا هست: یکی باطل و دیگری حق، ما حق را چگونه از باطل بشناسیم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: به او بگویید کسی که این خبر را به ما داد گفت: تو قبول نخواهی کرد که این قضیه واقع خواهد شد.^۳

هشام می‌گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود: دو صیحه است، صیحه‌ای در اول شب و صیحه‌ای در آخر شب دوم، پرسیدم: چگونه؟

۱. همان، ص ۲۹۵، ح ۴۷.

۲. همان، ص ۲۰۴.

۳. همان، ح ۴۸.

فرمود: یکی از آسمان است و دیگری از ابلیس، پرسیدم: چگونه می توان این دو را از هم تشخیص داد؟ فرمود: کسی می تواند تشخیص دهد که قبلاً شنیده و به آن ایمان داشته باشد؟

● عبدالرحمن بن مسلمه گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم ما را سرزنش می کنند و می گویند: از کجا ندای حق و باطل از هم شناخته می شود؟ فرمود: به آنها بگویید: حق را از باطل کسی تشخیص می دهد که قبلاً به این حرف ایمان آورده باشد. خدا می فرماید: «أفمن يهدى الى الحق احق أن يتبع أمن لا يهدى الا أن يُهدى فما لكم كيف تحكمون»^۱.

شیعه علی علیه السلام رستگار است

محمد بن علی حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: اختلاف بنی عباس حتمی است، ندا حتمی است، خروج قائم حتمی است، سؤال کردم: ندا چگونه است؟ فرمود: اول صبح منادی از آسمان صدا می زند که: علی علیه السلام و شیعیان او رستگارند و در آخر همان روز فریادی بلند می شود که: عثمان و پیروان او رستگارند.^۲

● زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: منادی از آسمان صدا می زند که فلان شخص امیر است و منادی صدا می زند که علی علیه السلام و شیعیان او رستگارند، عرض کردم، بعد از دیدن چنین معجزه ای دیگر چه کسی جرأت می کند با امام بجنگد؟ حضرت فرمود: شیطان فریاد

۱. سوره یونس، آیه ۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵، ح ۷۵.

می‌زند که فلانی و پیروان او رستگارند و نام مردی از بنی‌امیه را می‌برد.
عرض کردم: چگونه می‌توان درست را از نادرست تشخیص داد؟
فرمود: کسی که قبلاً می‌دانسته دو صدا است، در آن وقت می‌داند که اولی
بر حق و دومی باطل است - کدام حق و کدام صادق است.^۱

فریاد منادی: این مهدی علیه السلام آل محمد صلی الله علیه و آله است

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام سؤال و پاسخ‌هایی نقل می‌کند تا
می‌رسد به این جا که وقتی خورشید طلوع کرد و هوا روشن شد، فریادکشی
از طرف قرص خورشید به زبان عربی فریاد می‌زند که همه آسمان‌ها و
زمین‌ها می‌شنوند و می‌گویند: ای خلائق! این مهدی علیه السلام آل محمد است و
او را با نام و کنیه که نام و کنیه جدش است می‌خواند و اسم یک یک پدران
او را از امام حسن عسکری علیه السلام تا امام حسین علیه السلام می‌برد و می‌گوید: با او
بیعت کنید تا هدایت گردید و مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد. اولین
کسانی که دست او را بوسیده و با او بیعت می‌کنند ملائکه هستند و بعد اجنه
و بعد نقبا و می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و نمی‌ماند هیچ گوشی،
مگر آن که آن ندا را می‌شنود و خلق‌الله از نزدیک و دور، چه در خشکی
و دریا، آن صدا را همه شنیده به هم‌دیگر گزارش می‌دهند. وقتی نزدیک
غروب خورشید می‌شود، فریادکننده‌ای از طرف مغرب خورشید فریاد
می‌زند که: ای خلق‌الله! ارباب شما از وادی یابس در سرزمین فلسطین
ظاهر شده است و او عثمان بن عنبسه اموی از دودمان یزید بن معاویه

۱. همان، ص ۲۹۴، ح ۴۶.

است، با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد و همه ملائکه و اجنه و نقباء، حرف او را ردّ می‌کنند و او را تکذیب می‌کنند و می‌گویند: شنیدیم و نپذیرفتیم و در این وقت همه منافقان و کافران و شکاکان به صدای دوم منحرف می‌شوند.^۱

مهدی علیه السلام خلیفه الله

● عبدالله بن عمر گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام خروج می‌کند و بالای سر او ابری است که از میان آن صدا بلند می‌شود: این مهدی علیه السلام خلیفه الله است او را اطاعت کنید.^۲

فتنه در شام و ندای منادی

● جابر می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! امام قائم علیه السلام ظاهر نمی‌شود تا این که در شام فتنه‌ای بلند شود که مردم هر چه تلاش می‌کنند نمی‌توانند از آن خارج شوند و کشتاری بین کوفه و حیره واقع می‌شود که کشته‌های آنها یک سان است، در آن وقت است که منادی از آسمان صدا می‌زند.^۳

فرج در ندایی است که از دمشق می‌آید

● امام باقر علیه السلام فرمود: منتظر صدایی باشید که ناگهان از دمشق بلند

۱. همان، ج ۵۳، ص ۷، ح ۱.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۸۱.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۲۹۸، ح ۵۷.

می شود و در آن فرجی عظیم خواهد بود.^۱

شنیدن ندا در مشرق و مغرب عالم

● محمد بن مسلم می گوید: منادی از آسمان فریاد می زند به اسم امام زمان که شرق و غرب عالم می شنوند، از رعب آن صدا هیچ نشسته‌ای نیست، مگر می ایستد و هیچ ایستاده‌ای نیست مگر این که بنشیند و هیچ خوابی نیست مگر بیدار شود و آن فریاد، صدای جبرئیل است.^۲

جنگ بس است

● عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که: مرگ و کشتار، مردم را فرا می گیرد تا این که از شدت کشتار به حرم پناه می برند، منادی به صدای حق فریاد می زند: کشتار بس است، فلانی صاحب زمان شماست.^۳

پایان حکومت ظالمین

● حذیفه می گوید: از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هنگام خروج قائم که رسید منادی از آسمان فریاد می زند: ای مردم! مدت حکومت جبارین به پایان رسید، حکومت به دست بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله افتاده است، خود را در مکه به او برسانید در آن وقت نجبای مصر، ابدال شام، گروهی از اهل عراق که راهبان شب و شیران روز هستند و دل‌هاشان

۱. همان، ح ۵۸.

۲. همان، ص ۲۹۰، ح ۳۲.

۳. همان، ص ۲۹۶.

مثل آهن محکم است، ما بین رکن و مقام با او بیعت می کنند.^۱

● عمران بن حصین می گوید: به پیامبر ﷺ عرض کردم: از مهدی ﷺ برای ما بگویید، حضرت فرمود: او از اولاد امام حسین ﷺ است، مثل مردان [مصری] لباس می پوشد که دو عبای قطوانسی [عبایی است که منسوب به آن جاست] بر دوش دارد، هم اسم من است، وقتی ظاهر شود، پرندگان در لانه شان از خوشحالی پرپر می زنند و ماهی در دریا جست و خیز می کند، نهرها پر آب می شود، چشمه ها جوشان می گردند و زمین دو برابر مقدار لازم سبز می شود. جبرئیل افسار مرکب حضرت را در دست دارد و اسرافیل پشت سر مرکب حضرت راه می رود و حضرت مهدی ﷺ زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.^۲

دعوت نداء، به بیعت با مهدی ﷺ

● حسین بن خالد می گوید: امام رضا ﷺ فرمود: دین ندارد کسی که ورع ندارد، ایمان ندارد کسی که تقیه ندارد. بهترین شما نزد خدا کسی است که قبل از خروج قائم آل محمد ﷺ به تقیه بهتر عمل کند. هر کس تقیه را قبل از خروج امام زمان ﷺ ترک کند از ما نخواهد بود.

فردی گفت: ای پسر پیامبر اکرم ﷺ! قائم شما از چه اهل بیت و خانواده ای است؟ فرمود: چهارمین فرزند من که او پسر خانم کنیزان عالم

۱. همان، ص ۳۰۴، ح ۷۳.

۲. همان، ص ۳۰۴.

است - حضرت نرجس - که خدا به واسطه او زمین را از هر گونه جور پاک و از هر ستمی منزّه می‌دارد و او کسی است که مردم در تولد او شک می‌کنند و او قبل از خروجش غیبتی طولانی دارد، وقتی قیام کرد اشرققت الارض بنور ربها^۱ می‌شود.

میزان عدالت در میان مردم می‌گذارد و دیگر هیچ کس به کسی ظلم نمی‌کند و زمین در تحت فرمان اوست و بدن مبارکش سایه ندارد و او کسی است که منادی از آسمان او را به اسم، و نیز به اسم پدرش می‌خواند که تمام روی زمین صدای آن ندا را می‌شنوند که می‌گوید: ای مردم! حجت خدا در کنار کعبه ظاهر شده است از او تبعیت کنید که حق در او و با اوست و این است معنای آیه «ان نشأ نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعين»^۲.

او مهدی خلیفة الله است

در روایتی علی علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از این که یک یک ائمه را نام برده، فرمودند: امام آنها غایب می‌شود و او دو غیبت دارد که یکی بلندتر از دیگری است.

بعد به ما توجه کرده و با صدای بلند فرمود: مواظب باشید، مواظب باشید وقتی که پنجمین فرزند از هفتمین فرزند من غائب شود.

حضرت علی علیه السلام گفت: من عرض کردم: او در غیبتش چه می‌کند؟

۱. یعنی زمین به نور پروردگار روشن می‌شود.

۲. یعنی اگر بخواهیم از آسمان نشانه‌ای به آنها می‌نمایانیم تا همه سرها به زیر بیاید و متواضع شوند.

فرمود: صبر می‌کند تا خدا اجازه خروج بدهد سپس، از قریه کرعه یمن قیام می‌کند در حالی که عمامه مرا بر سر دارد و زره مرا پوشیده و شمشیر مرا در دست گرفته است و منادی فریاد می‌زند این مهدی علیه السلام خلیفه الله است، اطاعت کنید که او زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است و آن در وقتی است که دنیا در هرج و مرج است و یک دیگر را غارت می‌کنند. بزرگ تر به کوچک تر رحم نمی‌کند و قوی به ضعیف نیز رحم ندارد، در آن وقت است که خدا به او اذن قیام می‌دهد.^۱

هنگامه برخاستن صدا

● محمد بن حنفیه در روایتی بلند می‌گوید: ... برای بنی عباس در دنیا حکومتی است قوی و طولانی، وقتی ایمان به قدرت خود آورده مطمئن شدند که دیگر از بین نخواهند رفت، صیحه‌ای بلند می‌شود که آنها را متفرق می‌کند و دیگر کسی نیست که آنها را جمع کند و رهبری نخواهند داشت که گرد آن جمع شوند و این مطلب را قرآن بیان فرموده است: «حتی اذا أخذت الارض زخرفها و ازینت و ظن اهلها انهم قادرون علیها اتاها امرنا لیلاً او نهاراً فجعلناها حصیداً کأن لم تغن بالامس كذلك نفصل الآیات لقوم یتفکرون».^۲

یعنی زمین زیبایی خود را بروز می‌دهد و اهل دنیا گمان می‌کنند که

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹، ح ۱۸۹.

۲. سوره یونس، آیه ۲۴.

قدرتمند شده‌اند امر ما شب یا روزی می‌رسد [که مرگ باشد] و همه خاموش می‌شوند؛ مثل این‌که هرگز زنده نبوده‌اند. ما آیات خود را این‌گونه توضیح می‌دهیم برای کسانی که فکر می‌کنند.

عرض کردم: فدایت شوم آیا وقت و تاریخی دارد؟ فرمود: نه؛ زیرا علم خدا غالب بر علم کسانی است که وقت تعیین می‌کنند و خدا به موسی علیه السلام وعده سی شب داد ولی آن میقات را چهل روزه تمام کرد که نه موسی علیه السلام می‌دانست و نه بنی اسرائیل، وقتی از آن وعده سی شب گذشت گفتند: موسی علیه السلام ما را گول زده است، لذا عبادت گوساله کردند.

ولی بدان، هر وقت احتیاج مردم زیاد شد و مردم در وقت گرفتاری یک‌دیگر را شناختند، منتظر باش که شب و روزی امر خدا می‌رسد و امام زمان ظاهر می‌گردد.^۱

شک نکنید که صدای اول مربوط به جبرئیل است

● ابی‌بصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی دیدید آتشی عظیم و گرد مانند از طرف مشرق سه شبانه روز یا هفت شبانه روز پیدا شد، منتظر فرج آل محمد علیهم السلام باشید ان شاء الله. ان الله عزیز حکیم.

و سپس فرمود: صیحه و ندا نیست مگر در ماه رمضان که آن صدای جبرئیل است و بعد حضرت فرمود: منادی صدا می‌زند از آسمان به اسم قائم علیه السلام که شرق و غرب عالم می‌شنوند و از شدت و رعب و وحشت آن صدا، هیچ خوابی نیست، مگر این که بیدار شود، هیچ ایستاده‌ای نیست،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴.

مگر این که بنشیند و هیچ نشسته‌ای نیست، مگر برپا می‌ایستد. خدا رحمت کند کسی را که آن صدا را شنید و فهمید چه خبر است و آن صدا را شنید و اطاعت کرد. صدای اول فریاد جبرئیل روح الامین است.

حضرت فرمود: صدا در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان است، شک به خود راه ندهید، بشنوید و اطاعت کنید.

ولی در آخر همان روز، ابلیس فریاد می‌زند: ای مردم! فلانی - عثمان - مظلوم کشته شده است برای این که مردم را به شک بیندازد و مردم امتحان شوند و چه بسیار مردمی که به آن صدا گول خورده و متحیر می‌شوند و گرفتار آتش جهنم می‌شوند، وقتی صدایی را در ماه رمضان شنیدید شک نکنید آن صدای جبرئیل است و علامت حق بودن آن این است که نام قائم علیه السلام و اسم پدر او را می‌برد. همه می‌شنوند، دختران در خانه می‌شنوند، می‌خواهند از منزل بیرون بیایند و ببینند چه خبر است که پدر و برادرها جلوگیری می‌کنند.

حضرت فرمود: حتماً این دو صدا قبل از قیام امام خواهد آمد: صدایی از آسمان و آن صدای جبرئیل است و صدایی از زمین و آن صدای ابلیس ملعون می‌باشد که صدا می‌زند: فلانی - عثمان - مظلوم کشته شده و می‌خواهد فتنه درست کند. از صدای اول متابعت کنید. مواظب باشید صدای اخیر شما را حیران و گمراه نکند.

حضرت فرمود: قائم آل محمد علیه السلام خروج نمی‌کند، مگر وقتی که مردم سخت در هراس و نگرانی باشند و در فتنه، بلا و زلزله گرفتار باشند و طاعون و جنگ بین عرب افتاده باشد و مردم در اختلافی شدید و تشتت

در دین و تغییر در حال گرفتار باشند. مردم از سختی روزگار و بدی زمان هم‌دیگر را می‌خورند و روز و شب آرزوی مرگ می‌کنند. خروج امام وقتی است که مردم از فرج مایوس و ناامید هستند، خوشا به حال کسی که امام را درک کند و از یاوران او باشد و وای به حال کسی که او را انکار کند و با او مخالفت کند و امر او را اطاعت نکند و از دشمنان او باشد.

حضرت فرمود: او به امری جدید و کتاب و روش و قضاوتی تازه قیام می‌فرماید.

آن روز بر عرب بسیار سخت است؛ زیرا فقط با شمشیر و مرگ سرو کار دارند. کسی حریف او نمی‌شود و در راه خدا از هیچ ملامتی پاک ندارد و بعد حضرت فرمود: وقتی بنی‌عباس باهم اختلاف کردند در آن وقت منتظر فرج باشید و فرج شما نیست، مگر در اختلاف بنی‌عباس، وقتی اختلاف کردند منتظر ندای آسمانی در ماه رمضان باشید که خروج امام را خبر می‌دهد ﴿ان الله یفعل ما یشاء﴾ و حضرت قائم خروج نمی‌کند و آن چه شما دوست دارید نمی‌بینید تا این که بنی‌عباس باهم اختلاف کنند. وقتی باهم اختلاف کردند مردم به آنها طمع می‌کنند و اختلاف کلمه آنها باعث می‌شود که سفیانی خروج کند و فرمودند: حتماً بنی‌عباس قدرت به دست می‌آورند، وقتی حاکم شدند بعد اختلاف پیدا کردند و تفرقه و تشتت امر در آنها پیدا شد، خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب خود را به کوفه می‌رسانند. این از مشرق و دیگری از مغرب پیدا می‌شوند تا این که هلاکت بنی‌عباس به دست آنهاست و چیزی از آنها باقی نمی‌ماند.

بعد حضرت فرمود: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و

یک ماه و یک روز و پشت سر هم مرتب واقع می شود و سختی و بلا از هر طرف می بارد. وای به حال کسی که با آنها برخورد کند و هیچ پرچمی پُر هدایت تر از پرچم یمانی نیست. پرچم او پرچم هدایت است؛ زیرا او شما را به امام زمان دعوت می کند. وقتی یمانی خروج کرد فروش اسلحه حرام است، وقتی یمانی خروج کرد به سوی او بروید؛ زیرا پرچم او هدایت است و بر مسلمان حلال نیست که با او همراهی نکنند و اگر همراهی نکنند جهنمی خواهند شد؛ زیرا او دعوت به حق و به راه راست هدایت می کند. بعد حضرت به من فرمود: حکومت بنی عباس مثل شکستن شیشه است، مثل کسی که شیشه ای در دست دارد از دستش افتاده می شکند همه چیز را یک باره از دست می دهند و یک آه گفتن خرج آن می کنند و این گونه است که از خطری که در پیش رو دارند غافل می شوند، از این روست که به آن روز می افتند؟^۱

شیطان آخر روز از زمین ندا می کند

ثمالی می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: ندا چگونه است؟ حضرت فرمود: اول صبح منادی در آسمان صدا می زند: متوجه باشید که حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست و در آخر آن روز شیطان از زمین صدا می زند که: حق با سفیانی و شیعیان او می باشد در این وقت است که هر کس در دلش باطل باشد گمراه می شود.

خلاصه:

۱. در ماه رجب سه ندا می آید: ۱. لعنت خدا بر ظالمین ۲. قیام حق سایه افکند ۳. با ظاهر شدن بدنی در قرص خورشید، صدا بلند می شود که خدا فلانی فرزند فلانی را مبعوث فرمود - مقصود حضرت مهدی علیه السلام است.
۲. پنج علامت برای قیام است؛ اولی آنها ندا در ماه رمضان است.
۳. آرام باش تا آسمان از ندا و زمین از خسف آرام است.
۴. ندا به اسم حضرت مهدی علیه السلام بلند می شود.
۵. اول صبح منادی از آسمان فریاد می زند که حق با علی و شیعیان اوست و بعد ابلیسی در آخر روز فریاد می زند حق با سفیانی و پیروان او می باشد و در این وقت است که اهل باطل گمراه می شوند.
۶. به واسطه ندا، خبیث از طیب، جدا می شود.
۷. ندا حتمی است و آن فرعی است در ماه رمضان که از آن خوابیده، بیدار و بیدار هیجان زده می شود.
۸. ندا، حق است و هر قومی به زبان خود می شنود و این بعد از بین رفتن نه دهم مردم واقع می شود.
۹. ندای اول حق و برای تثبیت مؤمنین است و ندای دوم برای گمراهی کسانی است که قلب آنها مریض است و آنها دشمن ما اهل بیت هستند.
۱۰. ندای اول از آسمان و به اسم قائم است و آیه *«ان نشأ نزل...»* به آن اشاره دارد.
۱۱. حرکت نکنید و مثل فرش در منزل باشید تا نداء و خسف شود، وقتی قائم ما حرکت کرد به سوی او بشتابید هر چند با پای پیاده باشید.
۱۲. سؤال شد: عجیب است که مردم با شنیدن ندای آسمانی و خسف

چگونه گمراه می مانند، فرمود: شیطان رها نمی کند؛ مثل یوم عقبه در زمان رسول اکرم ﷺ فریاد می زند و مردم را گمراه می کند.

۱۳. از آسمان، اول صبح صدا بلند می شود که علی و شیعیان علی علیه السلام رستگارند و آخر روز صدا بلند می شود که عثمان - سفیانی - و شیعیان او رستگارند.

۱۴. وقتی خورشید بالا آمد از وسط خورشید ندایی بلند با زبان عربی مبین که همه آسمان و زمین می شنوند می گوید: ای خلق خدا! این مهدی علیه السلام از آل محمد است و بعد اسم همه پدران او را می برد و می گوید: با او بیعت کنید، هدایت شوید، مخالفت نکنید که گمراه می شوید. اولین کس جبرئیل است که دست او را بوسیده و با او بیعت می کند.

۱۵. هیچ صاحب گوش نیست، مگر آن که صدا را می شنود.

۱۶. بعد از مایوس شدن مردم از نجات، ندایی بلند می شود که دور و نزدیک می شنوند: رحمت برای مؤمن و غضاب برای کافران می باشد.

۱۷. از آسمان نام مهدی علیه السلام برده شده و تذکر به واجب بودن اطاعت او داده می شود.

۱۸. وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام فرمود، بالای سر او ابری است که از آن صدا می آید: این خلیفه الله است متابعت کنید.

۱۹. ندای اول از آسمان و ندای دوم از زمین است.

۲۰. ندای عام است؛ یعنی همه می شنوند و خاص نیست.

۲۱. منادی از طرف دمشق ندا می کند که: وای به اهل زمین از شری که نزدیک است.

۲۲. نفس زکیه را که در مکه می کشند، منادی از آسمان ندا می کند که:

ای مردم! امیر شما مهدی علیه السلام است.

۲۳. منادی از آسمان ندا می‌کند و صدایی از طرف دمشق به پیروزی بلند می‌شود.

۲۴. شبانه روزی نمی‌گذرد که از آسمان منادی ندا می‌کند: ای اهل حق و ای اهل باطل! از هم جدا شوید.

۲۵. صیحه و ندا نمی‌باشد، مگر در ماه رمضان و آن صیحه جبرئیل است.

۲۶. منادی ندا می‌کند از آسمان به اسم مهدی علیه السلام که هر کس در مشرق و مغرب عالم است می‌شنود و از رعب آن صدا، خوابیده، بیدار می‌شود، ایستاده می‌نشیند و نشسته می‌ایستد.

۲۷. خدا رحمت کند کسی را که از صدای اول پیروی کند.

۲۸. صوت اول صدای جبرئیل است که در شب جمعه، بیست و سوم ماه رمضان واقع می‌شود.

۲۹. آخر روز، ابلیس لعین فریاد می‌زند که عثمان، مظلوم کشته شده است.

۳۰. منادی از آسمان ندا می‌کند، وقتی صدا را شنیدید فرار کنید و به طرف مهدی علیه السلام که بین رکن و مقام است بشتابید.

۳۱. اختلاف بین مردم می‌افتد و منادی از آسمان ندا می‌کند.

۳۲. شهرها گرفتار فتنه‌ای می‌شوند که نمی‌توانند از آن بیرون بیایند و بین کوفه و حیره کشتاری شود که کشته‌ها روی زمین بمانند، در آن وقت است که منادی از آسمان ندا کند.

۳۳. منادی در ماه رمضان از ناحیه مشرق طلوع فجر ندا کند که: ای اهل هدایت! جمع شوید و منادی از طرف غرب بعد از رفتن شفق می گوید: ای اهل باطل! جمع شوید.

۳۴. قائم علیه السلام نمی آید تا منادی از آسمان به گونه ای صدا زند که زن ها در خانه بشنوند.

۳۵. منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام فریاد زند و بگوید: امر در دست مهدی علیه السلام است دیگر برای چه می جنگید؟

۳۶. منادی از آسمان ندا کند که: ای مردم! مدت حکومت جبارین تمام شد و نوبت حکومت بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله شده در مکه به او ملحق شوید.

۳۷. منادی از آسمان اسم مهدی علیه السلام را برده می گوید: حجت خدا کنار خانه خدا ظاهر شده متابعت کنید.

۳۸. منادی ندا کند: این مهدی علیه السلام خلیفه الله است. زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد، پس اطاعت کنید.

ابن محبوب نقل می کند که امام رضا علیه السلام به من فرمودند: فتنه ای رخ می دهد که در آن انسان ها حیران و متحیر می مانند و آن در وقتی است که سومین اولاد من غائب شود و به غربت و مظلومیت او اهل آسمان و زمین گریه خواهند کرد، او حزن هر حیران و ناله هر دردمند است. بعد حضرت فرمود: پدر و مادرم فدای او باد. او هم اسم جدم رسول الله صلی الله علیه و آله و شبیه به من و موسی بن عمران است، او معدن نوری است که نورافشانی اش از عالم قدس است.

ناله و تأسف هر زن و مرد مؤمن برای از دست دادن آب خوش گواری، مثل او می باشد در آن زمان در بحران یأس و ناامیدی به سر می برند. ناگهان

صدایی بلند می شود که دور و نزدیک یک سان می شنوند و آن صدا رحمت برای مؤمنین و عذاب برای کافران می باشد.^۱

ابن محبوب از امام رضا علیه السلام در حدیثی بلند نقل می کند: تا این که... فتنه های مبهم که هر بینای زیرکی متحیر می ماند و نمی داند به چه کسی پناه برد و چه بکند و آن در غایب شدن سومین فرزند من است آسمان و زمین از غیبت او گریه می کنند و چه بسیار زن و مرد مؤمن که در از دست دادن آب گوارا [ی وجود مقدس امام زمان علیه السلام] ناله می زنند.

مثل این که اکنون آنها را می بینم که چگونه در ناامیدی و گرفتاری دست و پا می زنند و ناگهان صدایی بلند می شود که آن صدا را هر دور و نزدیکی می شنود و آن رحمت برای مؤمنین و عذاب برای کافران است.

ابن محبوب می گوید: به حضرت عرض کردم: آن چه صدایی است؟ حضرت فرمود: سه صدا از آسمان در ماه رجب می شنوند: صدایی که می گوید: *الا لعنة الله على القوم الظالمين*^۲ و صدای دوم می گوید: *ازفت الازفه* یا *معشر المؤمنین*^۳ و در صدای سوم بر روی قرص خورشید، بدن امیرالمؤمنین علیه السلام را می بینند که می گوید *فلانی - مهدی علیه السلام - مبعوث شده است، حرف او را گوش دهید و او را اطاعت کنید.* در آن وقت است که فرج رسیده است و کسانی که از دنیا رفته اند آرزو می کنند که ای کاش ما زنده بودیم و خدا سینه مؤمنین را از درد ظالمین، شفا عنایت می فرماید.^۴

۱. همان، ص ۲۸۹، ح ۲۸.

۲. سوره هود، آیه ۱۸.

۳. سوره نجم، آیه ۵۷.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۸، ح ۴۲.

نشانه سوم: خسف

واژه «خسف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است. یعنی به امر خدا دشمنان امام مهدی (عج) در دل زمین فرو می‌روند. بنا بر روایات، این حادثه شگفت در چند نقطه صورت می‌گیرد: یکی در منطقه «بیداء» می‌باشد که سرزمینی بین مکه و مدینه است. دیگری خسف در مشرق و نیز مغرب است. این نشانه ظهور در روایات بسیاری از عامه و خاصه آمده است. صاحب منتخب‌الاثار پس از ذکر این نشانه، تصریح می‌کند که روایات آن به حدّ تواتر می‌رسد. در این جا این نشانه حتمی را از زبان معصومان علیهم‌السلام شرح می‌دهیم.

خسف عذاب از زیر پای

● از امام باقر علیه‌السلام نقل است که فرمود: آیه «قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم» یعنی، خدا قادر است که عذابی را از بالای سر شما بریزد، مقصود دجال و صیحه آسمانی است. «او من تحت ارجلکم» یعنی، عذابی از زیر پای شما ایجاد کند، مقصود خسف است. «او یلبسکم شیعاً» یا شما را لباس تفرقه بپوشاند، مقصود اختلاف در دین پیدا کرده، باهم درگیر شوید و به هم طعنه بزنید و «و ینق بعضکم بأس بعض»^۱ یعنی،

۱. سوره انعام، آیه ۹۵.

هم‌دیگر را بکشید و تمام این گرفتاری‌ها در مسلمانان اهل قبله واقع می‌شود.^۱

● أم سلمه می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: پناهنده‌ای خود را در پناه خانه خدا درمی‌آورد که در طلب او لشکری را فرستاده‌اند، لشکر به بیداء مدینه که رسید، همه در زمین فرو می‌روند.^۲

خسف در بادیه‌ای از دمشق

● جابر جعفی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: سر جای خود بنشین و دست و پایی حرکت نده تا علایمی که می‌گویم برای تو ظاهر شود و نمی‌بینم که تو آن زمان را درک کنی: اختلاف بنی‌عباس، منادی که از آسمان صدا بزند و صدای پیروزی که از طرف دمشق بیاید، خسف بادیه و روستایی از شام که «جاییه» نامیده می‌شود.

نزدیک است که برادران ترک بیایند و در جزیره اردو بزنند و گردن‌کشان رومی - اروپایی - در رمل (جایی در بیابان‌های عربی است) پیاده شوند، آن سال، پُر التهاب و اختلاف است! در هر گوشه زمین اختلافی برپا می‌شود و همه از طرف غربی‌ها است، اولین زمینی که خراب می‌شود شام است، در آن وقت سه پرچم و گروه باهم اختلاف می‌کنند: پرچم اصبه، پرچم ابقع و پرچم سفیانی.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱، ح ۴.

۲. همان، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۲۱۲.

خسف در بغداد و بصره

● مندر جوزی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم: خدا قبل از قیام امام زمان، مردم را برای معاصی که مرتکب شده اند، مجازات می کند به آتشی که از آسمان می آید، سرخی ای که آسمان را می پوشاند و خسف در بغداد و خسف در شهری از بصره و خون هایی که در آن جا ریخته می شود، و خرابی خانه های بصره و فنا و مرگی که در میان آنها می افتد و مردم عراق می ترسند طوری که آرامش آنها گرفته می شوند.^۱

خسف در پیداء

● سفیانی ظاهر می شود و او هیچ همتی ندارد، مگر از بین بردن آل محمد علیهم السلام و شیعیان آنها لذا دو لشکر تهیه کرده یکی را به کوفه می فرستد. در کوفه شیعه آل محمد علیهم السلام را می کشد و به دار می آویزد، در آن هنگام پرچمی از خراسان آمده تا در ساحل دجله اردو می زنند و مردی از محبان اهل بیت که او و یارانش ضعیف هستند با لشکر سفیانی جنگیده آنها را از بین می برند.

لشکر دومی را به مدینه می فرستد، یکی از شیعیان را می کشد و مهدی علیه السلام با منصور از مدینه فرار می کند، سفیانی ها هیچ یک از شیعیان را از کوچک و بزرگ باقی نمی گذارند. مردم را حبس می کنند و لشکری دنبال آن دو نفر - مهدی علیه السلام و منصور - می فرستد و حضرت مهدی علیه السلام از مدینه ترسان - مثل حضرت موسی علیه السلام - به طرف مکه، فرار می کند. لشکر،

حضرت را تعقیب کرده به بیداء که می‌رسند همه در زمین فرو می‌روند. هیچ کس از آنها نجات پیدا نمی‌کند، مگر کسی که خبر لشکر را برساند. امام مهدی علیه السلام با وزیر خود بین رکن و مقام نماز می‌خواند و از نماز که بیرون آمد، سخنرانی می‌کند و می‌گوید:

ای مردم! خدا را بر ستمی که بر ما شده و حقی که از ما غصب گردیده به یاری می‌طلبیم و حق ما همان حقی است که خدا برای ما قرار داده است و هر کس از ما دلیل بخواهد، ما به خدا از همه اولی‌تر هستیم و هر کسی ما را با آدم مقایسه کند ما به آدم نزدیک‌تریم و هر کس ما را با نوح مقایسه کند، ما به نوح نزدیک‌تر هستیم و هر کس ما را با ابراهیم مقایسه کند، ما به ابراهیم نزدیک‌تریم و هر کس ما را با محمد صلی الله علیه و آله مقایسه کند، ما به او از همه نزدیک‌تریم و هر کس ما را با قرآن بسنجد، ما به کتاب خدا از همه سزاوارتریم. ما و همه مسلمان‌ها شاهدند که به ما اهل بیت ظلم شده است، ما را طرد کردند، به ما تعدی نمودند، ما را از شهر و دیار خود بیرون کردند، مال و اهل ما را به زور گرفتند و امروز برای گرفتن حق خود، خدا ما را یاری می‌کند و خدا سیصد و سیزده مرد را که پنجاه نفر زن نیز در میان آنها است بدون وعده‌ای از قبل در مکه کنار ما جمع می‌کند؛ مثل گیاه کنار هم سبز می‌شوند و از هم دیگر تبعیت می‌کنند و این آیه قرآن «این ما تکنونویات بکم الله جميعاً إن الله علی کل شیء قدیر»^۱ شاهد این معناست...^۲

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

خسف در بیداء مدینه

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ... تا این که سفیانی لشکری جرار به مدینه می فرستد از آن جا خارج شده به بیداء مدینه که رسید، خدا همه آنها را به زمین فرو می برد و آیه «ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت و أخذوا من مکان قریب»^۱ این معنا را هم دارد؛ یعنی اگر ببینی چگونه آنها به فزع آمده اند همه گرفته می شوند و هیچ کس نمی تواند فرار کند و آنها را از جای نزدیک که زیر پایشان باشد، می گیریم.^۲

خسف در حرشای دمشق

● امام باقر علیه السلام می فرمایند: وقتی دو سرنیزه در شام به هم رسید، پرده از روی علامتی از آیات خدا برداشته می شود. از حضرت سؤال شد: آن کدام آیه است؟ حضرت فرمود: زلزله ای در شام واقع می شود که بیشتر از صد هزار نفر کشته می شوند که خدا آن را رحمت برای مؤمنین و عذاب برای کافران قرار داده است، بعد از این حادثه منتظر باشید که از طرف مغرب سواران با آلات جنگی با پرچم زرد سر رسیده در شام ساکن شوند و آن وقت نگرانی بزرگ و مرگ سرخ است، منتظر باشید که روستایی به نام حرش، از روستاهای دمشق در زمین فرو می رود. وقتی آن حادثه اتفاق افتاد، فرزند هند جگرخوار از وادی اردن پیدا می شود و روی منبر شام نشسته قدرت را به دست می گیرد، بعد از این قضیه منتظر خروج مهدی علیه السلام باشید.^۳

۱. سوره سبأ، آیه ۵۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲، ح ۱۴۲.

۳. همان، ص ۲۶۹، ح ۱۵۸.

باقی ماندن دو نفر از حادثه خسف

● اصبع بن نباته می گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که به مردم می گفت: قبل از آن که مرا از دست بدهید هر چه می خواهید از من سؤال کنید، زیرا آگاهی من به راه های آسمان از راه های زمین زیادتر است و منم یعسوب دین منم یعسوب^۱ مؤمنین، منم امام متقین، منم حساب کش روز قیامت، منم تقسیم کننده آتش، منم خزانه دار بهشت، منم صاحب حوض [کوثر]، منم میزان، منم صاحب اعراف و هیچ کدام از ما امامان نیست، مگر این که همه اهل زمان خود را می شناسند و آیه قرآن ﴿انما انت منذر و لكل قوم هاد﴾^۲ و... اشاره به آن دارد.

ای مردم! از من سؤال کنید پیش از این که مرا از دست بدهید، زیرا بین دو پهلوی من علم فراوان می باشد.

از من سؤال کنید قبل از آن که فتنه شرقی پا روی زمین بگذارد [و فتنه او آن قدر بالا بگیرد که همه از نجات مأیوس شوند و آن وقت است که مهدی علیه السلام ظهور کند] و برای آن نشانه ها و آیاتی است، اول آنها این که اطراف کوفه به واسطه نگهبانان دیوار کشیده شود....

سفیانی با پرچم قرمز خروج می کند و سر لشکر او مردی از بنی کلب است که دوازده هزار سواره نظام دارد. به طرف مکه و مدینه به راه می افتد، امیر لشکر مردی از بنی امیه است که نام او خزیمه است، چشم

۱. ملکه زنبور عسل را «یعسوب» می گویند که هر کجا بنشیند همه زنبورها دور او جمع می شوند.

علی علیه السلام یعسوب مؤمن و «مال» یعسوب کافرین است، یعنی مؤمنین به خاطر علی علیه السلام جمع

می شوند و کافران برای مال کنار هم جمع می شوند.

۲. سوره رعد، آیه ۷.

چپش اطمس است و بر چشم دیگرش لکه خون می باشد، وی خود را به شکل مردها [مرد] در آورده است، هیچ کس تاب مقابله با او را ندارد تا به مدینه می رسد و در منزلی که به آن منزل ابی الحسن اموی می گویند ساکن می شود و نیروی خود را دنبال مردی از آل محمد که گروهی از شیعیان دور او را گرفته اند، می فرستد [مهدی علیه السلام فرار کرده به مکه می رود او لشکری را به طرف مکه می فرستد که امیر لشکر از غطفان است، وقتی به بیابان صاف سفید رسید، زمین آنها را در خود فرو می برد که هیچ کس از آنها نجات پیدا نمی کند مگر مردی که خدا صورت او را به پشت برگردانده است و او می رود به شام و خبر فرورفتن لشکر را در بیداء به آنها می دهد].^۱

حتمی بودن خسف در بیداء

حمران ابن اعین می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از چیزهایی که حتماً باید قبل از قیام امام واقع شود، خروج سفیانی و خسف در بیداء و قتل نفس زکیه و منادی که از آسمان صدا بزند.^۲

هنگامه فرورفتن لشکر سفیانی

ابن محبوب از امام باقر علیه السلام آورده است: وقتی لشکر سفیانی خسف می شود در آن روز امام زمان علیه السلام در مکه به کعبه پناه برده است و می گوید:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲، ح ۱۶۷.

۲. همان، ص ۲۹۴، ح ۴۴.

من ولی خدا و نزدیک ترین کس به خدا و رسول خدا هستم. هر کس با من به خدا احتجاج کند، می بیند که من از همه نزدیک تر و به خدا نزدیک تر و نزدیک تر به آدم، نوح، ابراهیم، محمد ﷺ و به همه انبیاء هستم. من ادامه آدم، انتخاب نوح، منتخب ابراهیم و حقیقت محمد ﷺ هستم.^۱

خلاصه:

۱. امام زمان وقتی به بیداء می رسند، خبر می دهند که در این جا لشکر فرو می رود.
۲. سه خسف است: مشرق، مغرب و جزیره العرب.
۳. خسف بیداء پانزده کیلومتری مدینه است.
۴. خدا سفیانیان را از زیر پایشان می گیرد که همان خسف باشد.
۵. حضرت مهدی علیه السلام به کعبه پناه می برد و لشکر در تعقیب حضرت است که در بیداء خسف می شود.
۶. نزول عیسی، خسف به مشرق و خسف به جزیره العرب آتش که از قعر عدن آمده مردم را به محشر سوق می دهد.
۷. خسف در روستایی از شام که نام آن جا جایه است.
۸. خسفی در بیداء، خسفی به مغرب، خسفی به مشرق و ایستادن خورشید.
۹. سرخی در آسمان، خسف در بغداد و خسف به شهر بصره و ریختن خون هایی در بصره.

۱. همان، ص ۲۰۵، ح ۷۸.

۱۰. منادی به دمشق صدا کند و روستایی در آن جا فرو می رود که قسمتی از دیوار مسجد فرو می ریزد.

۱۱. خرابی تهران و خسف در بغداد و خروج سفیانی.

۱۲. لشکر جرار به مدینه آمده به بیداء مدینه که می رود خسف می شود.

۱۳. در دمشق قریه‌ای به نام حرشا فرو می رود.

۱۴. وقتی لشکر سفیانی به بیابان سفید بین مدینه و مکه بیداء - که رسید فرو می روند و نجات پیدا نمی کنند.

نشانه چهارم: قتل نفس زکیه (سید حسنی)

نفس زکیه، یعنی فرد پاک و بی‌گناه؛ کسی که قتلی انجام نداده و جرمی ندارد. در آستانه ظهور مهدی (عج) و در گیرودار مبارزات زمینه‌ساز انقلاب ایشان فردی پاک باخته و مخلص، در راه امام علیه السلام می‌کوشد و مظلومانه به قتل می‌رسد. وی از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام است که در روایات گاهی از او به «نفس زکیه» و «سید حسنی» یاد شده است. در این بخش، از این نشانه حتمی ظهور، بحث می‌کنیم.

شخصیت نفس زکیه و علت قتل

وی شخصیتی بزرگوار و از نزدیکان حضرت حجت (عج) است که با ایشان رفت و آمد دارد، مردم مکه او را می‌شناسند و چون او با حضرت ملاقات دارد و حضرت در آن زمان ظهور فرموده، حضرت قبل از قیامشان حضور دارند که همه می‌توانند ایشان را ببینند؛ اما نمی‌شناسند و حضرت در آن وقت مأمور به غیبت نیست. لذا در مجالس مختلف با اطرافیان نزدیک خود نشست و برخاست دارد.

در یکی از این نشست‌ها گفت‌وگویی بین حضرت و حاضرین در

مجلس می شود سید حسنی معروف به نفس زکیه به حضرت عرض می کند: اگر قیام بفرمایند مردم مکه تسلیم خواهند بود و برای امتحان مردم در میان آنان رفته خبر از ظهور و قیام حضرت می دهد و مردم را به آن حضرت دعوت می کند؛ اما مردم او را می کشند و سرش را برای سفیانی می فرستند.

یا مردم را به خود دعوت می کند و می گوید: من نایب امام زمان هستم و لذا او را می کشند.

پانزده روز فاصله بین قتل و قیام

● صالح موسی بن عذرا می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: فاصله ای بین قیام قائم آل محمد علیهم السلام و قتل نفس زکیه نیست، مگر پانزده روز.^۱

بهترین جهادها در آخر زمان است

● در کتاب غیبت شیخ طوسی از سفیان بن ابراهیم نقل می کند که: از پدرش شنیده نفس زکیه جوانی از آل محمد علیهم السلام است که اسم او محمد بن حسن است و او را بدون جرم و گناه می کشند. وقتی او را کشتند نه در آسمان عذری از آنها پذیرفته می شود و نه در زمین یاری خواهند شد، در این وقت است که خدا قائم آل محمد را در میان گروهی که در چشم مردم کمتر از مقدار سرمه می آید و به قدری آنها را ضعیف می بینند که وقتی قیام

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳، ح ۳۰.

می‌کنند مردم بر آنها ترحم کرده بر آنها گریه می‌کنند که این جمعیت کم با این دشمنان زیاد چه خواهند کرد و خدا به واسطه همان‌ها شرق و غرب عالم را فتح می‌کند - وهم المؤمنون حقاً - زیرا آنها به حقیقت مؤمن هستند. بدانید که بهترین جهادها، جهاد در آخر زمان است.^۱

نفس زکیه یکی از یاران مهدی علیه السلام می‌باشد

ابی بصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام در روایت طولانی می‌فرمایند: حضرت مهدی علیه السلام به یارانش می‌فرماید: اهل مکه مرا نمی‌خواهند؛ ولی می‌باید برای تمام کردن حجت و روشن شدن حقیقت کاری انجام دهم، لذا کسی را نزد آنها خواهم فرستاد. سپس حضرت یکی از یاران خود را طلبیده به او می‌فرماید: برو به طرف اهل مکه و به آنها بگو من فرستاده فلانی - امام زمان - هستم و حضرت می‌فرماید: ما اهل بیت رحمت، معدن رسالت، و ذریه محمد صلی الله علیه و آله پیامبر شما و از دودمان انبیا هستیم، به ما ظلم شده حق ما را غصب کرده‌اند و از وقتی که پیامبر از دنیا رفت تا به امروز حق ما را ربودند. ما از شما برای به دست آوردن حق خود کمک می‌خواهیم ما را یاری کنید.

آن جوان وقتی این کلمات را به آنها می‌گوید به سر او ریخته و بین رکن و مقام او را می‌کشند. او همان نفس زکیه است، وقتی این خبر به امام می‌رسد، به اصحاب خود می‌فرماید: نگفتم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند و دیگر چیزی نمی‌فرماید تا این که خروج می‌کند و به عقبه طوی می‌رود و

با ۳۱۳ نفر مرد به عدد اصحاب بدر و به مسجد الحرام می آید و در مقام، چهار رکعت نماز می خواند و پشت خود را به حجر الاسود داده خدا را حمد و ثنا می کند و بر پیامبر اکرم ﷺ صلوات می فرستد و کلامی می فرماید که هیچ کس نگفته است و اولین کسانی که دست به او داده و با او بیعت می کنند، جبرئیل و میکائیل هستند و در کنار آنها رسول اکرم و امیرالمؤمنین حاضرند و آنها بلند شده کتاب جدید را به دست او می دهند با مهوری که هنوز خشک نشده است و به او می فرمایند: به آن چه در این کتاب است عمل کن و آن روز بر عرب بسیار سخت خواهد بود و سیصد نفر و قدری از اهل مکه با حضرت بیعت می کنند و عدد که به حلقه رسید از مکه قیام می فرماید.

سؤال شد: حلقه چیست؟ حضرت فرمود: ده هزار نفر و جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ حضرت پرچم جلید^۱ را باز می کند و آن پرچم رسول اکرم ﷺ است که نامش «سحابه» است و زره پیامبر که «سابغه» است به تن می کند و شمشیر رسول اکرم را که «ذوالفقار» است به دست می گیرد و قیام می کند.^۲

خلاصه:

۱. یکی از پنج علامت ظهور امام زمان، کشتن نفس زکیه است.
۲. او را بین رکن و مقام خانه خدا می کشند.
۳. اسم او محمد بن حسن است.

۱. جلید، اسم پرچم پیامبر ﷺ بود که در جنگ بدر جبرئیل برای پیامبر ﷺ آورده است و در هیچ جنگی آن را بلند نمی کردند مگر پیروز می شدند و نام دیگر آن «سحابه» می باشد.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۱.

۴. فاصله بین قیام امام زمان و قتل نفس زکیه پانزده شب است.
۵. قتل نفس زکیه حتمی است.
۶. او را در مکه می‌کشند در حالی که برادرش در باغی در مکه است.
۷. نفس زکیه، جوانی از آل محمد علیهم‌السلام است که او را بدون جرم و گناهی می‌کشند.
۸. وقتی او را کشتند نه در آسمان عذری پذیرفته می‌شود و نه در زمین یاری دارند.
۹. نفس زکیه از اولاد امام حسین علیه‌السلام است.
۱۰. نفس زکیه‌ای را هم در پشت کوفه با هفتاد نفر از صالحین می‌کشند.
۱۱. نفس زکیه با مردم مکه صحبت می‌کند و از آنها طلب یاری می‌کند؛ ولی او را بین رکن و مقام سر می‌برند.

نشانه پنجم: خروج یمانی

یکی از نشانه‌های حتمی ظهور آن است که سرداری از یمن قیام می‌کند و مردم را به حق و عدل دعوت می‌کند؛ نام او «یمانی» است. در روایت‌های شیعه در این باره، اخبار زیادی وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی آن را مستفیض دانسته‌اند. در این جا با استفاده از روایات منابع معتبر، این نشانه را شرح می‌کنیم.

دوستی اهل یمن دوستی پیامبر ﷺ است

● علی علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس اهل یمن را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته است و هر کس با آنها دشمن باشد، دشمن من خواهد بود.^۱

یمانی از یمن

● محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: چه وقت قائم شما خروج می‌کند؟ فرمود: وقتی مردها خود را شبیه به زنها و زنان خود

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳۸ و ج ۵۷، ص ۲۲۴.

را شبیه به مردها کردند و زن‌ها اکتفا به زنان و مردان اکتفا به مردان نمودند و زن‌ها سوار زین [و دو چرخه] شدند و شهادت دروغ قبول و شهادت درست ردّ شود و مردم خون ریختن را سبک بشمارند و مرتکب زنا و ربا خوردن شوند و اشرار را از ترس احترام کنند [یعنی کسی نیست که حق را به حق‌دار بدهد از این رو ضعیف حق خود را نادیده گرفته و به اشرار احترام می‌کند] و سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج کنند.^۱

پرچم یمانی به حق نزدیک‌تر است

● امام صادق علیه السلام فرمودند: خروج این سه گروه خراسان، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع می‌شود و پرچم یمانی از همه مستقیم‌تر است.^۲

یاری یمانی واجب و فروش اسلحه حرام

● ابن بصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ... امام قیام نمی‌فرماید تا بنی‌عباس اختلاف کنند و دیگران طمع کنند و سفیانی خروج کند. حتماً بنی‌عباس حکومت می‌کنند، اختلاف کلمه بین آنها پیدا می‌شود، متفرق می‌شوند، بر آنها خروج می‌کنند، خراسانی و سفیانی و این از مشرق و دیگری از مغرب مسابقه گذاشته به طرف کوفه می‌آیند و هلاکت بنی‌عباس به دست آنها خواهد بود، آنها هیچ کدام از بنی‌عباس را باقی نمی‌گذارند.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۹۶، ح ۲۴.

۲. همان، ص ۲۱۰، ح ۵۲.

بعد حضرت فرمود: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود، پشت سر هم و مرتب از همه طرف سختی و گرفتاری می آید و وای به حال کسی که با آنها درگیر شود و هیچ پرچمی مستقیم تر و هدایت شده تر از یمانی نیست. آن پرچم هدایت است، زیرا شما را دعوت به صاحب الزمان علیه السلام می کند. وقتی یمانی خروج کرد فروش اسلحه بر مردم و مسلمانان حرام می شود. اگر یمانی خروج کرد به طرف او بروید که پرچمش هدایت است و بر هیچ مسلمانی حلال نیست با او دورویی کند و کلک بزند و هر کس با او دورویی کند، اهل آتش خواهد بود.^۱

خروج ملکی از صنعای یمن، سفیدرو و اسم او حسن یا حسین است
 بُرسی در کتاب خود مشارق الانوار الیقین آورده است:

کعب بن حارث گفت: پادشاهی به نام «ذاجدن» در مسئله ای گرفتار شده بود. به دنبال عالمی به نام «سطیع» که در آن زمان مشهور بود، فرستاد. قبل از این که وارد شود برای آزمایش او مقداری پول زیر پای خود مخفی کرد، همین که سطیع وارد شد از او سؤال کرد: من چه چیزی را از تو نهان کرده ام؟!

سطیع گفت: قسم به خانه خدا و حرم او به سنگ سخت و شب تاریک و صبح که با روشنی خود می خندد و به هر زبان دار و بی زبانی که تو برای امتحان و آزمایش من زیر پای خود فلان مقدار پول نهان داشته ای. پادشاه که دید درست گفت، به او گفت: این علم را از کجا آورده ای؟

جواب داد: برادری داشتم که مرا به این مقام و علم رساند.
 پادشاه گفت: آن چه در آینده روزگار اتفاق می افتد برای ما بگو.
 سطیع گفت: وقتی خوبان غارت شدند و اشرار محترم گردند،
 قدرت مندان دروغ گویند، مال و ثروت بر کاغذ شود [اسکناس]، مردم
 مقابل زورگویان خاشع شوند، ارحام از هم جدا شوند و آدم‌های
 بی‌ارزشی پیدا شوند که حرام خدا را حلال شمارند و اختلاف کلمه پیدا
 شود و حرمتی برای کسی نماند و احترام هم‌دیگر را ندارند، در آن وقت
 است که ستاره‌های دنباله‌دار پیدا می‌شود که عرب‌نگران می‌گردد، در آن
 وقت است که باران قطع می‌شود، نهرها خشک می‌شود و زمان‌ها مختلف
 می‌شود و کالاها در همه جا گران می‌شود، بعد بربر با پرچم زرد سوار بر
 وسایل مخصوصی آمده تا در مصر فرود می‌آیند، مردی از اولاد صخر
 آمده پرچم سیاه آنها را تبدیل به پرچم سرخ می‌کند، در آن وقت است که
 محرمات مباح می‌شود و زنان را به پیشان‌هایشان آویزان می‌کنند و اوست
 که کوفه را غارت می‌کند و چه بسیار دختران و زنان سفید ساق [ساق پای
 آنها نمایان است، دامن پوشیده پای خود را عریان کرده‌اند] را بی‌پرده در
 کوچه و خیابان راه و سواره آنها را با خود می‌برند و شوهران آنها را به قتل
 می‌رسانند.

بیچارگی آن زنان زیاد و فرجشان را حلال می‌شمارند. در آن زمان
 است که فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - مهدی منتظر - قیام می‌فرماید و آن وقتی
 است که فرد مظلومی را در مدینه می‌کشند که پسر عموی او در کعبه کشته
 می‌شود و آن چه مخفی است ظاهر می‌شود. ستم‌کاری می‌شود.
 در آن وقت است که در جمعه‌ای شوم آن موجود ظالم می‌آید

[سفیانی] او روم برای کشتن مردم به راه می افتد، خورشید کسوف می کند و فتنه ها بر پا می شود. در وقت کسوف خورشید جنگ ها بر پا می شود و لشکریان، مقابل هم صف آرایی می کنند. پادشاهی از صنعا خروج می کند که مثل پنبه سفید است، اسم او حسن یا حسین است و به خروج او چشم فتنه کور می شود. در آن هنگام شخص مبارک، پاکیزه، هادی، مهدی و سید علوی، خروج می کند و به خروج او برای مردم فرج حاصل می شود. اگر خدا منت نهاده و مردم را توفیق دهد به طرف کسی که آنها را هدایت می کند بیایند به نور او ظلمت ها بر طرف می شود و حق بعد از مخفی بودن ظاهر می شود و مال را بین مردم به تساوی قسمت می کند و همه شمشیرها را غلاف می کند، دیگر خونی به ناحق ریخته نمی شود و مردم در راحتی و شادی زندگی می کنند و به آب عدل او، غسل می کنند.

زشتی از زمان ریشه کن می شود، حق بر همه شهرها برمی گردد، مهمانی و ضیافت در میان مردم زیاد می شود و به عدلش گمراهی و کوری بر طرف می گردد مثل این که غباری را پاک کرده باشد همه چیز به خوبی آشکار و روشن می شود و زمین پر از عدل و داد می شود تا روز صبا و آن روز ساعت قیامت است بدون امراء.^۱

یمانی از دوستان حضرت علی علیه السلام است

● هشام می گوید: وقتی طالب حق [که به نظر می رسد ابومسلم خراسانی باشد] قیام کرده بود فردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: امید است این فرد همان یمانی باشد، حضرت فرمود: نه، آن یمانی معهود از

دوستان علی علیه السلام است و این از علی علیه السلام بیزاری می جوید.^۱

خروج پرچم‌های سیاه از خراسان و خروج یمانی

● شیخ مفید در کتاب ارشاد علائم ظهور را نقل کرده است تا می‌رسد به این جا که دیوار مسجد کوفه خراب می‌شود و پرچم‌های سیاه از طرف خراسان و خروج یمانی و ظهور مغربی در مصر و تملک شامی و...^۲

قبل از قیام امام، خروج یمانی

● بزنتی می‌گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمودند: قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهد آمد و (تو می‌گویی که من صاحب آن امر هستم هنوز آنها نیامده [یعنی من صاحب امر و قائم اهل بیت نیستم].^۳

حسنى خبر از ظهور می‌دهد، او را گشته و سر او را برای سفیانی می‌فرستند

● یعقوب سراج می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه وقت فرج شما می‌رسد؟ حضرت فرمودند: وقتی بنی‌عباس اختلاف کردند و اختلاف آنها در حکومت و سلطنت آنها است و دیگرانی که چشم‌داشتی نداشتند، طمع پیدا کردند و عرب سرکشی کرد و هر گروه سیاسی قیام کرده و شامی ظاهر شده و یمانی رو آورد و حسنی راه افتاد، در آن وقت

۱. همان، ج ۴۷، ص ۲۹۷.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۳۳.

صاحب این امر [امام زمان علیه السلام] از مدینه با تراث پیامبر صلی الله علیه و آله به طرف مکه رهسپار می شود پرسیدم: تراث پیامبر صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، پیراهن، خنجر، کمان، عصا، پرچم، زین و چوب دستی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. وقتی آنها را در دست گرفت، معلوم می شود خدا اجازه ظهور را داده دوستان نزدیکش از امر ظهور آگاه می شوند و خبر به حسنی که می رسد، اعلام می کند: عجله کرده می خواهد خروج کند که اهل مکه به او حمله کرده او را می کشند و سر او را به شام می فرستند.

در این وقت است که صاحب این امر ظاهر شده مردم با او بیعت می کنند و از او اطاعت می کنند و در این زمان است که شامی [سفیانی] لشکری را تهیه دیده به مدینه می فرستد [بعداً از آن جا خارج شده به طرف مکه می روند] خدا همه آنها را در خارج مدینه از بین می برد و هر که از اولاد علی علیه السلام در مدینه است به طرف مکه فرار می کند و به صاحب این امر حضرت مهدی علیه السلام ملحق می شوند و بعد از قیام صاحب این امر از مکه به طرف عراق می رود و از آن جا لشکری را به مدینه می فرستد و امنیت را در آن جا برقرار کرده، برمی گردد.^۱

یمانی همان منصور است

جابر می گوید: مردمی از یمن آمده که صورت های بشاش و با نشاطی داشتند، می خواستند خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برسند وقتی بر حضرت وارد شدند، پیامبر به آنها خوش آمد گفته فرمود: شما مردمی دل نازک و با

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۱.

ایمان هستید که از میان شما منصور با هشتاد هزار نفر، که اسلحه‌های خود را برداشته به پا می‌خیزند و خلیفه مرا و خلیفه وصی مرا یاری می‌کنید.

یمنی‌ها گفتند: وصی شما کیست؟ فرمود: کسی که خدا شما را امر به اعتصام او فرموده است ﴿اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا﴾^۱ یمنی‌ها گفتند: بفرمایید آن حبل کدام است؟ فرمود: در قرآن آمده: ﴿بحبل من الله و حبل من الناس﴾^۲ یعنی به ریسمانی دست بیندازید که از طرف خدا و در میان مردم است. ریسمان الهی همان قرآن در میان مردم است وصی من است، گفتند: وصی شما کیست؟ فرمود: کسی است که خدا می‌فرماید: ﴿أن تقول نفس یا حسرتاً علی ما فرطت فی جنب الله﴾^۳ یعنی انسان در روز قیامت می‌بیند نجاتی نیست، مگر برای محبین علی علیه السلام و می‌گویند: ای کاش اقلاباً با (جنب الله) دشمنی نمی‌کردیم.

گفتند: جنب الله چه کسی است؟ فرمود: آن کسی است که خدا می‌فرماید: ﴿و یوم یعض الظالم علی یدیه و یقول یا لیتی اتخذت مع الرسول سبیلاً﴾^۴ یعنی ظالم در روز قیامت از شدت ناراحتی دست خود را جویده و می‌گوید: ای کاش راهی به پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا می‌کردم. راه به سوی من همان اطاعت از وصی من است. گفتند: تو را قسم به کسی که تو را به حق به رسالت مبعوث داشته او را به ما نشان بده که ما بسیار مشتاق دیدار او هستیم. حضرت فرمود: خدا او را قرارش داده است برای مؤمنین مستوسم

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲. همان، آیه ۱۱۲.

۳. سوره زمر، آیه ۵۱.

۴. سوره فرقان، آیه ۲۷.

اگر آن گونه که قرآن فرموده، باشید ﴿کان له قلب او القی السمع وهو شهید﴾^۱ همان گونه که نبوت مرا در میان صفوف مسلمین گردش کنید و ببینید که قلب شما به چه کسی مایل است او همان وصی و خلیفه من است، زیرا خدا می فرماید: ﴿فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم﴾^۲ او را متوسم قرار داده است؛ یعنی دلیل ایمان مؤمن این است که اگر او را ببیند او را می شناسد و لذا قرآن می فرماید: خدایا دل های مردم را به آنها مایل گردان و مقصود این است که دل های مردم را به سوی او و فرزندان او متمایل بگردان، در این وقت ابو عامر اشعری در میان اشعریان، ابو عزة خولانی از طایفه خولانیان، ظبیان و عثمان بن قیس و عرفة الدوسی از میان اقوام دوس و لاحق بن علاقه بلند شده در میان صفوف گردش کرده صورت ها را برانداز می کردند تا رسیدند به انزع اصلع بطین. یعنی هر کس دارای قلب و فهم یا متواضع و حرف گوش کن باشد، او می تواند او را ببیند و بشناسد که او وصی من است. امیرالمؤمنین علیه السلام دست روی شانه او گذاشته گفتند: یا رسول الله! دل های ما همه او را دوست دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بحمد الله وصی رسول الله را شناختید قبل از آن که او را به شما معرفی کنم و دانستید که او وصی من است.

در این هنگام همه باهم با صدای بلند گریستند و گفتند: یا رسول الله! ما همه این مردم را نگاه کردیم و دل ما به هیچ کدام مایل نشد وقتی او را دیدیم دل ها شروع به تپیدن کرد و بعد به سوی او آرام گرفت و

۱. سوره ق، آیه ۲۷.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

مطمئن شد، دل‌ها از حبّ او پاره پاره شد و چشمان ما پر از اشک و سینه‌های ما خنک شد؛ مثل این که او برای ما پدر و مادر و ما نسبت به او، فرزندان هستیم.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «و ما يعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم»^۱ یعنی این معنا را که شما می‌گویید کسی درک نمی‌کند، مگر خدا و کسانی که در علم راسخ هستند و شما همان راسخان در علم هستید و شما مثل کسانی هستید که در خوبی، از طرف خدا سبقت گرفته‌اید و آتش جهنم از شما دور است.

این نام - متوسمین - بر آنها ماند تا در جنگ جمل و صفین کنار امیرالمؤمنین به شهادت رسیدند. خدا آنها را رحمت کند پیامبر آنها را بشارت به بهشت داد و به آنها خبر داد که کنار علی بن ابی طالب به شهادت خواهند رسید.^۲

خراسانی

مقصود از خراسان، ایران می‌باشد که در روایات با تعابیر مختلف آمده است: خراسان، بلاد جبال - شهرهای کوه - گاهی طالقان، قم، مشرق، قزوین و گاهی... بنا بر این در روایاتی که این اسماء آمده مقصود ایران است.

● ابن بصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم،

۱. سوره آل عمران، آیه ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۱۲.

خروج قائم علیه السلام چه وقت خواهد بود؟ فرمود: ای ابامحمد! ما اهل بیت نبوت وقت را تعیین نمی کنیم؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسانی که وقت معین می کنند دروغگو هستند. ای ابامحمد! در هنگام ظهور امام، پنج علامت است: ندای آسمانی در ماه رمضان، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نفس زکیه و خسوف در بیداء...^۱

خروج آنها در یک سال است

ازدی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خروج سه گروه خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز است و هدایت در پرچم یمانی بیشتر است، زیرا او شما را به حق دعوت می کند.^۲

خراسانی و سفیانی

وقتی بنی عباس اختلاف کرده و ضعیف و پراکنده شدند؛ خراسانی و سفیانی از مشرق و مغرب بر آنان حمله می برند و باهم مسابقه می گذارند و در کوفه به هم می رسند و هلاکت بنی عباس به دست این دو است.^۳

یمانی و خراسانی

● اصبع بن نباته می گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: «سلونی قبل ان تفقدونی» تا این که فرمود: پرچم هایی از مشرق عالم

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۲۱۰، ح ۵۲.

۳. این قسمتی از روایت می باشد که قبلاً در این کتاب آمده است.

می آید نه از پنبه است نه از کتان نه از حریر و به عَلم شباهت ندارد و بالای آن، خاتم سید اکبر نقش بسته شده است. آنها را به حرکت در آورده جلو می برد. مردی از آل محمد ﷺ در مشرق ظاهر می شود که بوی خوش آن به مغرب عالم می رسد که مانند مشک اذفر بو می دهد که ركب يك ماه را جلوتر از آن می رود تا به کوفه می رسند. آنها خون پدران خود را طلب می کنند. در این حال لشکر یمانی و خراسانی مانند دو اسب مسابقه، ژولیده و خاک آلود و پر حرکت به طرفشان می آیند. هر کدام به پشت پای دیگری نگاه کرده و می گویند: دیگر بعد از امروز، نشستن ما سودی نخواهد داشت. ما توبه کاریم و آنها ابدالی هستند که خدا در قرآن آنها را توصیف فرموده است: ﴿ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين﴾ که نظیر آنها در میان آل محمد ﷺ پیدا می شود.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، حدیث ۱۶۷.

انقلاب اسلامی ایران و قیام امام زمان (عج)

در ایران، نهضتی اسلامی با پیش‌تازی روحانیت و مرجعیت و نائبان امام زمان (عج) به ویژه رهبری داهیانه حضرت امام خمینی به وقوع پیوست که جهانیان را شگفت زده کرد. این انقلاب که به انگیزه دین‌خواهی و احیای ارزش‌های معنوی رخ داد یک بار دیگر، موضوع منجی بشر و موعود اسلام را زنده‌تر مطرح کرد. دقت در روایت موجود در خصوص انقلاب‌های قبل از قیام امام زمان (عج) نشان می‌دهد که در آن روایت‌ها این نهضت عظیم به روشنی پیش‌بینی شده است. در این جا آنها را نقل می‌کنیم.

● امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: امام مهدی علیه السلام موهایش مجعد و بر صورتش، خالی قرار دارد. نهضت او از مشرق شروع می‌شود و سفیانی از شام قیام می‌کند و مدت حمل زن (نه ماه) حکومت می‌کند و همه اهل شام به اطاعت او درمی‌آیند؛ مگر کسانی که بر حق هستند [شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام] و خدا آنان را حفظ می‌کند که با او خروج نکنند و لشکری به مدینه می‌فرستند تا این که به بیداء می‌رسند. در آن جا خدا آنها را در زمین فرو می‌برد: «و لو ترى اذ فزغوا فلافوت و أخذوا من مکان قریب»^۱ قومی در مشرق قیام می‌کنند که حکومت را برای امام زمان آماده می‌کنند.^۲

۱. سوره سبأ، آیه ۵۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲، ح ۱۴۲.

در حدیث فوق، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مبدأ شروع حرکت سفیانی را از حرکت و قیامی می‌داند که در مشرق پیدا می‌شود و به احتمال بسیار قوی همین انقلاب اسلامی ایران است که از قم منشأ گرفته است.

● راوی می‌گوید: نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که جوانی از بنی‌هاشم از آن‌جا گذشت [به نظر می‌رسد خود امیرالمؤمنین علیه السلام بوده باشد] پیامبر اشک در چشمانش جمع شد و رنگ صورت مبارکش تغییر کرد. از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: چرا هر وقت جوانان بنی‌هاشم را می‌بینید این حال به شما دست می‌دهد؟ فرمود: ما اهل بیت هستیم که خدا از میان دنیا و آخرت، آخرت را برای ما برگزیده است و لذا اهل بیت بعد از من گرفتار بلا، دربه‌دری و غریبی می‌شوند و این ادامه دارد تا این که خدا قومی را از «مشرق» مبعوث می‌گرداند که پرچم سیاه دارند و طلب حق می‌کنند، به آنها نمی‌دهند، می‌جنگند و پیروز می‌شوند. در این هنگام هر چه می‌خواهند می‌دهند؛ ولی آنها راضی نمی‌شوند تا او را به دست مردی از اهل بیت من بسپارند و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. اگر آن زمان را درک کردید، بطرف آنها بروید هر چند پای پیاده روی یخ یا برف.^۱

● پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مردمی از طرف «مشرق» قیام می‌کنند که حکومت و سلطنت مهدی علیه السلام را آماده می‌کنند.^۲

● امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خوش به حال طالقان؛ زیرا خدا در آن گنج‌هایی دارد که از طلا و نقره نیست، بلکه مردان مؤمن در آن‌جا هستند

۱. همان، ج ۱، ص ۸۲

۲. همان، ج ۲، ص ۸۷

که عرفوا الله حق معرفة الله؛ خدا را آن گونه که باید می شناسند و آنها از یاران مهدی علیه السلام در آخر زمان هستند [طالقان همان «مشرق» و ایران می باشد].^۱

در کتاب ارشاد از مسعدة بن صدقه است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که: امیرالمؤمنین در کوفه خطبه‌ای ایراد فرموده و از وضع نا به سامان دوران خود و دوران‌های بعد از خودش خبر می دهد، از تسلط بنی امیه و بنی عباس و فتنه‌هایی که واقع می شود، بعد می فرماید: وقتی بنی عباس قدرتی که در دست داشتند آب شد، آن وقت است که امتحان برای جزا دادن نزدیک می شود و پرزده‌ها بالا می رود و مدت و مهلت ظالمین و دروغ‌گویان به پایان می رسد و وعده خدا سایه افکن می شود و ابتدای آن ستاره‌ای است که از طرف «مشرق» طلوع می کند که روشنگر ماه شماس است [به نظر می رسد مقصود از ستاره انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه السلام و مقصود از ماه، وجود مقدس امام زمان حجة بن الحسن علیه السلام باشد].

و بعد قرص ماه شما تماماً آشکار می شود. وقتی این برای شما واقع شد به طرف حق به توبه کرده برگردید... بدانید که اگر از آن که در «مشرق» طلوع کرده اطاعت کنید شما را به منهاج و راه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می برد و شما را از تاریکی و گرفتاری و گنگی درمی آورد و بار ستم را از دوش شما و نیز سنگینی‌های دیگر را از گردن‌های تان برمی دارد. خدا کسی را از رحمت خود دور نمی کند مگر کسی که حق را نخواهد و ظلم کند و آن چه را که

مستحق آن نیست بگیرد.^۱ و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشت‌گاه بر خواهند گشت.^۲

● کتاب کافی روایت بالا را این‌گونه نقل کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خدا ظالم را مجازات نمی‌کند، مگر بعد از این که به او مهلت داده باشد و گرفتاری امتی را برطرف نمی‌کند، مگر بعد از کشیدن بلا و گرفتاری، و از این رو چه بسا کسانی قدرت پیدا کردند و باغ‌ها و چشمه‌ها تهیه کردند، ببینید که عاقبت خدا با آنها چه کرد و چه بسا کسانی در این دنیا سختی کشیدند و صبر کردند و خدا عاقبت آنها را به خیر کرده و به سروری، بهشت و نعمت همیشگی رسیدند.

بسیار جای تعجب است از این امت که با این همه حجت روشن، منحرف شدند و متابعت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروی از راه وصی پیامبر علیه السلام نکردند، ایمان به غیب نیاوردند و گرفتار بنی‌امیه و بنی‌عباس شدند.

به جانم قسم، هنگامی که قدرت بنی‌عباس آب شد و وقت امتحان برای جزا دادن رسید و آن چه وعده داده شده بودند نزدیک شد، و مهلت آنها به اتمام رسید، ستاره‌ای دنباله‌دار از طرف «مشرق» پیدا می‌شود،^۳ و پشت سر آن ماه شما نورافشانی می‌کند، این وقایع را که دیدید توبه کنید و بدانید اگر از آن که از مشرق طلوع کرده است متابعت کنید و شما را به راه

۱. همان، ص ۱۱۱.

۲. سوره شعراء، آیه ۲۲۷.

۳. علامه مجلسی در بحار الانوار، مشرق را ایران و ستاره را قدرت شیعه و صفوی‌ها در ایران می‌داند
- واللّه اعلم -.

آیا تطبیق آن با انقلاب امام خمینی (ره) بیشتر نیست؟ از آن جایی که روایت می‌گوید اگر او را متابعت کنید شما را به راه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌برد معلوم می‌شود مقصود از ستاره دنباله‌دار، شخصی است.

رسول اکرم ﷺ می برد [نه اطاعت از ماه که امام زمان باشد، بلکه اطاعت از ستاره که شخصی است که از مشرق طلوع می کند.] و شما را از کوری، کری و لالی درمی آورد و شما را از سختی طلب روزی نجات می دهد و خدا کسی را از رحمت خود دور نمی کند، مگر کسی که حق را نخواهد و ظلم کند و آن چه را که مستحق آن نیست بگیرد و بسیار نزدیک است کسانی که ظلم کرده اند بدانند کدام یک مظلوم یا ظالم... خواهند بود.^۱

شهر قم

● امام صادق علیه السلام فرمودند: خدا شهر کوفه را حجت بر شهرهای منطقه و مؤمنین آنها را حجت بر مردم دیگر شهرهای منطقه قرار داده است و شهر قم را حجت بر تمام شهرها و اهل قم را حجت بر تمام مشرق و مغرب از جن و انس روی زمین قرار می دهد و خدا نمی گذارد اهل قم مستضعف در دین بمانند، بلکه آنها را موفق می دارد و دین و اهل دین در قم از نظر مادی ضعیف و ذلیل هستند که اگر این گونه نباشد، مردم به آن جا ریخته خرابش می کنند و دیگر حجتی باقی نمی ماند و اگر حجت روی زمین نباشد، آسمان و زمین آرام نمی گیرند و خدا دیگر احتیاجی به انسانها نخواهد داشت و بلا از قم و اهل آن دور است و زمانی می رسد که قم و اهل آن حجت بر تمام خلایق روی زمین می شود و این حجت در زمان غیبت واقع می شود و تا ظهور امام زمان ادامه پیدا می کند و اگر این حجت نباشد زمین اهل خود را در خود فرو می برد.

ملائکه بلا را از قم و اهل قم دور می‌کنند و هیچ جباری قصد آن نمی‌کند، مگر این که شکننده ظالمین و جبارین او را به گرفتاری و بلبختی گرفتار می‌کند و با دشمنی درگیرش می‌کند و مشغولش می‌سازد. و جبارین در حکومت و قدرتشان قم را فراموش می‌کنند، همان گونه که خدا را فراموش کرده‌اند.^۱

● در مقابل امام صادق علیه السلام صحبت از کوفه به میان آمد و گفته شد که امروز مجمع شیعیان است.

حضرت فرمود: بله، همین گونه است که شما می‌گویید، اما به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم از آن جا جمع می‌شود و در شهری به نام قم گسترده می‌گردد و آن جا معدن علم و فضل می‌شود، و در منطقه قم - ایران - کسی که دین و حق را نداند پیدا نمی‌شود حتی دختران در پرده حق و دین را می‌شناسند.

و این در نزدیکی قیام حضرت حجّت علیه السلام است و خدا قم و اهل آن را قائم مقام حجت قرار داده است و اگر نبود حقانیت قم، زمین اهل خودش را در خود فرو می‌برد، زیرا حجت اگر نباشد زمین نخواهد ماند.

بعد، علم از قم به تمام روی زمین شرق و غرب آن خواهد رسید و خدا به واسطه آن حجت را بر روی زمین تمام می‌کند و روی زمین کسی نباشد که علم و دین را نداند، بعد امام زمان علیه السلام ظاهر می‌شود و وسیله انتقام و غضب حضرت حق می‌گردد؛ زیرا خدا حجت را بر خلق تمام می‌کند و وقتی خلق زیر بار نرفت در آن وقت است که خدا انتقام می‌گیرد.^۲

۱. همان، ج ۵۷، ص ۲۱۲، حدیث ۲۲.

۲. همان، ص ۲۱۳، حدیث ۲۳.

قبل از سفیانی کسی خروج می‌کند و مردم را به اهل بیت علیهم‌السلام می‌خواند

● عمار یاسر می‌گوید: دولت و حکومت اهل بیت پیامبر شما در آخر زمان است و برای آن نشانه‌هایی می‌باشد، اگر آن علائم ظاهر نشد قیام نکنید تا علامت آن ظاهر شود. هر وقت رومی‌ها و ترک‌ها لشکر تهیه دیده به طرف شما بفرستند و خلیفه شما که اموال جمع می‌کند بمیرد با خلیفه‌ای دیگر که مردی نیکوکار باشد بیعت کنید؛ ولی بعد از چند سال از بیعت او خارج شوید و از بین رفتن حکومت آنها از همان جایی است که شروع شده [به نظر می‌رسد حکومت بنی عباس باشد که از سرزمین ایران قوت گرفته] و از همان جا هم از بین می‌رود و ترک و روم رفت و آمد می‌کنند، در روی زمین بسیار جنگ می‌شود و از طرف دمشق صدایی بلند می‌شود و وای به اهل زمین از شری که به آنها نزدیک می‌شود، پشت دیوار مسجد دمشق در زمین فرو می‌ریزد، در اثر آن دیوار مسجد خراب می‌شود.

سه گروه در شام پیدا می‌شوند که می‌خواهند حکومت را به دست بگیرند: فردی ابقع، فردی اصهب و فردی از خاندان ابوسفیان که دارودسته بنی کلب هستند. مردم در دمشق حاضر می‌شوند و غربی‌ها به مصر می‌روند، وقتی غربی‌ها وارد مصر شدند این علامت خروج است.

قبل از سفیانی کسی قیام می‌کند که مردم را دعوت به آل محمد علیهم‌السلام می‌کند. ترک در حیره و روم در فلسطین، فرود می‌آیند و عبدالله خود را می‌رساند و دو لشکر در کنار نهر قرقیسا به هم می‌رسند. جنگی سخت درمی‌گیرد، مغربی پیروز شده بسیاری از مردها را می‌کشد و زنان را به اسیری می‌گیرد، بعد برمی‌گردد میان قیسی‌ها، در جزیره پیاده می‌شوند.

در آن هنگام یمانی خود را می‌رساند؛ اما سفیانی همه چیز را برای خود ضبط کرده است، به طرف کوفه می‌روند و یاران آل محمد علیهم‌السلام را می‌کشند و هر کس به نام شیعه باشد می‌گیرند و می‌کشند، بعد از این حوادث است که مهدی علیه‌السلام خروج کرده، پرچم‌دار حضرت، شعیب بن صالح می‌باشد. وقتی اهل شام می‌بینند که قدرت در دست سفیانی افتاده است، اهل مکه با او بیعت می‌کنند در این وقت است که نفس زکیه کشته می‌شود، در حالی که برادرش در مکه مشغول کار است، صدایی از آسمان بلند می‌شود: ای مردم! صاحب امر شما فلانی است و مقصود او حضرت مهدی علیه‌السلام است و اوست که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پُر از ظلم و جور شده باشد.^۱

قبل از سفیانی هر کس از اهل بیت قیام کند شکست می‌خورد

قیام قبل از امام زمان علیه‌السلام

● آیا قبل از خروج سفیانی و قیام امام زمان علیه‌السلام از قیام نهی شده است؟ ما روایات زیادی داریم که از قیام نهی فرموده‌اند و آنها بر چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. دسته‌ای که خبر می‌دهد هر قیام قبل از سفیانی واقع شود به نتیجه نمی‌رسد؛ مثل همین روایتی که از امام صادق علیه‌السلام نقل کردیم^۲ و مقدمه صحیفه سجادیه که فرمودند: هیچ کس قبل از امام زمان قیام نمی‌کند که

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۰۷، حدیث ۴۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۰۷، حدیث ۴۵.

حقی را برپا یا باطلی را از بین ببرد، مگر این که مصیبت ما اهل بیت را زیاد کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من بالای منبر بودم که خوابم برد و در خواب دیدم که بعد از من بوزینگانی بر منبرم بالا می روند و مردم را به قهقرا می برند. بسیار ناراحت شدم برای تسلیت من سوره انا انزلنا، نازل شد و بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچ قیامی پیروز نمی شود.^۱

● در روایت است: مثل قیام قبل از ظهور امام زمان، مثل از لانه برون آمدن جوجه‌ای است که هنوز خوب بال و پر درنیآورده است، از لانه‌اش بیرون بیاید به زمین می خورد و بازیچه دست بچه‌ها خواهد شد.^۲

البته این گونه روایات نهی نمی کند، خبر می دهد که پیروز نمی شود؛ مثل قیام امیرالمؤمنین علیه السلام، قیام امام حسین علیه السلام و قیام زید علیه السلام.

۲. دسته دوم نهی شخصی می فرمایند؛ یعنی قیام نکنید و دنبال هوا و هوس خود نروید و بر ناگواری‌ها صبر کنید؛ مثل قیام سادات حسنی و... .

۳. دسته سوم نهی می کند، چون لازم نیست؛ مثل قیام بعد از خروج سفیانی که هیچ سودی ندارد، بلکه دست نگه دارید که خود حضرت مهدی علیه السلام قیام می فرماید.

۴. دسته چهارم، خبر از قیام می دهد و تعریف هم می کند؛ مثل قیام حسنی و یمانی و خراسانی و نفس زکیه و قیام اهل قم و... .

اصلاً برای حق قیام کردن یک امر درست و وظیفه دینی و گاهی واجب

۱. مقدمه صحیفه سجادیه.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲، حدیث ۶۸.

می‌شود، هر چند انسان کشته شود و نتیجه ظاهری هم نداشته باشد. خود قیام علیه ظلم و ستم واجب است به شرطی که برای هوای نفس نباشد و فایده‌ای هم بر آن مترتب باشد و فتنه‌ای هم به دنبال نداشته باشد. یکی از آنها، قیام حضرت امام خمینی علیه السلام است که در روایات خبر داده‌اند و می‌بینیم که چه طور لازم و واجب بوده است و شیعه، حق و راه درست را به عالم نشان داد و حجت را بر همه تمام کرد و الگویی برای نظام‌های دیگر شده است.^۱